

دنيا بازيچه يهود

آيه الله العظمى حاج سيد محمد حسيني شيرازي (قدس سره)

ترجمه سيد هادي مدرسي

مشخصات کتاب

نام کتاب: دنيا بازيچه يهود

مؤلف: آيه الله العظمى حاج سيد محمد حسيني شيرازي (قدس سره)

شمارگان: ۱۰۰۰۰

تاريخ چاپ: رجب المرجب ۱۴۲۳ هـ. ق ، (مهرماه ۸۱)

نوبت چاپ: اول ناشر

ناشر: بينش آزادگان

شابک: ۲ - ۰۵ - ۷۷۲۲ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 7722 - 05 - 2

مؤسسه فرهنگي دارالمهدي و القرآن الحكيم

حسينيه كربلائيهاي اصفهان

تلفكس: ۲۲۹۹۰۲۴

فهرست مندرجات

۵	مقدمه ناشر
۶	مقدمه مترجم
۶	تاریخچه یهود
۱۳	صفات یهود و فشار دولتها
۲۶	واکنش عقده‌ها
۳۰	آرمانهای غیرانسانی
۳۳	یهود و آمریکا
۴۲	چگونگی پیدایش اسرائیل
۵۲	آوارگان
۵۵	دلایلهای جنگلی
۵۸	آخرین تجاوز اسرائیل
۷۳	مقدمه مؤلف
۷۸	معرفی یهود
۷۹	فلسطین
۸۱	تورات و عهد عتیق
۸۹	تلمود
۹۷	ماسونیسیم

- ۱۰۲..... پروتكلها
- ۱۱۷..... نفوذ و سيطره يهود
- ۱۲۵..... توطئه‌ها
- ۱۳۴..... جنايتها
- ۱۴۰..... يهود چه مي‌کند؟
- ۱۴۸..... وظيفه ما در مقابل اين جنايتها

مقدمه ناشر

کتاب ارزشمند دنیا بازیچه یهود نوشته مرحوم آیه الله العظمی شیرازی (قدس سره) نابغه قرن در تألیف که بیش از هزار و صد و شصت کتاب به رشته تحریر درآورده، از چهل سال قبل تاکنون چندین مرتبه به زیور طبع آراسته گردیده و در هر نوبت مورد استقبال چشم گیر جامعه اسلامی قرار گرفته است.

نویسنده محترم که قلم از وصفش عاجز و سطرها از تحمل بیانش ناتوان است در این کتاب خطر جدی یهود به خصوص صهیونیست و جنایتهای آن، نقشه‌ها، پروتکل یهود و نفوذ و تسلط آنان بر جهان را به قلم زیبایی بیان نموده است. هم اکنون انتشارات بینش آزادگان افتخار دارد جهت هوشیاری هر چه بیشتر مسلمانان و توجه آنان به خطر یهود اقدام به چاپ مجدد این کتاب ارزنده نماید و آن را با ویراستاری جدید و تحقیقات بیشتر در اختیار سطوح مختلف جامعه به خصوص نسل جوان قرار دهد.

در خاتمه از همه کسانی که ما را در تکمیل این اثر ارزنده یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

بینش آزادگان

مرداد ماه ۱۳۸۱

مقدمه مترجم

تاریخچه یهود

قوم یهود به بنی اسرائیل نیز معروف هستند یعنی فرزندان اسرائیل.

اسرائیل کیست؟

اسرائیل^۱ لقب حضرت یعقوب^۲ فرزند اسحاق^۳ است.

حضرت یعقوب دارای دوازده فرزند بود که یهود از نام چهارمین فرزند ایشان

یعنی یهوذا گرفته شده است.

۱- اسرائیل یعنی بنده خدا.

۲- حضرت یعقوب ۳۴۸۳ سال پس از هبوط آدم متولد شدند، پدر ایشان حضرت اسحاق و مادر ایشان رفقه نام دارد، ایشان ۱۴۷ سال عمر کردند. حضرت یعقوب در فلسطین مبعوث شدند و ۵۰ سال مردم آن سرزمین را به شریعت حضرت ابراهیم دعوت نمودند، ایشان ۱۷ سال نیز در مصر زندگی کردند، مدفن این پیامبر عظیم الشان در جامع الخلیل واقع در کشور فلسطین می باشد.

۳- حضرت اسحاق ۳۴۲۳ سال پس از هبوط آدم و ۵ سال پس از برادرشان اسماعیل متولد شدند، پدر ایشان حضرت ابراهیم و مادر ایشان ساره نام دارد، حضرت اسحاق ۱۸۰ سال عمر کردند. جبرئیل به حضرت اسحاق بشارت داد که هزار پیامبر از نسل ایشان به وجود خواهد آمد.

یهودا و برادرانش به اتفاق پدرشان یعقوب در کنعان (فلسطین) زندگی می کردند، البته پس از توطئه به قتل رساندن حضرت یوسف^۱ که یهوذا نیز در آن دست داشت، برادران یوسف فلسطین را به قصد مصر ترک کردند^۲.

این مهاجرت زمانی صورت گرفت که مصر مملکتی پرجمعیت و با ثروت به شمار می رفت به همین دلیل است که: حاکم چنین مملکتی گویی بر کل جهان حکومت می کند.

برادران یوسف زمانی وارد مصر شدند که حضرت یوسف پادشاه این سرزمین بود، از این رو زندگی بسیار باشکوهی برای خود فراهم آوردند.

به واسطه زندگی فرزندان یعقوب در مصر، قبیله های زیادی از بنی اسرائیل در این سرزمین تشکیل شد که در آسایش و امنیت به زندگی مشغول بودند تا زمانی که فرعون ظاهر شد، فرعون به دلایلی بنی اسرائیل را آزار و اذیت می کرد^۳ و امنیت را از آنان سلب نمود^۴.

در زمان حاکمیت ظالمانه فرعون، بنی اسرائیل سخت ترین روزهای زندگی خود را زیر شکنجه های طاقت فرسا و فشارهای زیاد حکومت او سپری کردند. ولی

۱- حضرت یوسف ۳۵۵۶ سال پس از هبوط آدم در بین النهرین متولد شدند، پدر ایشان حضرت یعقوب و مادر ایشان راحیل نام دارد، حضرت یوسف ۱۲۰ سال عمر کردند. ایشان در مصر مبعوث شدند و دارای مقام وزارت نیز بودند. محل دفن ایشان در جامع الخلیل واقع در کشور فلسطین می باشد.

۲- ۱۷۴۰ سال قبل از مسیح .

۳- دشمنی های دیرینه ای که میان فرعون و قبیله های بنی اسرائیل وجود داشته، یکی از این دلایل است.

۴- آیه ۴۹ سوره بقره می فرماید: فرعون مردهای بنی اسرائیل را به قتل می رساند و زنانشان را به اسارت می برد.

روزگار رهایی بنی اسرائیل با مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام^۱ به پیامبری فرا رسید، روحهای پژمرده آنان را جوان ساخت و به جانهای در بند شده آنها آزادی بخشید. آری، این حضرت موسی علیه السلام بود که با خدمات فراوان خویش به بنی اسرائیل گویی جان تازه‌ای در کالبد آنها دمید ولی بنی اسرائیل چشم بر تمام این خدمات فرو بسته، مردمان ناسپاس و بی‌خرد گذشته را الگو و ناسازگاری با حضرت موسی علیه السلام را پیشه خود قرار دادند.

حضرت موسی علیه السلام همراه بنی اسرائیل، شبانه مصر را ترک کرده، به رود نیل رسیدند، موسی علیه السلام با عصای خود بر آب زد تا اینکه در میان رود نیل راهی نمایان شد.

حضرت موسی علیه السلام دستور داد همگی آن راه را در پیش گرفته و از رود نیل عبور کنند ولی آنها یک صدا گفتند: ما از دوازده قبیله هستیم و هر قبیله‌ای عاداتها و رسوم خاص خود را دارد و ما نمی‌توانیم از یک راه عبور نماییم، باید این راه به دوازده قسمت تقسیم شود، یعنی برای هر یک از این قبیله‌ها مسیری جداگانه باشد، تا دستور تو را اجرا نماییم.

موسی علیه السلام به دریا گفت: دوازده مسیر برای بنی اسرائیل باز کند و به فرمان خداوند دوازده مسیر برای عبور هر یک از قبیله‌های بنی اسرائیل پدیدار شد. ولی هیچ یک از قبیله‌های دوازده گانه بنی اسرائیل به جلو نرفتند و گفتند:

درست است که ما دوازده قبیله‌ایم ولی با یکدیگر آشنا و خویشاوند هستیم، ممکن است بخواهیم در میان راه با یکدیگر صحبت کنیم، پس به دریا بگو

۱- حضرت موسی ۳۷۴۸ سال پس از هبوط آدم در شهر منفیس و زمان حکومت رامسس دوم متولد شدند، پدر ایشان عمران و مادر ایشان یوکابد نام دارد. حضرت موسی همراه برادرشان هارون ۱۲۱۳ سال قبل از میلاد مسیح برای بنی اسرائیل مبعوث شدند. حضرت موسی ۱۲۰ سال عمر کردند و به روایتی در ۶ فرسخی بیت المقدس مدفون می‌باشند.

روزنه‌هایی در میان دیوارهای آب مانند پنجره باز نماید تا هر قبیله‌ای بتواند دیگر قبیله‌ها را ببیند و با آنها گفتگو کند، حضرت موسی نیز به اذن خداوند چنین کرد. ولی بنی اسرائیل باز هم بر جای خود ایستاده، حرکتی نکردند و این مرتبه گفتند:

ما با پاهای برهنه چگونه بر روی زمین دریایی که رطوبت دارد راه برویم، تا دستور ندهی که زمین دریا خشک شود، عبور نخواهیم کرد.

به دستور حضرت موسی و اذن خداوند زمین دریا خشک شد ولی بنی اسرائیل باز هم بر جای خود ایستادند و در این هنگام بود که بی ادبی، وقاحت و قدرشناسی را به بالاترین درجه خود رسانیده، با یکدیگر گفتند:

موسی ما را از شهر آواره نمود و به اینجا آورد، اکنون هم می‌خواهد همه ما را در دریا نابود کند و ثروت و اندوخته‌های ما را به تصرف خویش درآورد.

برای اینکه به بنی اسرائیل ثابت شود که حضرت موسی علیه السلام برای نجات آنها از چنگال فرعون و حکومت ظالمانه‌اش مبعوث شده و هیچ چشمداشتی به اموال آنها ندارد، این پیامبر الهی با یک دنیا تعجب در حالی که لبخند تلخی بر لبانش نقش بسته بود پا به رود نیل نهاد و پیشاپیش آنان به راه افتاد. این نخستین برخورد و تجربه تلخی بود که بنی اسرائیل برای حضرت موسی علیه السلام به یادگار گذاشتند.

در ادامه، تاریخ چنین نقل می‌کند: هنگامی که بنی اسرائیل از رود نیل خارج شده و به صحرای سینا رسیدند، به حضرت موسی علیه السلام گفتند:

ما را از خانه‌های خود بیرون آورده‌ای و در این صحرای شن‌زار سکونت دادی؟ این چه رفتاری است با ما؟ مگر ما سنگ هستیم، مگر ما احتیاج به آب و غذا نداریم؟

به همین دلیل، خداوند متعال امر فرمود از آسمان برای آنان طعامی فرستاده شد، ابری نیز بر آنها سایه افکند و به سنگی امر فرمود تا به آنها آب دهد!

پس از آن بنی اسرائیل مدتی اینگونه زندگی کردند، تا اینکه روزی به حضرت موسی علیه السلام گفتند:

ما طعامهای آسمانی نمی خواهیم، به خدایت بگو ما همان پیاز و عدس را بهتر از این طعامها دوست داریم!

حضرت موسی علیه السلام به بنی اسرائیل فرمود:

به نزدیکترین روستایی که رسیدید آنچه می خواهید زراعت کنید زیرا خداوند دیگر برای شما طعامی نخواهد فرستاد.

نافرمانی آنان به اندازه‌ای رسید که سزاوار عذاب الهی شدند، عذاب خداوند بر آنها این بود که مدت ۴۰ سال در صحراها و بیابانها سرگردان بودند، آنهایی که با حضرت موسی علیه السلام از مصر بیرون آمدند، با آرزوی رسیدن به شهر از دنیا رفتند تا اینکه فرزندان و نوادگانشان با حضرت یوشع بن نون^۱ وارد شهر کنعان شدند.^۲

تشکیل نخستین دولت یهودی هنگامی بود که طالوت یا شائول در بین سالهای ۱۰۹۵ - ۱۰۵۵ قبل از میلاد پادشاه بنی اسرائیل شد، که پایتخت خود را جبرون (خلیل) قرار داد ولی پس از آن حضرت داوود^۳ به پادشاهی رسید و پایتخت را در سال ۱۰۴۹ قبل از میلاد به یبوس (بیت المقدس) تغییر داد.

۱- ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح.

۲- موقف علماء الاسلام من اليهود: چاپ کربلا، صفحه ۱۰.

۳- حضرت داوود در بیت اللحم متولد شد در ابتدای جوانی به شبانی پرداخت، سپس به دلیل شجاعت و صدای دلنشینی که داشت نزد شائول تقرّب پیدا کرد و دختر او را به همسری برگزید. حضرت داوود (مزامیر) را تصنیف نمود و بیت المقدس را پایتخت خویش قرار داد، فرزندش سلیمان را جانشین خود نمود و طرح و نقشه مسجد الاقصی را به او داد تا آن را بنا کند.

پس از حضرت داوود فرزند ايشان حضرت سلیمان به مقام نبوت و همچنين پادشاهی بنی اسرائیل رسيد که از بزرگ‌ترين پادشاهان آنان شناخته شد^۱، در زمان ايشان همه از آرامش و سعادت برخوردار بودند، گفته می‌شود بنای (هیکل سلیمان) به دست ايشان ساخته شد که مدت هفت سال مهندسين مصر، الجزيره و فینيقيا در آن ساختمان کار می‌کردند^۲.

پس از فوت حضرت سلیمان^۳ دولت بنی اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد، یکی در شمال که پایتختش سامره نابلس بود، دیگری در جنوب به پایتختی اورشلیم بیت المقدس^۴.

این دو دولت مدت ۲۰۰ سال با یکدیگر در نبرد بودند تا آنکه سرجون امپراطور آشوريها ۷۲۲ سال قبل از میلاد بر آنها پیروز شد و فرمان اخراج همه يهودیان را از آن منطقه صادر نمود^۵.

پس از سقوط نینوا توسط کلدانیها (۶۱۴ سال قبل از میلاد) يهود برای از بین بردن رابطه کلدانیها و مصریها که بر کنعان حکومت داشتند وارد عمل شد و در نتیجه جنگ دامنه‌داری را بین آنها پایه‌گذاری کرد، سرانجام نبوخذ نصر پادشاه بابل (۵۶۲ سال قبل از میلاد) پیروز شد و در صدد انتقام‌جویی از يهود برآمد، وی اورشلیم را خراب کرد، هیکلها را نابود نمود و همه را دست بسته به سوی بابل حرکت داد^۶.

۱- حضرت سلیمان زبان همه حیوانات را می‌دانستند، باد نیز در فرمان ايشان بود به همین دلیل در زمان آن حضرت شوکت و ثروت بنی اسرائیل به منتهی درجه خود رسيد.

۲- مجله العربی چاپ کویت: شماره ۱۰۹، سال ۱۹۶۷ میلادی.

۳- حدود ۹۳۲ سال قبل از میلاد مسیح.

۴- فلسطین و الضمیر الانسانی: تألیف علوبه، صفحه ۵۴.

۵- مجله العربی: شماره ۱۰۹، صفحه ۵۴.

۶- ۵۸۶ سال قبل از میلاد مسیح.

یهود مدت زیادی را در اسارت به سر بردند تا آنکه کورش پادشاه ایران آنها را که به (اسرای بابل) مشهور بودند نجات داد و دوباره هیکل^۱ را بنا نمود^۲. در دوره پادشاهی هیلین یهود حمله‌های بسیاری را متحمل شدند، آخرین حمله به یهود با

خرابی اورشلیم به دست رهبر معروف رومانی قیطس مواجه شد که همه یهودیان ساکن در آن نیز به عنوان اسیر به روم فرستاده شدند^۳. در سال ۱۲۵ میلادی ادریانوس امپراتور مشهور رومانی به آنها حمله کرد و اورشلیم را خراب نمود، تعداد پانصد هزار یهودی را به قتل رسانید و پنجاه هزار نفر یهودی را به اسارت گرفت^۴.

در دوره تراجان (سال ۱۰۶ میلادی) تعداد زیادی از یهود مخفیانه وارد اورشلیم شده، بنای خرابکاری را گذاردند ولی زمانی که ادریانوس پادشاه روم شد^۵ اورشلیم را به تصرف درآورد و انجام مراسم مذهبی را بر یهود منع کرد. یهود به رهبری بار کوخیا در سال ۱۳۵ میلادی شورش کردند ولی به پیروزی دست نیافتند. در این شورش بیش از ۵۸۰ هزار یهودی جان خود را از دست دادند، کسانی هم که توانستند زنده بمانند از شهر فرار کردند در نتیجه ادریانوس دوباره اورشلیم را خراب نمود و به جای آن ایلیا را بنا کرد^۶.

۱- ۵۱۶ سال قبل از میلاد مسیح.

۲- تاریخ الاسرائیلیین: تألیف شاهین مقاریوس، چاپ المقتطف ۱۹۰۴.

۳- در سال ۷۰ میلادی

۴- مجله العربی: شماره ۱۰۹، صفحه ۵۵.

۵- از سال ۱۱۷ تا ۱۳۸ میلادی.

۶- تاریخ القدس: تألیف عارف المعارف، چاپ دارالمعارف ۱۹۵۱ میلادی.

پس از این تاریخ، یهود شورشها و جنایتهای زیادی کردند، در نتیجه چندین مرتبه قتل عام شدند که در همه این موارد خود مسبب بودند.^۱

صفات یهود و فشار دولتها

گوستاولوبون فرانسوی می گوید اگر بنا باشد صفات یهود را در جمله‌ای خلاصه، بیان کنیم باید اینگونه بگوییم:
یهودیهها همچون انسانهایی هستند که تازه از جنگل وارد شهر شده و همیشه از صفات انسانی بی بهره بوده‌اند چرا که همیشه مانند پست‌ترین مردم روی زمین زندگی می‌کنند.^۲

بنی اسرائیل همیشه مردمی وحشی، خونریز و بی‌غیرت بوده‌اند، حتی زمانی هم که یهود بر کشورهای خود حکومت می‌کرده دست از خونریزی برنداشته‌اند، بی‌پروا وارد جنگ می‌شدند و چون با شکست مواجه می‌گردیدند به پاره‌ای خیالات غیرانسان و بی‌اساس پناه می‌بردند. خلاصه آنکه هیچ فرقی میان یهود و حیوانات نمی‌توان گذاشت.^۳

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب خطر الیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه تألیف عبدالله التل مراجعه شود.

۲- الیهود فی تاریخ الحضارات الاولى: ترجمه عادل، قاهره ۱۹۵۰ میلادی.

۳- همان مدرک: صفحه ۵۸.

و اما برجسته‌ترین صفات غیرانسانی یهود، به بیان قرآن کریم:

۱- وحشیگری و سنگدلی

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱.

پس با این معجزه بزرگ باز چنان سخت‌دل شدید که دل‌هایتان مانند سنگ یا سخت‌تر از آن شد، به درستی که از پاره‌ای سنگها، نهرها بجوشد و برخی دیگر سنگها بشکافد پس آب از آن بیرون آید و به درستی که پاره‌ای از سنگها از ترس خدا فرود آیند (ای سنگدلان بترسید که) خدا از کردار شما غافل نیست.

در مورد اینکه چه امری باعث سنگدلی یهود شد، خداوند متعال در آیه‌ای دیگر چنین می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَرَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ﴾^۲.

پس چون (بنی اسرائیل) پیمان شکستند آنان را لعنت کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم (که موعظه در آنها اثر نکرد) کلمات خدا را از جای خود تغییر می‌دادند و از بهره آن کلمات که به آنها داده شد (در تورات) نصیب بزرگی را از

۱- سوره بقره: آیه ۷۴.

۲- سوره مائده: آیه ۱۳.

دست دادند و پیوسته بر خیانتکاری و نادرستی آن قوم مطلع می‌شوی به غیر از تعداد کمی از آنها که با ایمان و نیکو کارند.

تاریخ در همه زمانها سنگدلی یهود را به صحنه نمایش گذارده است.

کاسیوس در کتاب ۷۸ خود، فصل ۳۲ در حوادث سال ۱۱۷ میلادی می‌نویسد: مطابق همین تاریخ، یهود در غرب دریای طرابلس برای کشتن رومیها و یونانیها به رهبری اندریا خروج کرده، همه را به قتل رساندند و خونهایشان را آشامیده، گوشتهایشان را نیز خوردند سپس سرها و استخوانها را قطعه قطعه کرده، به سگها دادند.

مردم ما را نیز مانند حیوانات به کشتار یکدیگر مجبور کردند که تعداد کشته‌شدگان این جنایت به ۲۲۰،۰۰۰ نفر رسید.

یهود چنین جنایتی را نیز در مصر و قبرس به رهبری آرتمیون تکرار کردند، که نتیجه آن کشته شدن ۲۴۰،۰۰۰ انسان بی‌گناه بود.

در سافیل که شهری است در اسپانیا، ۱۳۸ مسیحی را به قبرستانی خارج از شهر برده، آنها را با گلوله مجروح و سپس زنده به گور کردند ولی برخی از جسدها به طور کامل زیر خاک پنهان نشده بودند به طوری که دستهایشان از قبر بیرون مانده بود!

البته این سنگدلی برای یهود تازگی ندارد، حتی در آخرین جنگی که بین مسلمانان و اسرائیل اتفاق افتاد، هنگامی که جنگ تمام و آنها بر بیت المقدس پیروز شدند، به روستایی که در نزدیکی شهر قرار داشت حمله کردند، مردم بی‌دفاع و بی‌گناه نیز از ترس کشته شدن به مسجد پناه بردند ولی برای یهود مسجد و غیر مسجد تفاوتی ندارد، زمانی که مردم وارد مسجد شدند هلی کوپترهای آنان

بر فراز مسجد به پرواز درآمده و با تيراندازی به مردم بی دفاع آنها را به خون خود آغشته نموده و آتش زدند.^۱

۲- کشتن پیامبران الهی

در قرآن کریم اینگونه آمده است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾^۲.

و ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم و از پی او پیغمبرانی فرستادیم و عیسی پسر مریم را به ادله روشن حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس اقتدار و توانایی بخشیدیم، آیا هر پیامبری که بر خلاف هوای نفس شما اوامری از جانب خدا آورد از امرش سرپیچی کرده، از راه حسد گروهی را تکذیب می کنید و گروهی را به قتل می رسانید؟

همچنین می فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِاللَّهِ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَنَكْفُرُ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱.

۱ - این خبر در تمام رادیوها و روزنامه های آن زمان منتشر شد.

۲- سوره بقره: آیه ۸۷.

و هنگامی که به یهود گفته شد به قرآنی که خدا برای (هدایت بشر) فرستاده ایمان بیاورید، گفتند فقط به تورات که بر ما نازل شده ایمان می آوریم و به غیر تورات کافر می شوند در صورتی که قرآن حق است و کتاب آنها را تصدیق می کند، ای پیغمبر بگو اگر شما در ادعای ایمان به تورات راستگو بودید به کدام حکم تورات، پیامبران قبل را به قتل رساندید؟
و نیز می فرماید:

﴿لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾^۲.

از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم (که خدا را اطاعت کنند) و پیامبرانی بر آنها؛ فرستادیم (که احکام خدا بیاموزند) هر رسولی آمد چون بر خلاف هوای نفس آنها سخن گفت، گروهی را دروغگو خواندند و گروهی را به قتل رساندند.

مطلب تعجب آور آنکه در روایات ما اینگونه آمده است که کشتن پیامبران الهی به اندازه ای برای یهود طبیعی بود که روزی از طلوع فجر تا طلوع آفتاب^۳ ۷۰ پیامبر الهی را کشته، سر از بدن آنها کردند و سپس به مغازه های خود رفته و مانند روزهای دیگر کار روزانه را شروع کردند!^۴

از جمله پیامبرانی که توسط یهود کشته شدند، حضرت یحیی و حضرت زکریا ۸ بودند، این دو پیامبر الهی فقط به دلیل منع یهود از اعمال زشت و غیر انسانی سزاوار مرگ شدند. همان گونه که قصد داشتند حضرت هارون علیه

۱- سوره بقره: آیه ۹۱.

۲- سوره مائده: آیه ۷۰.

۳- جدا از نظر زمانی، حدود یک ساعت و نیم می باشد.

۴- قصص الانبیاء.

السلام جانشین حضرت موسی علیه السلام را به قتل برسانند و برای کشتن حضرت عیسی علیه السلام نیز چوبه‌های دار نصب نمودند. و چه جنایتی بزرگ‌تر از آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را شهید کردند!

در تاریخ اینگونه آمده است:

پس از فتح خیبر، همسر سلام بن مشکم یهودی که به ظاهر اسلام آورده بود غذایی از گوشت ران گوسفند آماده کرد و خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که هیچ‌گاه به تنهایی غذا میل نمی‌فرمودند، بشر بن براء را نیز دعوت نمودند، بشر قطعه‌ای از آن گوشت را تناول نمود، اما به مجرد اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوشت را در دهان گذاشت و مقداری از آن را جویدند، یک مرتبه لقمه را از دهان بیرون انداخته و فریاد زدند: به خدا قسم این گوشت به من خبر می‌دهد که مسموم است ولی آن زهر به اندازه‌ای قوی بود، که بشر را در همان مجلس از پای درآورد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را پس از چند هفته شهید کرد!

۳- دروغ، تهمت، تحریف

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

۱- موقف علماء الاسلام من اليهود: صفحه ۲۹، مکتب اسلام: شماره ۳، سال ۹، صفحه ۱۶۲. معروف این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام بیماری خود چنین فرمودند: این بیماری از آثار غذای مسمومی است که آن زن یهودی پس از فتح خیبر برای من آورد. اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولین لقمه را بیرون انداختند ولی آن زهر کمی با آب دهان حضرت مخلوط شد و بر دستگاہهای گوارش بدن ایشان اثر خود را گذارد.

﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾^۱

گروهی از اهل کتاب آرزوی آن دارند که شما را گمراه کنند، به غیر از آنکه خود را گمراه کنند به آرزویی نخواهند رسید و این را نمی فهمند.

خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲

ای اهل کتاب چرا حق را به باطل مشتبه می سازید تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید در صورتی که به حقانیت آن آگاهید؟

﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ اسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رَاعِنَا لِيَاً بِالْسِتِّهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا وَ اسْمَعْ وَ انْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۳

گروهی از یهود کلمات خدا را از جای خود تغییر داده و می گویند: فرمان خدا را شنیده و از آن سرپیچی می کنیم و (به زبان جسارت به تو خطاب می کنند) می گویند بشنو که کاش ناشنوا باشی و گویند ما را رعایت کن و گفتارشان زبان بازی و تمسخر به دین است و اگر به احترام می گفتند که ما فرمان حق را شنیده و تو را اطاعت می کنیم، تو نیز سخن ما را بشنو و به حال ما بنگر، آنان را نیکوتر بود و به درستی نزدیک تر ولی خداوند آنها را چون کافر شدند، لعنت کرد پس یهود ایمان نمی آورند مگر تعداد کمی از آنها.

۱- سوره آل عمران: آیه ۶۹.

۲- سوره آل عمران: آیه ۷۱.

۳- سوره نساء: آیه ۴۶.

﴿... مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ...﴾^۱

... و نیز اندوهگین مباش از آن دسته از یهود که جاسوسی کنند و سخنان
فتنه‌انگیز به جای کلمات حق تو، به آن قومی که از کبر نزد تو نیامدند می‌رسانند
(مانند اشراف یهودیان خبیر) و کلمات حق را بعد از آنکه به جای خود مقرر
گشت (به میل خویش و از روی دشمنی با اسلام) تغییر می‌دهند....

۴- حيله و نيرنگ

این دو صفت غیر انسانی در طول تاریخ همچون دو عصای محکمی بوده که
همیشه یهود در کارهای خود بر آنها تکیه زده است. حيله و نيرنگ در نهاد هر
یهودی یافت می‌شود، همه جا و در هر کاری که انجام می‌دهد با او همراه
می‌باشد.

قرآن در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^۲

یهود با خدا مکر کردند، خدا هم در مقابل با آنها مکر نمود و خداوند از هر
شخصی بهتر می‌تواند مکر نماید.

۱- سوره مائده: آیه ۴۱.

۲- سوره آل عمران: آیه ۵۴.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ..﴾^۱

ای پیامبر! تو را ناراحت نکنند کسانی که به راه کفر می‌شتابند یعنی کسانی که به زبان، اظهار ایمان کنند و به دل ایمان نیاورند....

۵- مال اندوزی و ثروت پرستی

از زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای آوردن الواح به کوه طور رفت و سامری گوساله‌ای از طلا و نقره برای بنی اسرائیل ساخت تا به حال ثروت، بزرگ‌ترین معبود یهود به شمار می‌رود.

سعی هر یهودی بر آن است که ثروت‌های جهان را در اختیار خود داشته و بدین وسیله بر مردم سلطه و حکومت نماید.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾^۲

و به درستی که موسی علیه السلام با دلایل آشکار به سوی شما آمد، سپس شما؛

(در نبودن موسی و با همه دلایل روشنی که موسی برای شما آشکار نمود) گوساله پرستی را اختیار کردید که شما مردمی ستمکار هستید.

﴿وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۳

۱- سوره مائده: آیه ۴۱.

۲- سوره بقره: آیه ۹۲.

۳- سوره مائده: آیه ۶۲.

بسیاری از آنها را می‌بینی که در گناه و ستمکاری و خوردن حرام می‌شتابند، بسیار کار ناپسندی را پیشه خود ساخته‌اند.

۶- پیمان شکنی

اگر کسی بخواهد پیمان شکنی را در قالب یک انسان ببیند باید به یک یهودی نگاهی بیفکند زیرا یهود پیمانها و عهدهای بسیاری را زیر پا گذاشته و به واسطه آن شرافت انسانیت را لگدمال نموده‌اند؟

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خندق حفر نمودند و بدین وسیله مانع عبور سپاه دشمن شدند، یهود (بنی قریظه) که با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هم‌پیمان بودند، جلسه‌ای اضطراری تشکیل داده و اینگونه قرار گذاشتند که از پشت به لشکر اسلام حمله کنند و از طرف دیگر سپاه دشمن نیز حمله‌ور شوند و به گمان خود با چنین حمله‌ای از دو طرف می‌توانند اسلام را نابود سازند ولی با تدبیری که سپاه اسلام از خود نشان داد، عاقبت مشرکین شکست خوردند و در نتیجه سپاه اسلام ماند و قبیله‌ای خیانتکار و پیمان شکن، یعنی یهودیان بنی قریظه.

آنها مدت ۲۵ روز در محاصره لشکر اسلام بودند و پس از آن تسلیم شدند. پس از تسلیم یهودیان، ۷۰۰ نفر از جنگجویان آنها را به صورت اسیر نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آوردند، حضرت نیز به آنها فرمودند: شما می‌توانید هر شخصی را که می‌خواهید انتخاب نمایید تا در مورد شما قضاوت کند.

یهودیان بنی قریظه سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ را به دلیل اینکه قبلاً از قبیله پیمان شکن بنی قریظه بود انتخاب کردند، سَعْدِ با هوشیاری هر چه تمام تر و با توجه به طبیعت بنی قریظه دستور داد سر از بدن مردان آنها جدا شود و زنان نیز به اسارت سپاه در آیند.

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت سعد را شنیدند، فرمودند: به خدا قسم، حکم تو با حکم خدا برابر بود^۱.

۷- فساد اخلاق

گفتن مطلبی در این زمینه قابل توجه است و آن هم اینکه: فساد از هر نوع و به هر شکلی که باشد یکی از وسایل شرافتمندانه جهت پیشبرد اهداف یهود است. هیتلر در این رابطه می گوید: با شکافتن هر دَملی، انسان مشاهده می کند که میلیونها یهودی داخل آن مشغول فساد هستند^۲.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۳.

۱- قصص الانبياء .

۲- تاریخ المانیا الهتلریه : جلد ۱.

۳- سوره مائده: آیه ۷۸ و ۷۹.

کافران بنی اسرائیل به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعن و نفرین واقع شدند که نافرمانی حکم خدا کرده و از حکم حق سرکشی نمودند، آنها هیچ گاه از کار زشت خود (با آن همه پند و اندرز رسولان) دست برنداشتند و آنچه انجام می دهند بسیار زشت و ناشایست است.

۸- ربا

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا * وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۱

پس به جهت ظلمی که یهود (درباره پیامبران و عیسی و در حق خود) از خود نشان دادند و هم بدین جهت که بسیاری از مردم را از راه خدا منع نمودند، ما نعمتهای پاکیزه خود را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم و از این جهت که ربا می گرفتند، در حالی که از آن نهی شده بودند و هم از این رو که اموال مردم را به باطل (مانند رشوه، خیانت و سرقت) می خوردند و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساختیم.

به برخی از صفات پست و غیرانسانی یهود اشاره کردیم که شاید همین صفات و روشهای ناپسند و غیرانسانی باعث تحت فشار قرار گرفتن یهود از جانب دولتها در طول تاریخ و خارج نمودن آنها از بیشترین کشورهای جهان بوده است.

در سال ۱۲۹۰ میلادی یهودیان ساکن لندن به اندازه‌ای مردم انگلستان را به ستوه درآوردند که ادوارد فرمان داد یهودیان را از انگلستان بیرون کنند. همچنین در اعلامیه‌ای که از طرف او منتشر شد آمده بود: یهود باید قبل از عید قدسین از کشور انگلستان خارج شوند، چنانچه کسی تا تاریخ ذکر شده، خارج نشود او را اعدام کرده و جسدش را چهار قسمت می‌نماییم.

پس از منتشر شدن دستور ادوارد میان یهودیان، تعداد ۱۶،۰۰۰ یهودی ساکن انگلستان این کشور را ترک کردند، تمام دارایی آنها نیز مصادره شد.

پس از این تاریخ حدود ۴۰۰ سال ورود یهود به انگلستان ممنوع بود تا آنکه در سال ۱۶۵۷ میلادی کرمویل تحت شرایطی اجازه ورود یهودیان به کشور انگلستان را صادر نمود^۱ و در همین سال بود که به یهود اجازه داده شد اولین کنیسه خود را در لندن بنا کنند، در سال ۱۸۴۱ میلادی نیز اولین روزنامه یهودی در انگلستان تأسیس شد.

فقط در سال ۱۶۷۴ میلادی بود که به یهودیان ساکن آمریکا اجازه دادند آشکارا عبادت کنند^۲.

در فرانسه نیز لوئیس اگسطس یهود را از کشورش بیرون کرد و مدت ۲۰ سال از ورود آنها به فرانسه جلوگیری نمود.

وقتی فیلیپ زیبا قدرت را در دست گرفت، برای دومین بار یهود را از فرانسه اخراج نمود و تمام اموال آنها را مصادره کرد.

در سال ۱۳۴۱ میلادی نیز مردم فرانسه بر ضد یهود شورش نموده و سر از بدن هزاران یهودی جدا کردند، این شورش به اندازه‌ای شدت گرفت و ادامه داشت که در سال ۱۳۹۴ میلادی حتی یک یهودی در فرانسه یافت نمی‌شد.

۱- مجله الآداب: صفحه ۴۳، تاریخ ۱۱/۱۹۵۷ میلادی.

۲- آمریکا در آن زمان از مستعمرات انگلستان به شمار می‌رفت.

در سال ۱۴۹۲ میلادی به یهودیان اجازه داده شد وارد فرانسه شوند ولی تا اواسط قرن شانزدهم به هیچ یهودی اجازه سکونت در شهر را ندادند.^۱

یهود چندین مرتبه از کشور آلمان نیز رانده شدند که آخرین آنها توسط هیتلر انجام گرفت و یهودیان مدت ۱۲ سال شکنجه‌های بسیار وحشتناک و سختی را از جانب نازیها تحمل نمودند.

هدف هیتلر از نابودی یهود مشخص نیست ولی آنچه برای ما روشن است پستی، بی‌شرافتی و صفات غیرانسانی یهود است.

در حقیقت انسانیت از جانب یهودیان زخمهای زیادی بر تن دارد و آنچه یهود از شکنجه و فشار دولتها به خود دیده است کیفر جنایتهای او نخواهد بود.

در تاریخ ۳۱ مارس سال ۱۴۹۲ میلادی فردیناند نیز در اسپانیا طی اعلامیه‌ای از یهود خواست، تا آخر ماه یولیو کشورش را برای همیشه ترک کنند، در نتیجه تعداد ۵۰۰،۰۰۰ یهودی از اسپانیا بیرون رفتند.

یهودیانی که در کشورهای شوروی سابق، لهستان، روم، بلغارستان، سوئیس و مجارستان ساکن بودند نیز چندین مرتبه از این کشورها رانده شدند.

واکنش عقده‌ها

حقیقت این مطلب که عقده‌های حقارت همیشه واکنشهای زیان‌آوری داشته‌اند غیرقابل انکار است ولی تاریخ بشریت واکنشی در برابر عقده‌ها، همچون واکنشهای یهود به چشم خود ندیده است، واکنشی که در اثر آن جنگهای بسیاری به پا شده و صدها میلیون انسان نیز کشته شده‌اند.

۱- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۱۱۴.

یهود برای جبران سختی‌هایی که در طول قرن‌ها متحمل شده بود و برای انتقام از سختگیری و فشار ملتها، در صدد برآمد محفلهای و حزبهای گوناگونی تشکیل دهد تا بدین وسیله بتواند در مقابل ملتهای ضعیف و ناتوان صف آرایی نماید. اولین واکنش یهود تشکیل محفلی بود به نام ماسونی^۱ که افتخارات و پیروزیهای زیادی را برای یهود به ارمغان آورد، یهودیها طی اعلامیه‌هایی هدف از تشکیل محفل ماسونی را چنین بیان کردند:

۱- محافظت از یهودیسم در جهان

۲- نابود کردن ادیان مختلف در جهان

۳- منتشر نمودن روحیه بی‌دینی میان ملتها^۲

شروع محفل ماسونی از انگلستان و تشکیل چنین محفلی در سایر کشورها نتیجه این محفل بود که به سرپرستی آن اولین محفل ماسونی در پاریس در سال ۱۷۳۲ میلادی تشکیل شد.

همچنین اولین محفل در جبل الطارق، سال ۱۷۲۷ میلادی - در آلمان، سال ۱۷۳۳ میلادی - در پرتغال، سال ۱۷۳۵ میلادی - در سوئیس، سال ۱۷۴۰ میلادی - در هلند، سال ۱۷۴۵ میلادی - در دانمارک، سال ۱۷۴۵ میلادی - در هند، سال ۱۷۵۲ میلادی - در ایتالیا، سال ۱۷۶۳ میلادی - در بلژیک، سال ۱۷۶۵ میلادی - در شوروی، سال ۱۷۷۱ میلادی و در سوئد، سال ۱۷۷۳ میلادی تشکیل شد. در آمریکا نیز محفلهای ماسونی از سال ۱۷۳۳ میلادی به طور رسمی آغاز و تا سال ۱۹۰۷ میلادی پنجاه محفل رسمی تشکیل و آشکارا شروع به کار نمود.^۳

۱- در قرن هفدهم میلادی.

۲- الماسونیه منشئه ملک اسرائیل: (تألیف محمدعلی زعبی)، بیروت ۱۹۵۶ میلادی.

۳- به دائره المعارف بریتانیا، لغت فرماسوری مراجعه شود.

دومین واکنش یهود در برابر عقده‌هایی که در سینه داشت تشکیل سازمان بنای برث بود.^۱

این سازمان را مهاجرین یهودی تشکیل دادند که در شعله‌ور نمودن آتش جنگ جهانی اول و دوم سهم ویژه‌ای داشت.^۲

در دوره آیزنهاور رئیس جمهوری پیشین آمریکا، رئیس این سازمان آقای فلیپ کلوژنیک به عنوان رئیس نمایندگان آمریکا در سازمان ملل متحد تعیین شد.

اکنون این سازمان در آمریکا و کشورهای اروپایی به طور رسمی مشغول فعالیت می‌باشد.^۳

سومین واکنش یهود جنبش صهیونیسم بود.

هدف این جنبش ارتجاعی و نژادی بازگرداندن حکومت خیالی بنی اسرائیل و بنا نمودن هیکل حضرت سلیمان بر خرابه‌های مسجدالاقصی بود.^۴

ابتدای این حرکت را می‌توان سال ۱۸۱۶ میلادی دانست، گرچه نخستین مرتبه هرتزل بین سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۹۰۴ میلادی آن را به صورت آشکارا درآورد. به همین دلیل برخی آن را از ابتکارات وی دانسته‌اند.

به عقیده صهیونیست‌ها هر یهودی صهیونی است ولی لازم نیست هر صهیونی، یهودی باشد زیرا در لیست نامهای اعضای این حرکت اسمهای زیادی مشاهده می‌شود که هیچ‌یک از آنها یهودی نبوده‌اند، مانند: چرچیل، ایدن، ترومان، آیزنهاور، کندی و جانسون.

چرچیل در آخرین روزهای زندگی خود می‌گفت:

۱- در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۸۴۲ میلادی.

۲- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه: صفحه ۱۵۴.

۳- الخطر المحيط بالاسلام: صفحه ۲۰۳.

۴- تاریخ الحركة الصهيونیه: تالیف دکتر آلن تایلر.

من افتخار می‌کنم که یک صهیونی واقعی هستم.^۱
 پروتکل‌های^۲ حکمای یهود نیز زاینده این جنبش است.^۳ این کتاب
 خطرناک‌ترین برنامه‌های صهیونیستها را برای به دست گرفتن قدرت جهانی فاش
 می‌نماید.^۴

چهارمین واکنش یهود شعار ضد سامی^۵ است که (این دروغ بزرگ) همچون
 سلاح برنده‌ای برای یهود شده است.

یهودیان چگونه و در چه مواقعی از این سلاح استفاده می‌کنند؟
 اثر دستهای جنایتکار یهود را در همه جنگهای جهان می‌توان مشاهده نمود ولی
 کسی توان فاش نمودن آن را ندارد.

بین سالهای ۱۸۳۲ تا ۱۸۶۴ میلادی خاندان سلطنتی ساسون تجارت مواد مخدر
 را به دست گرفتند ولی با نارضایتی مردم نسبت به این اقدام روبرو شدند، در این
 زمان بود که یهودیها فریاد زدند: ضدسامی.

وقتی یهود جنگ جهانی اول و دوم را پایه‌ریزی نمودند، مردم قصد داشتند
 آنان را رسوا کنند ولی یهودیها فریاد زدند: ضد سامی.

زمانی که چند دکتر یهودی در آمریکا میکروب سرطان را برای آزمایش به
 چند جوان مسیحی تزریق کردند، مردم درصدد برآمدند از این عمل جلوگیری
 کنند که یهودیها فریاد زدند: ضد سامی.^۶

۱- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه: صفحه ۱۷۲ .

۲- قراردادها .

۳- برای دسترسی به محتویات این پروتکلا به صفحه ۱۳۶ مراجعه شود.

۴- همان مدرک: صفحه ۱۵۰ .

۵- سام یکی از فرزندان حضرت نوح^۷ است و اقوامی که به او منتسب هستند، مانند: اعراب
 و عبریها را سامی گویند.

۶- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه: صفحه ۱۷۴ .

وقتی میلیونر مشهور آقای هنری فورد کتاب (یهودی جهانی یگانه مشکله جهان) را منتشر کرد، یهود با سلاح ضد سامی به جنگ او رفتند تا حدی که وی را مجبور نمودند معذرت‌نامه‌ای که از قبل تنظیم شده بود امضا کند و از یهودیها پوزش بطلبد.^۱

حاییم وایزمن می گوید:

ما هر جایی که برویم سلاح (ضد سامی) را نیز با خود حمل خواهیم کرد.^۲
تا به حال یهود این سلاح را در کشورهایی مانند: آمریکا، انگلستان و فرانسه به کار برده و به نتایج بسیار مفیدی رسیده است.

آرمانهای غیرانسانی

تنها آرزویی که یهود آشکارا از آن یاد می کند تشکیل دولت یهودی جهانی است، به عبارت دیگر یهودیها قصد دارند همه دنیا را تحت تصرف خویش درآورند.

آغاز چنین حکومتی (طبق گفته یهودیها) از اسرائیل خواهد بود که پس از غلبه بر نیل تا فرات در راه این حکومت گامهای بزرگ تری خواهند برداشت.

یهود بر این عقیده است که اگر از نیل تا فرات را به دست بیاورند دیگر مناطق خواه ناخواه تسلیم خواهند شد زیرا این منطقه با منابع سرشار خود که یکی از ثروتمندترین مناطق جهان را تشکیل می دهد گلوی دنیا به حساب می آید مسلماً دولتی که بتواند بر این منطقه حکومت کند مانند این است که بر جهان حکومت می کند.

۱- مقدمه کتاب یهودی جهانی یگانه مشکله جهان: صفحه ۱۲.

۲- خطر الیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۱۷۸.

در تورات اینگونه آمده است:

در آن روز به ابرام (ابراهیم) گفت:

زمین را به نسل تو خواهم داد از نهر مصر تا نهر بزرگ فرات^۱.

در ادامه چنین آمده است: تا آنکه پروردگار تو و نسل تو باشم همه زمینهای غربت را به تو و نسل تو برمی گردانم، زمینهای کنعان را ملک ابدی تو خواهم کرد^۲.

یهود پروردگار ما در حوریب با ما چنین سخن گفت:

توقف شما در این کوه کافی است، به بالای کوههای امورین بروید، جنوب، سواحل دریا، زمینهای کنعان و لبنان تا نهر بزرگ فرات را به تصرف در آورید. بروید و زمینهایی که خداوند به آنها قسم یاد کرده که آنها را به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و فرزندان آنها می دهد، ملک خود سازید^۳.

یهود جهت تحقق بخشیدن به این نویدها و مژدههای دیگری که در تلمود وارد شده است حکومتی به صورت مخفیانه و تشکیل شده از ۳۰۰ یهودی را برپا می کند و شخصی را به عنوان (وارث سلیمان و داوود) پادشاه این حکومت قرار می دهد، حکومتی که صاحب ثروت، نفوذ و خلاصه همه کاره اروپا می باشد^۴.

آقای ولتر راتنو که خود یهودی است در روزنامه (The Wienter Press)

در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۹۰۹ میلادی می نویسد:

سرنوشت اروپا فقط به دست ۳۰۰ نفر که هر کدام دیگری را به خوبی می شناسد، رقم می خورد. این ۳۰۰ نفر که یهودی می باشند، برای سرنگون نمودن دولتهای مخالف وسایل و ابزار مورد نیاز خود را در اختیار دارند.

۱- تورات : سفر پیدایش اصحاب ، صفحه ۱۵.

۲- همان مدرک: صفحه ۱۷ .

۳- تورات: تثنیه اصحاب اول.

۴- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۱۳۵.

به عقیده یهود این حکومت جهانی یهودی همچون افعی بسیار بزرگی است که از سال ۷۰ میلادی به قصد از بین بردن جهان حرکت نموده است، می گویند دم این افعی در فلسطین باقی مانده و سر آن حرکت کرده است، زمانی که تمام دنیا نابود شود، این افعی از جهانگردی ننگین خود باز می گردد و در بیت المقدس در سایه پرچم حکومت جهانی یهود آرام خواهد گرفت.

ولی تا به حال به خاطر وجود مذاهب مختلف و اخلاق انسانی، رسیدن به این آرزو که صد درصد غیر انسانی است امکان پذیر نبوده به همین دلیل یهود نهایت تلاش خود را به کار می گیرد تا اثری از اخلاق، دین و مذهب بر روی زمین باقی نماند.

خاخام ریچران در سخنرانی خود که سال ۱۸۶۹ میلادی در شهر براغ نزد قبر سیمون بن یهوذا ایراد کرده بود گفت:

پدران ما هر سال کنفرانسی در این مکان تشکیل می دادند و اکنون وظیفه ما این است که ابتدای هر قرن کنفرانسی را تشکیل داده و برای به دست گرفتن قدرت جهانی برنامه ریزی کنیم.

اکنون هیجده قرن از جنگ یهوذا برای قدرت جهانی که خداوند به ابراهام^۱ وعده داده است می گذرد، با وجود اینکه یهود در این مدت اهانت و جسارت های بسیاری به چشم خود دیده و چندین مرتبه نیز قتل عام شده ولی تا به حال تسلیم نشده است و اگر ما یهودیها در دنیا پراکنده شده ایم به این جهت است که دنیا تماماً از آن یهود است. اینک ملت یهود گامهای بزرگی به سوی قله جهان برداشته و هر روز که می گذرد بر قدرت و توانایی و نفوذ ما افزوده می شود. ما خداوند این زمان یعنی طلا را مالک هستیم، همان خداوندی که توسط هارون به صورت گوساله ای درآمد و ما آن را پرستش کردیم اکنون به صورت خداوند تمام مردم

۱- حضرت ابراهیم علیه السلام.

جهان درآمده است. زمانی که طلاهای جهان را به دست خود بینیم به وعده‌های ابراهام جامه عمل پوشانده و بر جهان تسلط کاملی خواهیم یافت.^۱

یهود و آمریکا

آیا آمریکا در دست یهود است؟

این سؤال از زمان جنگی که میان مسلمانان و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ میلادی رخ داد و آمریکا از یهود حمایت کرد تا به حال در ذهن ملت‌ها نقش بسته است. برای پاسخ دادن به این سؤال قسمتی از کتاب یهودی جهانی یگانه مشکله جهان^۲ را انتخاب کرده‌ایم.

۱- متن کامل این سخنرانی در تاریخ ۱/۷/۱۸۸۰ میلادی در مجله کانت میران به چاپ رسید.
 ۲- همان گونه که در قسمت پایانی واکنش عقده‌ها ذکر شد، نویسنده این کتاب میلیونر مشهور هنری فورد است که در این کتاب بحث‌هایی پیرامون تاریخ یهود در آمریکا، گوشه‌هایی از نفوذ یهود، قربانیها یا زورگویان، آیا یهود ملتی را تشکیل می‌دهند؟ برنامه‌های سیاسی یهود، مقدمه‌ای بر کتاب پروتکل، چگونه یهود از قدرت خود استفاده می‌کنند، نفوذ یهود در سیاست آمریکا، بشفیکها و صهیونیستها، تسلط یهود بر تئاتر، سینما، شراب، قمار، فساد، بزرگ‌ترین مشکل جهان، تسلط بر روزنامه‌ها، دولت جامعه یهودا و... آمده است. از کتابهای سودمندی است که طی چند سال گذشته در کشورهای عربی منتشر شده است.

این کتاب در سال ۱۹۲۱ میلادی نیز از طرف شرکت مشهور ماشین سازی فورد منتشر شد که یهودیان با سرعت هر چه تمام‌تر همه نسخه‌های آن را خریداری نموده و آتش زدند. قابل توجه است که این کتاب در آمریکا به ۸۰۰ دلار به فروش رسید. ولی نویسنده آن به اندازه‌ای مورد انتقاد انجمنهای آمریکایی قرار گرفت که وی را مجبور نمودند معذرت‌نامه‌ای که از قبل تنظیم و توسط روزنامه‌ها چاپ شده بود را امضاء کند.

حدود ۴۰۰ سال است (تقریباً از ابتدای ورود کلمبس) که یهود وارد آمریکا شده‌اند و از ابتدای ورود خود تا به حال به اندازه‌ای زحمت کشیده و تلاش نموده‌اند که توانستند این کشوری که اکنون بزرگ‌ترین و ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار می‌آید را تحت نفوذ خود در آورند.

ستویفیسات که حاکم هلند بود طی صدور اعلامیه‌ای به نیویورک^۱ از یهود درخواست نمود که از این شهر خارج شوند ولی یهودیهای ساکن این شهر سهامهای زیادی در شرکت‌های هلندی داشتند، به همین دلیل مدیران این شرکتها از ستویفیسات خواهش کردند از این امر صرف نظر کند.

این حاکم هلندی فقط توانست از قرار گرفتن مغازه‌هایی که صاحبان آنها یهودی بودند بر سر چهارراهها و مکانهای عمومی و پرجمعیت نیویورک جلوگیری کند. ولی اکنون شهر پر جمعیت نیویورک، به صورت محله‌ای از محله‌های یهودی درآمده است و به طور کلی نیویورک بزرگ‌ترین مرکز یهود به شمار می‌رود زیرا هر چه تجارتخانه، کارخانه، صنعت و زمین و... در نیویورک وجود دارد، ملک یهود است و آنها تحت هیچ شرایطی به کسی اجازه نمی‌دهند تجارت کند و یا ثروتی به دست آورد. بنابراین ما آمریکایی‌ها از ادعای خاخامهای یهودی که می‌گویند: آمریکا همان میعادگاهی است که پیامبران وعده داده‌اند و نیویورک اورشلیم آنها است و سلسله جبال راکی همچون کوههای صهیون است نباید تعجب کنیم.^۲

در دوره جورج واشنگتن یهودیها حدود چهار هزار نفر بودند و در زمان جنگ استقلال از آمریکا حمایت کردند تا جایی که به اهالی مستعمرات نیز کمکهای زیادی نمودند.

۱- آن زمان نیویورک یکی از مستعمرات هلند بود.

۲- یهودی جهانی یگانه مشکله جهان: صفحه ۱۹.

ولی پنجاه سال از این جنگ و حمایت یهود از آمریکا نگذشته بود که تعداد آنها از ۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر نیز بیشتر شد، ولی اکنون تعداد آنها برای هیچ کس مشخص نیست که این مطلب یکی از سیاستهای یهود است زیرا سرشماری آمریکا نیز به دست خود آنهاست.

اگر کسی تعداد فرانسویها یا آفریقایی‌های ساکن آمریکا را از دولت پرسد فوراً به او اطلاع می‌دهند، تعداد آسیایی‌ها هم مشخص است ولی آنچه همیشه در مخفی بودن آن کوشش بسیاری شده تعداد یهودیان است، چه بسا دولت آمریکا نیز از تعداد آنها بی‌اطلاع باشد زیرا پرونده‌هایی که در ارتباط با این موضوع هستند همیشه مجهول یا مفقود بوده‌اند.^۱

معمولاً تئاتر و سینماهای جهان، کلیه تجارت شکر، گندم، تنباکو، پنبه و فولاد و ۵۰ درصد از تجارت گوشت و بیش از ۶۰ درصد از تجارت کفش و اغلب صنایع ادوات موسیقی و جواهرات و تمام مشروبات الکلی و صندوقهای وام بین‌الملل را یهود اداره می‌کند.^۲

به یقین می‌توان گفت ملت آمریکا از تمرکز بازارهای تجارت یهود در کشور خود هیچ‌گاه رضایت نداشته زیرا به شهادت تاریخ هر کشوری که یهود در آن فعالیت داشته باشد فساد در آنجا به آخرین حد خود می‌رسد، در نتیجه دیگر ملتها نسبت به چنین ملتی بدبین خواهند شد. نمونه آشکار این مطلب کشورهایی مانند اسپانیا، آلمان و انگلستان می‌باشند.

بسیار اتفاق می‌افتد که می‌شنویم انگلستان مرتکب فلان عمل شده است یا آلمان چنین نموده است ولی در حقیقت یهود آن را انجام داده است و هیچ ارتباطی با دولت انگلستان و آلمان ندارد.

۱- همان مدرک: صفحه ۵۸.

۲- همان مدرک: صفحه ۲۲.

اکنون آمریکا گرفتار چنین دردهایی است یعنی هر کاری که یهود انجام می‌دهد به نام ملت آمریکا تمام می‌شود در صورتی که ملت آمریکا از آن بی‌خبر است.^۱

مطلب دیگر اینکه اکنون ملت آمریکا فقط با عینک‌هایی که یهود بر چشم آنها نهاده است، به دنیا می‌نگرند و این بدبختی دیگری است که ما آمریکایی‌ها به آن مبتلا شده‌ایم.

یهودیه‌ها در هر گوشه و کناری نفوذ کرده‌اند، به حدی که هر چه کلیسا در آمریکا وجود دارد زیر نظر آنها مشغول فعالیت است در حقیقت تریبونهای کلیسا وسیله‌ای از وسایل تبلیغات یهود می‌باشد. به نظر من اگر کشیشها و کاردینالها در حرفها و گفته‌های خود دقت بیشتری نمایند متوجه این مسأله می‌شوند که هفتاد درصد سخنان آنان ریشه گرفته از اندیشه‌های یهود است.^۲

برنامه‌های اقتصادی آمریکا نیز فقط توسط یهود اجرا می‌شود چه بسا افکار عمومی مردم و سرمقاله‌های روزنامه‌های آمریکا از افکار اندیشمندان و سیاستمداران یهود هم یهودی‌تر است.

در دنیا مکانی مهم‌تر از کنیسه‌های آمریکا برای تزریق اندیشه‌های یهود در ذهن مردم وجود ندارد، وقتی مشاهده می‌شود که یهود در قلب کلیساها دست یافته‌اند، آیا ممکن است در دانشگاهها نفوذ نکرده باشند؟

آری! اکنون دانشگاههای آمریکا از نفوذ فکر، نظر و عقیده یهود در دانشجویان و کلیه پرسنل دانشگاهها رنج می‌برند!^۳

در آمریکا دو سازمان یهودی وجود دارد:

۱- همان مدرک: صفحه ۲۳.

۲- همان مدرک: صفحه ۳۱.

۳- همان مدرک: صفحه ۳۴.

الف: کهیلا نیویورک

ب: کابینه یهودی آمریکا

اکنون کهیلا به صورت یک حکومت مستقلی در آمریکا مشغول فعالیت است، به صورتی که تمام قراردادهای این سازمان (قانون) حساب می‌شود و چه بسا این سازمان یکی از پر قدرت‌ترین اتحادیه‌های یهودی در آمریکا باشد.

یکی از دلایل مهاجرت روزافزون یهودیها به نیویورک، وجود همین سازمان است، زیرا این سازمان برای یهود حکم رم را دارد نسبت به مسیحیان یا حکم مگه نسبت به مسلمانان!

وجود این سازمان در آمریکا دلیل بسیار محکمی است در مقابل کسانی که می‌گویند: یهود یک عنصر منقسم بر خود و متنافری را تشکیل می‌دهد زیرا در این سازمان امپریالیستها، توده‌ایها و خاخامهای یهودی برادرانه دور میزی نشسته و زیر پرچم یهوذا برای هدفهای شوم خود برنامه‌ریزی می‌کنند.^۱

هر فرد یهودی که در آمریکا سکونت دارد دست کم در یک سازمان مخفی ثبت‌نام کرده است.^۲

در حال حاضر کهیلا تغییر نام داده و خود را با نام کنفرانس یهودی جهانی معرفی کرده است، این سازمان تقریباً تمام آرمانهای خود را به تحقق رسانده است.^۳

هزاران سازمان مخفی زیر نظر کهیلا مشغول فعالیت هستند.

و اما اکنون سؤالی دارم از یهودیهایی که سعی داشتند همیشه خود را وطن پرست معرفی کنند که:

۱- همان مدرک: صفحه ۱۰۹.

۲- همان مدرک: صفحه ۱۱۰.

۳- همان مدرک: صفحه ۱۱۳.

هدف از تشکیل این سازمانها چیست؟ این سازمانها در برابر چه کسی مشغول فعالیت هستند؟ چرا این سازمانها تلاش می کنند نیویورک را جدا سازند؟ در صورتی که اگر یهودیها را وطن پرست فرض نمایم هیچ نیازی به چنین سازمانهایی نخواهند داشت!^۱

کهیلا درس عبرتی است برای جهانیان تا از سرعت نفوذ یهود باخبر شوند و صورت جهانی، که به فرمان یهود حکم می کند را در نظر بیاورد.^۲

حزب جمهوری آمریکا یکی از حمایت کنندگان همیشگی یهود بوده، به همین دلیل این حزب دائماً در انتخابات پیروز می شود که در حقیقت این حزب را نیز سازمان کهیلا اداره می کند.

تعیین رئیس جمهوری آمریکا فقط به دستور یهود امکان پذیر است ولی ملت آمریکا بر این گمان است که خود آنها رئیس جمهوری کشورشان را تعیین می کنند، اگر رئیس جمهوری پس از انتخابات با یهودیها رفتار خوب و مناسبی نداشته باشد به اندازه ای در مورد او دزدی کشف خواهد شد! که خواه ناخواه تسلیم شده و از صحنه سیاست بیرون خواهد رفت.

در حال حاضر یهود با سیاست قدیمی خود مشغول فعالیت است، سیاستی که می گوید: نباید یهودی پیش قدم شود بلکه باید غیر یهود را صورت قرار داده و یهودی پشت صحنه فقط به اداره اوضاع پردازد چنین روشی به آنها کمک می کند که بهتر و سریع تر بتوانند به هدفهای خود برسند زیرا اگر یهودی در رأس امور باشد و آشکارا به اهداف یهود کمک نماید، هم آن یهودی مورد اتهام مردم قرار می گیرد و هم یهود را مورد نفرت خود قرار می دهد، در صورتی که با

۱- همان مدرک: صفحه ۱۱۶.

۲- همان مدرک: صفحه ۱۱۲.

فعالیت مخفیانه و پشت پرده هیچ گاه یهود مورد اتهام قرار نمی گیرد، از انتقاد سالم می ماند و به خواسته های خود نیز خواهد رسید^۱.

سازمان دیگری هم در آمریکا فعالیت می کند به نام سازمان تامانی. البته این سازمان به ظاهر از صحنه های سیاسی خارج شده ولی در حقیقت ضعیف تر که نشده است بلکه نفوذ و توان بیشتری نیز کسب کرده است.

قابل توجه است که سرمایه این سازمان از تجارت جنس ظریف (زنان و دختران) و مواد مخدر تأمین می شود!

چند سال قبل دولت آمریکا تحقیقاتی در این زمینه به عمل آورد و مردم بدترین نوع جنایت یعنی تجارت جنس ظریف را با چشمان خود مشاهده کردند و رسوایی این عمل زشت، به اندازه ای شدت گرفت که بسیاری از بازرگانان بشر دوست یهودی، مجبور به تغییر نام و نام خانوادگی خود شدند! و اکنون بیشتر فامیلهای یهودی در نیویورک نامهای مستعار دارند^۲.

تئاتر و سینما

از دیرباز سعی یهود بر این بوده است که هر چه وسایل تبلیغاتی وجود دارد فقط و فقط زیر نظر آنها باشد. در مورد تئاتر نیز تأثیر عمیقی بر ذهن افراد جامعه دارد آنان به گونه ای برنامه ریزی کرده اند تا کاملاً تئاتر به دست آنها باشد یا دست کم هیچ نمایشی بر ضد آنها اجرا نشود^۳.

۱- همان مدرک: صفحه ۱۳۲.

۲- همان مدرک: صفحه ۱۳۶.

۳- همان مدرک: صفحه ۱۶۲.

سلطه‌ای که یهود بر تئاتر دارد شامل سینما نیز می‌شود و مهم‌تر از آن امتیاز تمام شرکتهای فیلمبرداری جهان در دست یهود است. اصولاً یهودی در هر مکانی که پا گذارد فساد اخلاقی در آنجا فراوان می‌شود به عبارت دیگر هر یهودی از بین بردن اخلاق ملت‌ها را وظیفه خود می‌داند تا از این راه بتواند بر فکر و روح مردم تسلط پیدا کند و این مشکلی است که به طور وحشتناکی در تئاتر و سینماهای آمریکا نفوذ کرده به وضوح قابل مشاهده است.^۱

موسیقی و یهود

مردم ما از اینکه خانه‌های خود را محل رقص، غنا و موسیقی می‌بینند به ستوه آمده‌اند ولی آنان نمی‌دانند که موسیقی و غنا یکی از ابزارهای پیشرفت یهود است!

این یهود است که می‌خواهد جوانان ما را همچون افرادی نادان، بی‌مسئولیت و بی‌اطلاع نسبت به اتفاقاتی که در اطراف آنان رخ می‌دهد، پرورش نماید. موسیقی (جاز) نیز که امروزه در هر محفلی صورت وحشتناک خود را ظاهر می‌کند یکی از اختراعات یهود است که تاکنون از آن استفاده‌های فراوانی برای فساد اخلاق ملت‌ها برده‌اند.^۲

اگر تحقیقی در مورد فسادهایی که در حال حاضر جامعه ما را تهدید می‌کند انجام شود این مطلب آشکار خواهد شد که یهود در یکایک این فسادها دخالت

۱- همان مدرک: صفحه ۱۶۳.

۲- همان مدرک: صفحه ۱۸۴.

دارد. بدون شك آتش جنگهای خونینی هم كه تاكنون هزاران نفر را به كشتن داده است به دست ناپيدای يهود شعله‌ور شده است.^۱

شراب و يهود

جون فوستر فریزر در كتاب يهودی فاتح می‌نویسد:^۲

در آمریکا تجارت ویسکی فقط در اختیار يهود است چرا كه ۸۰ درصد از اعضای كابینه بازرگانان شراب يهودی هستند، تجارت انواع سیگار نیز تنها به دست يهود صورت می‌پذیرد.^۳

تنها دولتی كه از شراب تبلیغ می‌كند يهود است زیرا هیچ نمایش، كتاب داستان، فیلم و... از يهود یافت نمی‌شود مگر اینکه اشاره‌ای به نام شراب یا تبلیغی از شراب در آنها وجود دارد. به راستی دلیل این مطلب چیست؟

این سؤال پاسخ ساده‌ای دارد و آن هم اینكه: شراب تجارت يهودیها و این فعالیت یکی از تبلیغات آنها را تشکیل می‌دهد.

آیا با مشاهده این تبلیغات گسترده نمی‌توان گفت يهود به گوشه‌ای از اهداف خود رسیده است؟^۴

۱- همان مدرک: صفحه ۱۸۴.

۲- این كتاب در سال ۱۹۱۶ میلادی به چاپ رسیده است.

۳- همان مدرک: صفحه ۱۹۹.

۴- همان مدرک: صفحه ۲۰۳.

پگهونگی پیدایش اسرائیل

بزرگ‌ترین دولت استعمارگر یعنی انگلستان، در ابتدای این قرن^۱ سعی کرد برای جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان که همچون سرعت برق سراسر دنیا را فرا می‌گرفت سدی از انسانها مقابل این کشور به وجود آورد و برای رسیدن به این هدف بزرگ در برقرار نمودن ارتباط با کشورهایمانند هلند، بلژیک، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا کوشش فراوانی نمود تا اینکه بالاخره توانست در سال ۱۹۰۷ میلادی کنفرانسی از بزرگ‌ترین سیاستمداران این کشورها تشکیل دهد. این کنفرانس بیش از یک هفته به طول انجامید و در پایان اعلامیه‌ای به این مضمون صادر نمود:

بزرگ‌ترین خطری که ممکن است متوجه غرب شود بیرون رفتن سواحل دریای مدیترانه از دست انگلستان است این دریا حلقه اتصال شرق و غرب است که در دست مسلمانان می‌باشد، مسلمانانی که ملت واحدی هستند و دارای زمینهای وسیع و منابع سرشاری نیز می‌باشند، ممکن است این ملت بزرگ به پا خواسته و خود را از قید اسارت آزاد سازد، به همین دلیل به کشورهای بزرگ توصیه می‌شود این ملت واحد را متلاشی نموده و از اتحاد و بیداری آنها

جلوگیری نمایند که اولین مرحله آن جدا نمودن آفریقا از آسیا و از بین بردن هر گونه اتحادی میان این دو قاره است.^۱

این نخستین عاملی بود که دولتهای استعمارگر را به فکر ایجاد یک دولت کاملاً مختلف نسبت به سایر دولتها آن هم کنار دریای مدیترانه انداخت ولی این مطلب تنها دلیل وجود اسرائیل نیست زیرا عامل دیگری نیز به نام دین در این امر سهیم بود.

ریشه‌های عامل دوم را حدود سه هزار سال پیش یعنی دقیقاً در سالی که یهود از فلسطین خارج شدند باید جستجو کرد، سالی که آنها در فراق فلسطین گریه و زاری کردند که حائط مبکی^۲ شاهدهی است بر این گفتار، دیواری که در بیت‌المقدس ناظر گریه و زاریهای بسیاری از یهود بوده و آخرین آن گریه‌های شوقی بود که از نخست‌وزیر، علما و سران یهود پس از شکست مسلمانان، نزد آن شنیده شد.^۳

بزرگ‌ترین تاریخ‌دان عرب آقای فیلیب حتی می‌گوید:

در تاریخ از دولت اسرائیل نامی به میان آورده نشده است.^۴

بن گوریون نخست‌وزیر پیشین اسرائیل می‌گوید:

هیچ احتیاجی به ذکر نام اسرائیل در تاریخ نیست زیرا ما این دولت را از هزارها سال پیش در قلبهای خود بنا کرده و نام اسرائیل را از دوره یسوعا بر این شهر نهاده‌ایم، در تاریخ نیز نام آن موجود است که همان شهرهای یهوذا می‌باشد. وقتی

۱- قضایانا فی الأمم المتّحدة: تألیف خیری حماد، صفحه ۱۲۶.

۲- دیوار ندبه و گریه.

۳- الأيام الحاسمه قبل معركة المصیر: تألیف محمود شیت خطاب، چاپ بغداد، ۱۳۸۷ هجری قمری.

۴- تذکره عوده: تألیف ناصرالدین نشاشیبی، صفحه ۱۵.

ما از این شهر بسیار کوچک خارج شدیم آن را در اعماق قلبهایمان جای داده و تاکنون نام هر یک از کوهها، درهها و خیابانهای آن را در ذهن داریم.^۱

سال ۱۱۷ میلادی بود که بارکوخیا بنی اسرائیل را برای تأسیس دولتی در فلسطین جمع نمود که عاقبت به پیروزی نرسید و این آرزو را به گور برد.

پس از آن حرکت‌های مسلحانه برای تأسیس دولتی در این منطقه انجام شد ولی هیچ یک به پیروزی نرسیدند، تا زمانی که در سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر بال^۲ کنفرانسی به ریاست تئودور هرتزل تشکیل شد تا بتوانند اولین گامها را برای ایجاد چنین دولتی بردارند.

هرتزل در کتابی به نام دولت یهود که در سال ۱۸۹۵ میلادی به رشته تحریر درآورد از یهود درخواست نمود که دولتی در فلسطین یا آرژانتین تأسیس کنند.^۳

این کتاب که سر و صدای زیادی در جهان آن روز به پا کرد توانست هرتزل را متوجه این مطلب کند که این پیشنهاد موافقان زیادی دارد، به همین دلیل بی‌درنگ به ترکیه سفر نمود و از سلطان عبدالحمید درخواست نمود در مقابل دریافت یک مبلغ هنگفت به یهود اجازه ورود به فلسطین را بدهد^۴ ولی به دلیل اینکه سلطان عبدالحمید پیشنهاد هرتزل را رد نمود، وی به انگلستان متوسل شد و این کشور را راضی کرد که صحرای سینا را در اختیار آنها قرار دهد، در نتیجه چند مهندس یهودی با همکاری مهندسين انگلیسی برای بررسی اوضاع به صحرای سینا رهسپار مصر شدند ولی به دلیل شن‌زار بودن زمینهای این صحرا از آن صرف‌نظر نموده و برای استعمار فلسطین، نقشه‌های جدیدی طراحی نمودند.

۱- همان مدرک: صفحه ۱۶.

۲- یکی از شهرهای سوئیس.

۳- تاریخ الحركه الصهيونيه: تأليف دكتور آلن تایلر.

۴- همان مدرک.

دقیقاً در چنین شرایطی جنگ جهانی اول شروع شد^۱ و نگرانی عجیبی جهان و به خصوص یهود را فرا گرفت.

این جنگ که نسبت به انگلستان بسیار وحشتناک به نظر می‌رسید نوید بسیار درخشنده‌ای به یهود می‌داد، به همین دلیل زمانی که رهبران انگلیسی از ترس، خواب به چشم خود نمی‌دیدند یهود در کمال آرامش و خوشحالی به سر می‌بردند زیرا سعی انگلستان بر این بود که آمریکا را داخل جنگ کند تا بتواند جبهه خود را تقویت نماید ولی به دلیل اینکه سیاست آمریکا توسط یهود اداره می‌شد انگلستان برای رسیدن به هدف خود احتیاج شدیدی به یهود پیدا کرد، یهود نیز برای چنین روزی دقیقه شماری می‌کرد فرصت را غنیمت شمرده، متعهد شد در مقابل تشکیل دولتی برای یهود در فلسطین توسط انگلستان، آنها نیز به هر قیمتی آمریکا را داخل جنگ کنند.

جیرالد کی سمیث می‌گوید:

بدون شک تنها کسی که توانست آمریکا را وارد جنگ کند صهیونیسم بود نقشه این دسیسه بزرگ نیز در خانه بسیار کوچکی که در حومه شهر لندن قرار داشت توسط آقای جیمس مالکولم برنامه‌ریزی و سرانجام به پیروزی رسید^۲ که با این عمل دو پیروزی

به دست آمد یکی برای یهود و دیگری برای انگلستان.

جیمس مالکولم در خاطرات خود می‌نویسد:

من در مورد وارد شدن آمریکا به جنگ جهانی اول، نقش مهمی را ایفا کردم و با سفرهای مختلفی که به آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی داشتم و

۱- ۱۹۱۴ میلادی.

۲- قضایانا فی الامم المتحدة: صفحه ۱۲۸، نقل از مجله World Jewry، شماره ۲۲ آذار ۱۹۵۳ میلادی.

مقاله‌های مفصلی که در مجله تایمز لندن و روزنامه‌های آمریکا نشر نمودم، توانستم نظر رهبران این کشورها را به یهود جلب کنم. از سوی دیگر رابطه‌های بسیار دوستانه‌ای با رؤسای یهود در آمریکا و رهبران سیاسی این کشور برقرار کردم که سرانجام در بهار سال ۱۹۱۷ میلادی آمریکا را وارد جنگ نمودم^۱ در این هنگام آقای حاییم وایزمن رهبر صهیونیستها، آقایان روتشیلدبر، لوید جورج، وینستون چرچیل و بلفور را تحت فشار قرار داد که فوراً عهدنامه‌ای جهت حکومت یهود در فلسطین صادر کنند، انگلستان که از قبل وعده چنین عهدنامه‌ای را به آنها داده بود به وزارت جنگ کشورش دستور داد صورت این عهدنامه را طوری تنظیم نماید که یهود را راضی کرده و در مقابل عواطف و احساسات عرب را تحریک نکند.

مالکولم در ادامه می‌نویسد:

من قبل از ثابت شدن و نوشتن این عهدنامه با مارشال حداد پاشا نماینده شریف حسین پادشاه عربستان ملاقات کرده، موضوع را اینگونه شرح دادم:

می‌دانید که با کناره‌گیری آمریکا از این جنگ ما هر دو ضرر می‌بینیم اکنون که رؤسای یهود و صهیونیستها حاضر شده‌اند در مقابل عهدنامه‌ای که یهود را حاکم جزیری از فلسطین می‌داند، آمریکا را وارد این جنگ نمایند...

خواهش من از شما این است که در این مورد از هرگونه تحریک عواطف و احساسات مردم جلوگیری نمایید.

ناگفته نماند که من چندین مرتبه با لورنس نیز ملاقات کردم او هم موافقت خود را با این نقشه اعلام نمود.

پس از این وقایع انگلستان از دکتر وایزمن رهبر صهیونیستها خواهش کرد عهدنامه را او بنویسد.

۱- دراستان فی الفضیله: لندن ۱۹۵۳ میلادی.

وایزمن عهدنامه را از زبان آرثر جیمس بلفور وزیر امور خارجه انگلستان خطاب به روچیلد یهودی اینگونه تنظیم نمود:

عزیزم آقای روچیلد:

دولت انگلستان با ایجاد سرزمینی برای یهود در فلسطین موافقت نموده و برای هرچه آسان تر شدن برنامه‌های آن نهایت سعی و تلاش خود را به کار خواهد گرفت ولی نباید حقوق مدنی، سیاسی و دینی ملت‌های غیر یهودی پایمال شود، همان گونه که حقوق سیاسی و پست‌های برجسته یهود در سایر کشورها نباید از آنها گرفته شود.

سپس عهدنامه را به قاضی براندیس در واشنگتن تلگراف کرد تا رضایت ویلسن را جلب نماید، پس از موافقت ویلسن، بلفور وزیر امور خارجه انگلستان عهدنامه را امضا نمود و به دست روچیلد یهودی ثروتمندترین مرد آن روز جهان رسانید.

این عهدنامه در دوم نوامبر ۱۹۱۷ میلادی به امضای انگلیس رسید ولی مسلمانان پس از سقوط خلافت اسلامی و متزلزل شدن فلسطین در سال ۱۹۱۸ میلادی یعنی دقیقاً یکسال پس از تنظیم عهدنامه از آن باخبر شدند!^۱

سال ۱۹۲۰ میلادی بود که دولت انگلستان اعلام کرد از این زمان به بعد حکومت نظامی فلسطین به حکومت مدنی تبدیل خواهد شد.

یهود که در انتظار چنین روزی بود فوراً عهدنامه‌ای را به امضای سران کنفرانس حلفا (متفقین) که در سان ریمو به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۲۰ میلادی، منعقد شده بود رسانید که در آن چنین آمده بود: فلسطین را باید در موقعیتی اداری - سیاسی قرار داد تا یهود برای تأسیس میهن ناسیونالیسم خود در آزادی کامل به سر برده، حکومت انتداب نیز به هجرت یهودیها به فلسطین کمک کند، در این رابطه

۱- خطرالیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۲۳۹.

توصيه مي‌شود کابينه‌اي براي رسيدگي به امور مهاجرين يهودي تشکيل شود تا ناظر امور هجرت باشد و از سوي ديگر به مهاجرين مسکن و شغل مناسب بدهد و بتواند امتيازات شرکتها را در درجه اول به يهوديها بدهد تا آنها بتوانند در تاسيس چنين ميهنی همه سعی و تلاش خود را به کار گيرند.

این عهدنامه در سال ۱۹۲۲ ميلادی به تصويب سازمان ملل متحد که خود دست نشانده يهود بود رسيد^۱، انگلستان نيز بي‌درنگ آقای هربرت صموئيل يهودي را به عنوان نماينده سامی انگلستان به فلسطين فرستاد. صموئيل طی پنجاه سالی که در فلسطين بود دست به اقداماتی زد که برخی از این اقدامات عبارتند از:

- ۱- سکونت دادن ششصد هزار يهودي مهاجر
 - ۲- دادن پستهای مهم به يهود
 - ۳- خريداري زمينهای عربها با توسل به زور و واگذار کردن آنها به يهود
 - ۴- منحصر نمودن امتياز تجارت خارجي به يهود
 - ۵- ممنوع کردن حمل سلاح بر عربها
 - ۶- قرار دادن تسهیلات فراواني جهت خريداري اسلحه براي يهود^۲
- به نظر من اگر مردم دنيا می‌دانستند چگونه يهوديها زمينهای عربها را در فلسطين از دست آنها بيرون آورده‌اند، چنان نفرت و بيزاری نسبت به يهود در دل آنها ايجاد می‌شد که هرگز فراموش نمی‌کردند، بدون شک تمام کارها با معرفي هربرت صموئيل به نمايندگی انگلستان انجام می‌گرفت ولی کسی را توان فاش نمودن این واقعه‌ها، دزدیها و آدم‌کشیها نبود.

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب: (When Prophets Speak) تألیف لیتمان روزنتال يهودي مراجعه شود.

۲- خطرااليهوديه العالميه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۲۴۲.

به عنوان نمونه هنگامی که یکی از کارمندان دولت انگلستان گزارشی در مورد زمین دزدی یهود تهیه کرده بود و قصد داشت آن را به دولت خود بدهد، فوراً پست خود را از دست داد!^۱

از همان نخستین روزهای شروع جنگ جهانی اول همه از اصل ماجرا باخبر شدند، به همین دلیل در تاریخ ۱۴/ ژوئیه/ ۱۹۱۵ میلادی شریف حسین نامه‌ای به رهبران انگلستان نوشت و از آنها درخواست نمود مرزهای کشورهای عربی را مشخص کنند که در این رابطه نامه‌هایی بین دو کشور رد و بدل شد، در نتیجه انگلستان به پادشاه عربستان اطمینان داد که فلسطین جزو کشورهای عربی باقی مانده، مرزهای آن نیز محفوظ خواهد بود.^۲

آیا انگلستان به وعده خود وفا کرد؟

آقای عبدالله التل می‌نویسد:

قوانین انگلستان در دوره انتداب به اندازه‌ای یهودیها را برای مهاجرت به فلسطین آزاد گذاشته بود که پیش از خروج از شهرهای خود در آلمان، لهستان و آمریکا به آنها گذرنامه فلسطینی داده می‌شد! در مقابل عربهایی که از شرق اردن و سوریه به فلسطین آمده و سالهای زیادی در آن سکونت داشتند اجنبی به حساب می‌آمدند!

از سوی دیگر انگلستان تمام نیروی خود را در راه حمایت از یهود در اختیار یهودیها قرار داده بود و برای سرکوب نمودن و جلوگیری از هرگونه شورش از طرف عربها پایگاه نظامی قدرتمندی در شرق اردن تشکیل داد تا دولت اسرائیل بدون هیچ مزاحمتی تشکیل شود!^۳

۱- یهودی جهانی یگانه مشکله جهان: صفحه ۱۵۴.

۲- تفاصیل این نامه‌ها در کتاب فلسطین و الضمیر الانسانی: صفحه ۱۰۱ درج شده است.

۳ خطرالیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحيه: صفحه ۲۴۳.

تا اینجا انگلستان نقش خود را به خوبی ایفا کرده بود ولی از این به بعد آمریکا وارد عمل شد، در نتیجه اسرائیل توسط آمریکا تأسیس شد و آمریکا این افتخار بزرگ را نصیب خود کرد.

نویسنده معروف انگلیسی دو جلاس رید می نویسد:

جنگ جهانی دوم روزهای پایانی خود را پشت سر می گذاشت که ترومان رئیس جمهوری پیشین آمریکا درخواست نمود ۱۰۰،۰۰۰ یهودی به فلسطین مهاجرت نمایند و فلسطین را بین یهود و مسلمانان تقسیم کنند، در صورتی که وی در سال ۱۹۴۷ میلادی در پارلمان آمریکا چنین سخن گفته بود:

آمریکا هرگز راضی نیست سرنوشت ملتی بدون رضایت آن ملت تعیین شود. با همه این مسائل آقای مارشال و کیل وزارت امور خارجه سعی نمود آقای ترومان را متوجه خطرهای تقسیم شدن فلسطین نماید و او را از این کار منصرف سازد که سعی و تلاش وی بی نتیجه بود و پیش از آنکه نیروی نظامی انگلستان از فلسطین خارج شود^۱ دولت در آمریکا از تشکیل دولتی به نام اسرائیل خبر داد که این مطلب حتی برای نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز غیرمنتظره و ناگهانی بود، که عاقبت جنگ خونینی میان عربها و اسرائیل در گرفت و مارشال استعفا داد. در این هنگام سازمان ملل متحد جلسه‌ای تشکیل داد و برای اختلافات عربها و اسرائیل و پایان دادن به جنگ در آن منطقه قطع نامه تقسیم را صادر نمود. این قطع نامه صحرای نقب را در اختیار یهود و جلیل را به عربها اختصاص داد. سازمان ملل، آقای کونت برنادوت را برای اجرای صحیح این قطع نامه به فلسطین فرستاد ولی عربها واگذاری صحرای نقب را به یهود قبول نکردند، برنادوت نیز به یهود چنین پیشنهادی کرد:

اگر عربها صحرای نقب را به یهود نمی دهند، یهود باید جلیل را بگیرد و از نقب صرف نظر کند که یهودیها با شنیدن این پیشنهاد، آقای برنادوت را بدون هیچ مقدمه‌ای به قتل رساندند.

با وجود آنکه برنادوت نماینده سازمان ملل متحد بود، قاتل وی آزاد شد، در مقابل نیویورک از رئیس گروه اشترن^۱ استقبال شایانی به عمل آورد. عجیب تر آنکه اگر یکی از شخصیت‌های آمریکایی با قرارداد تقسیم مخالفت می کرد، فوراً کشته یا از پست خود برکنار می شد، به عنوان مثال جیمس فرستال وکیل وزارت جنگ که یکی از مخالفان قرارداد تقسیم بود ابتدا از پست خود برکنار شد، سپس بر اثر فشارهای گوناگون یهود دست به خودکشی زد!^۲ این مطلب را باید به تاریخ اضافه نمود که: سران لشکرهای عربی در جنگ عربها با اسرائیل، خیانت کردند زیرا به جای اینکه زمینهای فلسطین را از یهود بگیرند زمینهای زیادی را هم به آنها دادند که در نتیجه جنگ به سود یهود به پایان رسید.

به عنوان مثال اگر یهود به پیروزی نمی رسید فقط ۵/۳ میلیون دونم^۳ زمین در اختیار داشتند، در صورتی که پس از جنگ و پیروزی بر عربها زمینهای اسرائیل به (۲۷،۰۲۷،۰۲۳) دونم رسید.^۴

آوارگان این جنگ ۱،۰۰۰،۰۰۰ انسان بی گناه بود! در ضمن سود اموال و دارایی مصادره شده از مسلمانان بیش از ۹۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در سال بوده است.^۵

۱- قاتل برنادوت.

۲- به کتاب فی جبهه ما جنوب السویس: تألیف دوچلاس رید مراجعه شود.

۳- دونم واحدی است که با ۲۵۰۰ مترمربع برابر می باشد.

۴- خطرالیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحیه: صفحه ۳۰۷.

۵- تذکره عوده: صفحه ۲۹.

اسرائیل پس از جنگ، ۲۰۲ روستا را تغییر داد، بیش از ۲۰۰ مسجد را خراب نمود و بیشتر قبرها را نبش نمود، حتی سنگهای روی آنها را دزدیده و به یهود فروخت.^۱

ناگفته نماند پس از قیام اسرائیل، نخستین کشورهایی که این دولت را به رسمیت شناختند آمریکا، انگلیس و سپس شوروی و هم‌پیمانهای آن بودند! علوبه نویسنده کتاب فلسطین و الضمیر الانسانی در کتاب خود می‌گوید: شوروی و آمریکا در هیچ موضوعی اتفاق نکردند مگر به رسمیت شناختن اسرائیل!

حال اگر کسی از چگونگی پیدایش اسرائیل سؤال کند، در جواب باید گفت، سه عنصر مهم در به وجود آمدن دولتی به نام اسرائیل کمک کرد:

۱- نیرنگ آمریکا و انگلستان

۲- غفلت مسلمانان

۳- تلاش یهود

آوارگان

در این زمان یعنی دوره نور و خورشید، دوره‌ای که انسان یک پای خود را در ماه و دیگری را در زهره گذاشته و امید آن دارد که خورشید را نیز در آغوش بگیرد و دوره‌ای که مردم آن مشعلهای آزادی را بر سر چهارراهها نصب کرده و طبق گفته خود، واضح حقوق انسان هستند، شاید بزرگ‌ترین جنایتی که تاریخ در زمانهای مختلف به چشم خود دیده است آواره نمودن ملتی با فرهنگ از خانه و

۱- اضطهاد العرب جامعه الدول العربیه: چاپ قاهره ۱۹۵۵ میلادی.

کاشانه خود توسط افرادی بی‌هویت و مجهول می‌باشد، ملّتی که پایه‌های تمدنش در اعماق قرن‌ها فرورفته است، دولت‌ها و ملّتها نیز با دستی این مشعل آزادی را بلند نموده و با دست دیگر از جنایتهای آنها (یهود) دفاع می‌کنند!

خوب است تاریخ نویسان به این مطلب که می‌رسند، چند صفحه‌ای را با رنگ سیاه غلیظ پر کنند و رد شوند زیرا این لگّه ننگ هرگز پاک نخواهد شد و عامل این جنایت، همه ما انسانهای این دوره هستیم، شاید نسلهای آینده بر ما و فکرهای ما بخندند و با یک دنیا تعجب بگویند:

چگونه آنها به خود اجازه دادند که دوره خود را دوره نور بخوانند در صورتی که تاریکی‌ها به شدت قلبهای آنها را از هر طرف محاصره کرده بود؟ چگونه آن دوره را دوره نور به حساب آوردند، در صورتی که یک میلیون انسان را آواره کرده‌اند، در صحرایی خشک و بدون آب جای داده، دور آنها را حصار کشیده و نام دوره خود را هم دوره نور گذاشته‌اند! چنین دوره‌ای دوره ننگ و زور بود نه دوره پیشرفت و نور.

بلفور که به ظاهر وضع‌کننده اساس اسرائیل به شمار می‌رود، به یهود چنین گفته بود: نباید حقوق مدنی، سیاسی و دینی ملّتهای غیر یهودی پایمال شود.

ولی قصد یهود این بود که عربها از این زمان به بعد باید خیمه‌های خود را برچیده و به طرف همان صحرایی که از آن آمده بودند باز گردند.^۱

یهود برای رسیدن به این خواسته خود بیش از ۱،۰۰۰،۰۰۰ انسان را آواره نمود، انسانهای بی‌گناهی که تاکنون در بیابانها سرگردان هستند و هزاران نفر آنها در اثر نداشتن تغذیه مناسب نابود شده‌اند و این نخستین مرتبه در تاریخ بشریت بود که گروهی به عنوان آوارگان به وجود آمدند.^۲

۱- از گفته‌های زینکویل یکی از رهبران عالی مقام یهود!

۲- مکتب اسلام: شماره ۹، سال ۸، صفحه ۲.

اکنون نظر خوانندگان عزیز را به آماری که مؤسسه پناهندگان بین‌الملل در سال ۱۹۶۰ میلادی منتشر نموده جلب می‌نمایم.

نام منطقه	پناهندگانی که ثبت نام شده‌اند.	افرادی که از همه امکانات استفاده کرده‌اند.	افرادی که از برخی امکانات استفاده کرده‌اند.	کسانی که به هیچ وجه امکانات داده نشده‌اند.
غزه	۲۵۵،۵۴۲	۲۳۰،۰۴۸	۱۲،۷۰۸	۱۲،۷۸۶
اردن	۶۱۳،۷۷۳	۴۳۵،۹۱۷	۱۴۰،۲۲۹	۳۷،۵۸۷
لبنان	۱۳۶،۵۶۱	۱۰۵،۳۵۹	۱۷،۰۷۸	۱۴،۱۱۵
سوریه	۱۱۵،۰۴۳	۹۴،۵۰۱	۱۱،۵۷۷	۸،۶۰۴
مجموع	۱،۱۲۰،۹۱۹	۸۶۵،۸۳۶	۱۸۱،۶۰۱	۷۳،۴۵۳

مطلب تعجب‌آور این است که طی مدت ۴ سال^۱ سازمان ملل متحد در ۵ نوبت بازگشت پناهندگان را با تصویب قطع‌نامه‌ای تأیید نمود و این بازگشت را حق شرعی و قانونی آنها دانست ولی اسرائیل در هر ۵ نوبت با این قطع‌نامه مخالفت کرد و سازمان ملل نیز در عمل نتوانست به وعده خود وفا کند.

در این ماجرای اسف‌بار نه سازمان ملل نیروی صلح تشکیل داد و نه هم‌پیمانان مسلمان کوچک‌ترین کمک اساسی کردند، بلکه دولتهای بزرگی هم که پرچم رهبری جهان آزاد را حمل می‌کنند نیز هیچ پشتیبانی از مردم تجاوز شده فلسطین و گروههای زجر دیده پناهنده ننمودند.

طبق آمار منتشر شده ۱،۱۲۰،۹۱۹ پناهنده تا سال ۱۹۶۰ میلادی از مؤسسه پناهندگان بین‌الملل چنین به‌رمند می‌شدند:^۲

تغذیه ۱/۴۲٪

۱- از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۲ میلادی.

۲- تذکره عوده: صفحه ۳۲.

تعليم ۸/۲۴٪

امور اجتماعي ۲/۲٪

امور بهداشتي ۵/۷٪

مكاني براي سکونت ۲/۲٪

البته آمار ۹۱۹،۱۲۰،۱ پناهنده و آواره فقط به قبل از آخرين تجاوز اسرئيل

مربوط مي شود.

اي دنيا آيا مي شنوي؟ آيا تأيد مي کنی؟

دليلهاي جنگلي

چرا يهود بايد در فلسطين زندگي کنند؟

جوابهايي که به اين سؤال داده مي شود متفاوت است.

يهود مي گویند: به دليل اينکه ساکنان اصلي اين سرزمين ما هستيم و بازگشتن به

وطن اصلي خود، حق مسلم و طبيعي ما است.

ولي قبل از هر چيز بايد از يهوديها سؤالي کرد:

اگر سکونت در فلسطين حق طبيعي شما است، چرا هيچ يک از پدران و اجداد

شما نامي از اين حق طبيعي به ميان نياورده اند؟

چرا اين دليل پوچ و جاهلانه پس از قيام اسرئيل از زبان شما شنیده شد و حتی

قبل از صدور قطع نامه سازمان ملل متحد، از اين حق طبيعي صحبتی نبود؟

چرا بیشتر قبیله‌های یهودی شرکت کننده در کنفرانس صهیونیستها عقیده داشتند که او گاندا را باید میهن خود قرار دهند؟^۱ چرا فیلسوف مشهور یهودی آقای لیوپنسکر ۱۸۵۰ میلادی گفت: یهود باید به شهری عقب مانده هجرت کنند و در آنجا دولتی تشکیل دهند؟^۲

با قبول این دلیل جاهلانه یهود، سؤال دیگری نیز بی جواب می ماند، چرا که: یهود فقط ۷۰۴ سال^۳ در فلسطین سکونت داشتند، آن هم زمانی که دولت مفهومی نداشت ولی بیش از دو هزار سال از فلسطین رانده شدند، در حالی که قانون اسرائیل چنین می گوید:

اگر از آواره شدن شخص عربی چهار سال گذشته باشد به هیچ وجه حق بازگشت به وطن خود را ندارد! سؤال اینجاست که چگونه ممکن است ملتی که بیش از دو هزار سال بیرون از فلسطین بوده حق دارد با سرنیزه آن را به تصرف خود درآورد و ساکنان آن را آواره کند؟

این مطلب را نیز باید به گفته‌های خود اضافه کنیم که بناکنندگان و وارثان اصلی پایتخت فلسطین یعنی بیت المقدس عربها بودند، در تمام کتابهای تاریخی نیز آمده است که حدود سه هزار سال پیش از میلاد یابسی‌ها که شاخه‌ای از قبیله‌های کنعانی عرب هستند، بیت المقدس را بنا کرده و آن را یبوس نامیدند، کنعانیها نیز آن را اورسالم (یعنی شهر سالم و آرامش) نامیدند که این نام از ملك صادق پادشاه کنعانیها که شخص انسان دوستی بوده و او را؛ ب ب آ ملك السلام (یعنی پادشاه آرامش) می گفتند گرفته شده است ولی یهود که در تلفظ، سین را به شین تبدیل می کنند، آن را اورشلیم نام نهادند، رومانیها نیز

۱- در سال این کنفرانس در سال ۱۹۰۳ میلادی تشکیل شد.

۲- همان مدرک: صفحه ۴۳.

۳- از سال ۱۲۹۰ تا سال ۵۸۶ قبل از میلاد.

بیت المقدس را هیروسلیما نام نهادند، که نام اروپایی آن چیروسالم می شود. هدریان امپراتور روم در سال ۱۳۹ میلادی آن را ایلیا کابیتولینا نام نهاد که تا زمان عثمانیها به این اسم مشهور بود ولی عثمانیها آن را قدس شریف نامیدند.^۱

دیگر آنکه چند قبیله پراکنده و بیابانی عبری در صحراهای فلسطین آن هم برای مدت بسیار کمی سکونت داشتند که قبیله‌های بسیار بزرگی از کلدانیه‌ها، آشوریه‌ها، کنعانیه‌ها، آرامیه‌ها، حثیه‌ها و ایرانیها نیز در آنجا ساکن بودند، آیا این حق طبیعی فقط برای قبیله عبری بوده و دیگر قبیله‌ها و نژادها مانند حیوانات انسان‌نما هستند و از این حق طبیعی محروم می‌باشند؟!

و اما جوابهای دیگر به این سؤال:

غیر یهود در جواب این سؤال می‌گویند: به دلیل اینکه سایر ملتها از افکار شیطانی و غیرانسانی یهود راحت شوند.

حتی هیتلر که معتقد بود یهودی هر کجا که باشد سرانجام آنجا را به جهنم تبدیل خواهد کرد^۲ همیشه سعی می‌کرد میهن ناسیونالیسم یهودی تشکیل شود^۳، جورنج و آزولا موزلی نیز که به دشمنی با یهود مشهور هستند در این مورد با هیتلر موافق می‌باشند.

این جواب نیز شباهت زیادی به جواب قبلی دارد زیرا ما به چشم خود می‌بینیم که پس از قیام اسرائیل مشکل یهود به صورتی وحشتناک‌تر خودنمایی کرده و اگر دنیا از آنها ناراحت‌تر نشده باشد هیچ‌گونه راحتی نیز برای آنها ایجاد نشده، اصولاً این پراکندگی سیاست یهود است، خود یهود نیز معتقدند این نعمتی است که خداوند به آنها عطا فرموده تا بتوانند از همه انسانهای آدم‌نما سواری بگیرند!^۴

۱- مجله حضاره الاسلام: شماره ۸، سال ۱۳۸۷ هجری قمری، صفحه ۱۰۸.

۲- کفاحی: صفحه ۱۴، تألیف هیتلر.

۳- فلسطین و الضمیر الانسانی: تألیف علوبه، صفحه ۱۶۴.

۴- به کتاب تلمود مراجعه شود.

با تمام اين مسائل زمينه‌اي که تا کنون اسرائيل گرفته است گنجایش تمام يهوديهای دنيا را ندارد و فقط ۶۰٪ از يهود دنيا می‌توانند در آن سکونت داشته باشند، شايد آنها بگویند: بايد شرق اوسط را نیز تخلیه نمود تا همه يهوديهای بتوانند در آن زندگی کنند.

ولی کدام عقل چنین قضاوت می‌کند؟

آخرین تجاوز اسرائیل

این مطلب که اسرائیل بقای خود را بر تجاوز به حقوق دیگران بنا نهاده است احتیاجی به دلیل و ثابت کردن ندارد، پرونده تجاوزات او به اندازه‌ای سنگین است که دولتهای مجاور تقریباً به این امر عادت کرده‌اند.

و اینک مرور یکی از این پرونده‌ها:

تجاوزهای اسرائیل به مرزهای سوریه در ماه ژانویه ۲۰۹ مرتبه، در ماه فوریه ۲۱۰ مرتبه، در ماه مارس ۳۱۰ مرتبه، در ماه آوریل ۳۲۵ مرتبه، در ماه می ۳۲۸ مرتبه، در ماه ژوان ۳۹۴ مرتبه، در ماه ژولیه ۲۸۴ مرتبه و در ماه آگوست ۲۲۸ مرتبه گزارش شده است. یعنی اسرائیل از ابتدای ماه ژانویه تا آخر ماه آگوست سال ۱۹۶۱ میلادی ۲۱۸۸ مرتبه به خاک سوریه تجاوز نموده است.

اگر تجاوزهایی که به مرزهای اردن در همان سال شده را که ۴۰۰ مرتبه است به آن اضافه کنیم اسرائیل در یک سال ۲۵۸۸ مرتبه تجاوز نموده است. به عبارت دیگر اسرائیل در هر ماه بیش از ۲۱۵ مرتبه تجاوز کرده است.^۱

چرا یهودیها روحیه تجاوز دارند؟

دکتر فریدلندر اسرائیلی در جواب این سؤال می گوید:

یهودیسم عنصری است که پیروان آن همیشه این احساس را دارند که مانند شاخه‌های درختی هستند که از آن جدا شده‌اند یعنی از دیگر عناصر جدا و متمایز هستند.^۲

این حس دردناکی که نیش آن همیشه درون قلبهای یهودیها فرو رفته است، چنان عقده حقارتی نسبت به تمام بشر در آنها ایجاد نموده که چه بسا از بین رفتنی نباشد زیرا یهود این حس را با شیر مادر به فرزندان خود انتقال می‌دهد تا بدین وسیله آنان را به کار و کوشش وادارند؟

البته چنین حسی مخصوص آب و خاک اسرائیل نیست بلکه هر کجا یهودی باشد این عقده بزرگ هم با اوست با این تفاوت که اسرائیلی‌ها می‌توانند به وسیله تجاوزات پی‌درپی آن را آرام کرده و تسکین دهند ولی یهودیهایی که خارج از اسرائیل زندگی می‌کنند از این فیض محروم هستند!

این تجاوزات همیشه از یهودیهای ساکن اسرائیل مشاهده می‌شود، حتی یهودیهای به اصطلاح (بی‌دین) هم این روحیه را از دین خود به ارث برده‌اند و طبق نظر خودشان:

یهودیسم قومیت یهود است، حتی با خارج شدن یهودی از دین خود دوباره رابطه ناسیونالیسم، او را با روحیه یهودیسم مرتبط می‌کند.^۱

۱- تذکره عوده: صفحه ۱۵۰.

۲- یهودی جهانی یگانه مسئله جهان: صفحه ۶۲.

آقای لوئیس - دی - براندیس قاضی دادگاه عالی آمریکا می گوید: باید اعتراف کرد که ما تشکیل دهنده قومیتی هستیم که یهودی هر کجا باشد به آن وابستگی دارد.^۲

آقای لیون سیمون یهودی می نویسد:

یهودیسیم نسبت به یهود، ناسیونالیسم آنها است و کسانی که معتقدند یهودیها مانند کاتولیک و پروتستان طایفه‌ای دینی را تشکیل می دهند سخت در اشتباه می باشند.^۳

نگاهی به آخرین تجاوز اسرائیل

شاید اتفاقات و چگونگی آخرین جنگ مسلمانان و اسرائیل هنوز برای افرادی مخفی باشد یا حقایق را برعکس شنیده باشند، برای توضیح این مطلب و بیان عوامل و سببهای شکست مسلمانان چند صفحه‌ای را با اشکهای دردناک خود، قلبی سرشار از درد و سوز، دستهایی لرزان و چهره‌ای خجالت زده بیان می کنیم، شاید بدین وسیله بتوانیم کمی از مسئولیت‌های بزرگ خویش را در این زمینه بکاهیم.

در نیمه ماه می سال ۱۹۶۷ میلادی بود که مردم به طور ناگهانی متوجه شدند دولت مصر شمار زیادی از نیروهای خود را از کانال سوئز عبور داده و در صحرای سینا متمرکز کرده است.

۱- راهنمای صهیونیسم: صفحه ۵.

۲- کتاب صهیونیسم و یهود آمریکا.

۳- درسهایی در ناسیونالیسم یهودی: صفحه ۳۴.

در این هنگام مصر از سازمان ملل درخواست نمود نیروهای خود را از مرزهای مصر - اسرائیل خارج سازد و چنین بیان داشت:

از این زمان به بعد کشتیهای اسرائیل اجازه عبور از خلیج عقبه را ندارند، کشتیهای سایر کشورها نیز هنگام عبور بازرسی خواهند شد.

جمال عبدالناصر دلیل این مطلب را اینگونه شرح داد:

دولت شوروی به ما خبر داد که اسرائیل قصد دارد با حمله‌ای خونین سوریه را تحت سلطه خود درآورد و برای چنین حمله‌ای سیزده هزار سرباز تازه نفس در مرزهای سوریه قرار داده است. این عمل اسرائیل، ما را بر آن داشت که آمادگی خود را در دفاع از سوریه و تأدیب اسرائیل اعلام نماییم.^۱

بستن خلیج عقبه به روی کشتیهای اسرائیل توسط مصر خطر بسیار بزرگی برای اسرائیل به شمار می‌رفت زیرا اقتصاد اسرائیل وابسته به تجارتهای او به شرق آفریقا و آسیا است و خلیج عقبه تنها راه ارتباط اسرائیل با کشورهای این منطقه بود.

مهم‌تر از همه مواردی که ذکر شد این عمل نه تنها امنیت اسرائیل را تهدید می‌کرد بلکه موجودیت آن را به خطر می‌انداخت به همین دلیل ناظران سیاسی گفتند:

شکی در این نیست که اسرائیل برای باز کردن خلیج عقبه از سلاح استفاده خواهد نمود.^۲

با وجود اینکه اسرائیل در این مطلب که مصر این اعمال را به طور جدی انجام می‌دهد یا نه در شک و تردید به سر می‌برد، با این حال فرصت خوبی یافت تا

۱- سخنرانی جمال عبدالناصر در تاریخ ۲۳/۷/۱۹۶۷ میلادی که متن این سخنرانی در روزنامه الأهرام به تاریخ ۲۴/۷/۱۹۶۷ میلادی به چاپ رسید.

۲- از گفته‌های محمد حسنین هیکل ۲۶/۵/۱۹۶۷ میلادی.

بتواند صحرای سینا که ۲۰۰ مایل اسرائیل را از مصر دور می‌کرد به تصرف خویش درآورده و عبور کشتیهای خود را از کانال سوئز تأمین نماید. مصر نیز اگر در همان ساعتهای ابتدایی به اسرائیل حمله می‌کرد اگر نمی‌توانست اسرائیل را شکست دهد از او شکست هم نمی‌خورد زیرا اسرائیل هرگز فکر پیشروی در سر نداشت ولی مصر مدتی را بدون هیچ برنامه خاصی گذراند تا اسرائیل توانست نیروهای خود را با سرعتی بی‌نظیر از مرز سوریه به صحرای سینا بیاورد که در این رابطه مصر فرصت هجوم را در اختیار اسرائیل قرار داد، در نتیجه اسرائیل در حمله‌ای توانست بیش از ۴۰۰ هواپیمای جنگی مصر را سرنگون سازد!

چرا عربها در این جنگ شکست خوردند؟

برخی از سیاستمداران بر این عقیده‌اند که شکست عربها در این جنگ نتیجه نقشه‌ای بسیار دقیق بود. غلوب پاشا در این زمینه می‌گوید:

اگر رهبران شوروی در طول عمر خود یک مرتبه از صمیم قلب خندیده باشند آن یک مرتبه زمانی بود که عربها شکست خوردند زیرا شوروی با شکست ناگهانی آنها قصد داشت گام بزرگ‌تری در آفریقا و آسیا برداشته باشد و هرگز شکست اسرائیل را تصور نمی‌کرد زیرا در این صورت عربها به اندازه‌ای قوی می‌شدند که دیگر احتیاجی به شوروی نداشتند در حالی که پس از این شکست و حمایت آمریکا و انگلستان از اسرائیل، کشورهای عربی بی‌پروا خود را در دامن شوروی انداختند که این بزرگ‌ترین پیروزی شوروی بود زیرا با چنین نقشه‌ای شوروی توانست با گذشت ۱۲۰ ساعت به مقدار ۱۲۰ سال پیشروی کند!

به عقیده من این نقشه شوروی بر دو پایه استوار بود:

۱- آمریکا از اسرائیل حمایت کند تا کشورهای عربی هر چه بیشتر از آن فاصله بگیرند که متأسفانه انگلستان نیز در این مورد از سیاست آمریکا پیروی کرد. و این مطلب خود نعمت بزرگی برای شوروی به شمار می‌رفت که شوروی حتی تصور آن را هم نمی‌کرد.

۲- عربها را با شکست بسیار وحشتناکی روبرو کند تا خود را بدون هیچ قید و شرطی تسلیم شوروی نمایند.

این نقشه دقیق تا به حال به گونه‌ای که شوروی در نظر داشته است انجام شده ولی آمریکا و انگلستان با تفکر سطحی خویش بر این گمانند که شوروی در این جنگ دچار اشتباه شده است.

با فرض این مطلب که شوروی دچار اشتباه شده است (یعنی گمان کرده مصر در این جنگ پیروز می‌شود) با این حال کارها به سود او تمام می‌شد زیرا آمریکا و انگلستان حمایت بیشتری از اسرائیل می‌کردند، در نتیجه جهان عرب و اسلام بیش از پیش از آنها فاصله می‌گرفتند!

البته نمی‌توان در این زمینه به طور قطعی حکم کرد ولی آنچه با چشمهای خود دیده‌ایم این بود: آمریکایی که دارای قدرت و شهرت جهانی بود خود را در اختیار اسرائیل گذاشت و برای آسوده بودن خاطر اسرائیل، ناوگان خود را در سواحل دریای مدیترانه مستقر نمود. بی‌تردید این ناوگان کمکهای بسیاری به اسرائیل نمود، چه از نظر تجسس و چه از نظر تخریب دستگاههای مخابراتی مصر، در هر حال این ناوگان در حالت آماده‌باش بود تا در صورت شکست اسرائیل، به یاری او بشتابد!

دسیسه بزرگ

سبب شکست مسلمانان را در این جنگ می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- اسرائیل از راه بمباران هوایی توانست اولین ضربه را به هواپیماهای مصری که در یک خط قرار گرفته بودند وارد سازد، سپس نیروهای زمینی و نظامی مصر را که در صحرای سینا متمرکز بودند از پای درآورد.

۲- نه تنها کشورهای عربی در صدد روشن نمودن آتش جنگ نبودند بلکه مستعد چنین امری هم نبودند. در این رابطه شمس‌بدران وزیر پیشین جنگ مصر به دو نفر از افسران عالی رتبه عربی که برای طراحی نقشه حمله به اسرائیل رهسپار محل شده بودند چنین گفت: شما گمان می‌کنید ما قصد جنگ داریم؟ تمام این کارها از روی سیاست انجام می‌گیرد، این اعمال سیاسی است نه جنگی!

۳- پنهان نبودن هواپیماهای مصری و قرار داشتن آنها در یک خط که این مطلب کار را برای اسرائیل آسان نمود.

۴- مصر منتظر حمله اسرائیل از شرق بود (زیرا اسرائیل در شرق مصر قرار داشت)، در صورتی که حمله اسرائیل از غرب آغاز شد، یعنی هواپیماهای جنگی اسرائیل ۸۰۰ کیلومتر راه پیمودند. یک سخنگوی هندی در این رابطه می‌گوید: هواپیماهای اسرائیل در این حمله سه مرتبه بر زمین نشسته و سوخت‌گیری کرده بودند!

می‌توان گفت این چهار عامل به طور مستقیم با شکست مصر در ارتباط بود، از سوی دیگر اعتماد سوریه و اردن هاشمی تنها به ناوگانهای هوایی مصر بود، به

دلیل اینکه نیروی اردن در برابر اسرائیل کمتر از یک جزء نسبت به دوازده جزء (۱۱۲) به شمار می‌رفت^۱ تعداد هواپیماهایی هم که حمله به اردن و سوریه را آغاز

نمودند بیش از ۷۰۰ هواپیما بود، ملک حسین در این زمینه می‌گوید:
اسرائیل چتری از هواپیما بر فراز اردن زده بود به همین دلیل می‌توان گفت:
شکست مصر تنها عامل شکست سوریه و اردن بود.
اسرائیل نیز قبل از جنگ نیرنگ بزرگی به عربها زد یعنی خود را به گونه‌ای نشان داد که هرگز حمله نخواهد کرد.
و اما جزئیات این نیرنگ:

۱- موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل دو روز قبل از شروع جنگ به روزنامه‌نگاران چنین گفت:^۲

فرصت اینکه بتوانیم جواب دندان‌شکنی به مصر بدهیم از دست رفت، دولت ما قبل از آنکه من عضو آن شوم با اعمال دیپلماتیک مشکلات خود را حل می‌کرد اکنون نیز باید به دولت فرصت بیشتری داد تا این مشکل را نیز با اعمال دیپلماتیک حل نماید.^۳

۲- یک روز پس از مصاحبه با موشه دایان روزنامه‌های جهان عکسهایی از هزاران سرباز اسرائیلی در حال شنا چاپ کرده و زیر آن نوشتند: سربازان اسرائیلی مرخصی خود را با شنا طی می‌کنند.^۴

۱- غلوب پاشا در کتاب ازمه الشرق الاوسط: صفحه ۳.

۲- در تاریخ ۳/۶/۱۹۶۷ میلادی.

۳- کتاب جنگ شش روزه مصر و اسرائیل: تألیف اندولف س چرچیل وینستون س چرچیل، صفحه ۷۳.

۴- تاریخ ۴/۶/۱۹۶۷ میلادی.

بدون شک اگر عربها در اسرائیل جاسوسهایی گماشته بودند، آنها نیز به دولتهای خویش چنین گزارش می دادند که سربازان اسرائیلی در مرخصی هستند و قصد جنگ ندارند!

۳- زمانی که کابینه وزرای اسرائیل در روز ۴/۶/۱۹۶۷ (یک روز قبل از جنگ) تشکیل جلسه داد و موشه دایان تمام طرحها و برنامه‌های از قبل تعیین شده را برای جنگ تصویب نمود، به دولت اسرائیل اعلام کرد که کابینه وزرا در این جلسه فقط چند طرح تجارتي را بررسی نموده! با شنیدن این مطلب ژنرالهای مصری در قاهره مشغول بازی تنیس شدند!^۱

مواردی که ذکر شد به طور مستقیم با این شکست در ارتباط بودند ولی سه عامل دیگر وجود دارد که به منزله پایه و اساس این شکست به شمار می‌رفت:

۱- از زمانی که اسرائیل در این قسمت از خاورمیانه به وجود آمد آرامش جای خود را به نگرانی و گاهی هم به جنگ و خونریزی داد، بی‌اطلاعی و اختلافات دولتهای اسلامی همان طور که در تشکیل این حکومت غاصب و متجاوز کمک نموده بود، بعدها نیز وسیله‌ای برای توسعه قدرت و جسارت این دولت شد.

مطلب تأسف باری که دنیا به چشم خود می‌بیند این است که اسرائیل از آغاز تشکیل تا به حال (مدت ۲۰ سال) در تهیه اسلحه و ایجاد سپاه مرکزی به سر می‌برد، به اندازه‌ای که آموزگاران در دوره‌های ابتدایی مدرسه به دانش‌آموزان روحیه تجاوز و حمله را می‌آموختند و به آنها می‌گفتند: کشور ما از چهار طرف در محاصره است و اجداد و پدران ما وظیفه حفظ این کشور را به دست من و تو واگذار کرده‌اند...

کشورهای اسلامی نیز به جای تقویت نیروهای دفاعی خود در برابر دشمن، گرفتار مشکلات داخلی و خارجی خود بودند.

نکته دیگری که تأسف بار و عبرت‌انگیز است اینکه: مسلمانان به جای اینکه سعی کنند استقلال داشته باشند به دوستی و پشتیبانی یکی از قدرتهای بزرگ جهانی (که از خداوند غافل بود) بیش از اندازه اعتماد داشتند.^۱

این دوری از خدا و نزدیکی به مخلوق یکی از عوامل بسیار مهم شکست غیر منتظره مسلمانان بود.

درست است که خداوند بدون سبب کاری انجام نمی‌دهد ولی این مطلب را کوچک‌ترین سرباز نیز می‌داند که تقویت معنوی سپاه اگر مهم‌تر از تقویت مادی آن نباشد، کمتر از آن نخواهد بود.

یک سخنگوی اسرائیلی پس از جنگ گفت:

ایمان به خدا بود که ما را پیروز کرد^۲ البته سرباز یهودی می‌دانست برای چه جنگ می‌کند ولی مسلمانان بیچاره نمی‌دانستند برای چه کسی و به چه دلیلی مشغول مبارزه هستند!

۲- چه بسا افرادی بر این عقیده باشند که در جنگ عربها و اسرائیل و شکست عربها این فقط عرب بود که شکست خورد در صورتی که اگر این نبرد، نبرد عربها و اسرائیل بوده بدون تردید باید گفت که این شکست دامان همه مسلمانان را ننگین کرده است!

دلیل این مطلب، گفته واپس‌گرایانه موشه دایان است، زیرا او هنگامی که وارد بیت المقدس می‌شد فریاد می‌زد: اکنون یهود انتقام خیبر را از مسلمانان گرفت.^۳

۱- مکتب اسلام: شماره ۹، سال هشتم، ۱۳۸۷ هجری قمری، صفحه ۲.

۲- کتاب الایام الحاسمه قبل معركة المصیر: تألیف سپهد محمد شیت خطاب چاپ بغداد، ۱۳۸۷ هجری قمری.

۳- نقل از روزنامه‌ها، مجله‌ها و رادیوهای آن زمان.

بیشتر افرادی که از اروپا و آمریکا آمده بودند می گفتند: در آن مناطق صحبت از مسلمانان و اسرائیل بود نه جنگ عربها و اسرائیل! تمام جشنها و شادیها نیز به نام شکست مسلمانان برپا می شد نه عربها!

پس اگر مسلمانان اختلافهای داخلی و خارجی خود را کنار گذاشته و همگی مانند برادر دور هم جمع می شدند و تقسیم بندیهای خود را که تاکنون باعث بسیاری از بدبختیهای آنها بوده فراموش می کردند، هرگز چنین حادثه های دردناکی رخ نمی داد!

۳- اعتماد بیش از اندازه مسلمانان به یکی از دولتهای استعماری بزرگ. یکی از شعرای مغرب خطاب به بلوک شرق می گوید:

تو تأیید کردی ... ولی با الفاظ صیقلی و طنین افکن! او هم (بلوک غرب) اسرائیل را تأیید کرد ولی با هواپیماهای بزرگ و بمب افکن! چه تفاوت بزرگی بین هواپیماهای بمب افکن و بین الفاظ طنین افکن است.

هر دو، ناوگانهای خود را برای هم پیمان خود به حرکت در آوردند ولی ناوگانهای آمریکا قبل از جنگ به حرکت درآمد و بیشترین کمک را به اسرائیل نمود، در صورتی که ناوگانهای شوروی پس از جنگ، آن هم برای قدرت نمایی ظاهر شدند.

اثرات این تجاوز چه بود؟

۱- نخستین اثر ننگین این جنگ این بود که برای اولین بار در تاریخ اسلام، بیت المقدس که در بردارنده نخستین قبله مسلمانان و محل معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است توسط مهاجمین تجاوزکار و سربازان یهود مورد بی احترامی قرار گرفت.

دولت غاصب اسرائیل اعلام کرد: اداره بیت المقدس را برای همیشه در دست می گیرد، به همین دلیل برخلاف اعتراض جهانی آن را به قسمت غصب شده قبلی اضافه نمود^۱.

اسرائیل مهندسين مشهوری را از خارج استخدام نمود تا مسجد الاقصی را از محل خود برداشته و در جای دیگری بگذارند و بر خرابه آن نیز هیکل سلیمان را بنا کنند^۲.

۲- بیش از ۱۵،۰۰۰ اردنی که تعداد زیادی کودک، زن و غیر نظامی بودند زخمی یا کشته شدند! همین تعداد نیز از مصر و سوریه کشته شدند.
غلوب پاشا می نویسد:

بیشتر نظامیهای اردن توسط بمبهای آتشزا (ناپالم) به خاکستر تبدیل شدند. اکنون نامه‌هایی از دکترهای دانشگاه آمریکایی که برای کمک به اردنیها در بیمارستانهای نظامی اردن مشغول فعالیت می‌باشند به دست من رسیده و در یکی از این نامه‌ها چنین آمده است:

تا به حال بین ۶۰۰ الی ۷۰۰ زخمی که بین آنها ۱۵۰ غیرنظامی بود معالجه کردم که ۲۰۰ نفر آنها از ۲ درجه سوختگی شکایت داشتند ولی هرگز جراحی که بر اثر گلوله باشد ندیده‌ام!

برخی از سربازان اردنی می گفتند: ما در مقابل خود به غیر از آتش چیزی نمی دیدیم.

یکی از بیمارستانهای سیار نیز که معالجه ۳۵۰ بیمار را به عهده داشت، توسط بمبهای آتشزا تبدیل به خاکستر شد^۳.

۱- مجله مکتب اسلام: شماره ۹، سال هشتم.

۲- نقل از برخی روزنامه‌ها.

۳- مجله الجمهور الجديد: شماره ۷۱۱، سال ۱۹۶۸ میلادی، صفحه ۲۸ به نقل از برخی پزشکان.

حرکتی که یهود در این جنگ دنبال کردند انسان را به یاد نقشه‌هایی که در قبیله‌های وحشی در دوران جنگل برای تأمین زندگی خود داشتند می‌اندازد با این تفاوت که وقتی قبیله‌های وحشی ناگهانی و بدون اخطار قبلی به قبیله‌ای حمله می‌کردند از چوب، تیر و نیزه استفاده می‌کردند ولی اسرائیلی‌ها از هواپیما، تانک و توپ. ولی از نظر هدف که سلطه بر خانه و اموال دیگران است، تفاوتی با یکدیگر ندارند.

یکی از آوارگان جنگ چگونگی نبرد را چنین شرح می‌دهد:

در ساعت‌های اولیه صبح زمانی از ورود ما به کلاس درس در دبیرستان نگذشته بود که ناگهان صدای توپ و گلوله به گوش رسید، ما از کلاس بیرون آمدیم، رئیس دبیرستان گفت همه به خانه‌های خود برگردید زیرا جنگ شروع شده است. با وجودی که شهر ما (رام‌الله) به مرز اردن - اسرائیل نزدیک نبود و از صحنه جنگ دور بودیم هنگامی که از مدرسه خارج شدیم، ناگهان آسمان سیاه شد و تعداد ۷۰۰ هواپیمای جنگی بر فراز شهر ظاهر شدند، بلافاصله دهها هلی‌کوپتر جنگی نیز مشاهده شد که با گلوله‌های بزرگ و آتش‌زا مردم بی‌دفاع و غیرنظامی را مورد هدف خود قرار می‌دادند، من با چشمان خود دیدم که چگونه بچه‌ها، زنها و پیر و جوان یکی پس از دیگری از پای درآمده بر زمین می‌افتادند!

۳- تعداد آوارگان این جنگ تا ۹/ شباط / ۱۹۶۷ میلادی (یعنی پس از گذشت پنج ماه از جنگ) به ۲۴۳،۵۰۰ نفر رسید^۱... طبق آمار منتشر شده هر روز بیش از ۱،۶۲۳ پناهنده از مرزهای اشغال شده بیرون رانده می‌شدند!

اگر این آمار را به تعداد آوارگان جنگ سال ۱۹۴۸ میلادی اضافه کنیم جمعیت آنها از ۱،۳۶۴،۴۱۹ نفر بیشتر می‌شود.

۱- مجله حضاره الاسلام: شماره ۱۰، سال هشتم، صفحه ۹۵، نقل از بیانیه انجمن عالی سازمان پناهندگان بین‌الملل.

غلوب پاشا می نویسد:

در سال ۱۹۴۸ میلادی حدود یک میلیون عرب از فلسطین و شهرهای خود رانده شدند، با وجود آنکه اسرائیلی‌ها می‌گویند رؤسای عربها به آنها دستور داده بودند که عربها را از شهرهای خود خارج کنند، نام این رؤسا هنوز مشخص نیست. اگر فرض کنیم آنها طبق دستور رؤسا و با میل و رغبت خویش از فلسطین خارج شدند، بدون تردید آنها دارای خانه، تجارت زمین، املاک، ماشین و... بودند، پس به چه دلیل از بازگشت آنها جلوگیری نمودند؟

فرانسه در سال ۱۹۴۰ میلادی به تصرف آلمان درآمد، هزاران فرانسوی نیز فقط با لباسهایی که به تن داشتند از کشور خارج شدند ولی پس از جنگ کسی به آنها نگفت شما نمی‌توانید به شهرهای خود باز گردید در صورتی که آوارگان فلسطین که در سال ۱۹۴۸ میلادی از شهرهای خود رانده شدند هنوز به آنها اجازه بازگشت داده نشده و ۱۹ سال است^۱ که تعداد بی‌شماری از آنها در خیمه‌های پاره به سر می‌برند!

جنگهای بسیاری در این قرن به وقوع پیوسته که در بیشتر آنها ملتی قصد گسترش و تجاوز به ملتی دیگر را داشته است ولی تصور نمی‌کنم از قرنهای گذشته تا به حال چنین جنگی اتفاق افتاده باشد که مردمی را از شهر و خانه خود بیرون کند و به جای آن ملت دیگری را که با صاحبان اصلی آن تفاوت زیادی دارند، سکونت دهد.

اگر هیتلر چنین برخوردی را نسبت به یهود انجام داده باشد (طبق گفته یهودیها) هیچ مجوزی نمی‌بینم که یهود حق داشته باشند عقوبت آن را بر گروه دیگری وارد سازند.

۱- ۱۹ سال در زمان تألیف، که اکنون حدود ۵۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد.

مقاومت جهانی در مقابل تجاوز

اکنون وظیفه ما چیست؟

در دنیایی که قانون جنگل بر آن حکومت می کند و سازش ناجوانمردانه شرق و غرب پنجاه هزار مسلمان بی گناه را به خاک و خون می کشد، خانه های مردم را ویران کرده و سرزمینهای مسلمانان را به اشغال یهود درمی آورد و دوباره صدها هزار نفر را آواره می کند، در دنیایی که سازمان ملل آن توسط دولتهای بزرگ اداره می شود و از محکوم نمودن متجاوزین خودداری می کند، در چنین دنیایی وظیفه اسلامی مردم مسلمان این است که فریب دلسوزیهای ریاکارانه این و آن را نخورند و با تمام نیروی موجود در مقابل این تجاوز به پا خیزند تا زمینهای غصب شده اسلامی را از تبهکاران بین المللی پس بگیرند^۱.

به امید آن روز!

سیزدهم محرم الحرام ۱۳۸۸ هجری قمری

محمد هادی مدرسی

۱- مقاله آقای خسرو شاهی در مجله مکتب اسلام: شماره ۹، سال هشتم، صفحه ۷۱.

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 وَلَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

در این مطلب شکی نیست، تنها مکتبی که می تواند انسان را به سعادت دنیا و آخرت و آرمانهای جهانی در راه آزادی و مساوات برساند دین مقدس اسلام است.

آری! این مکتب اسلام است که می تواند به نیازمندیهای روحی و جسمی انسانهای این دوره پاسخ دهد و جهانی آرام و سرشار از صلح و عدالت را به ارمغان بیاورد.

البته هنوز این حقیقت برای همه روشن نشده است، به همین دلیل مسلمانان باید در راه تبلیغ تعالیم والای اسلامی همتی بیش از پیش گمارند و آنها را به جهانیان برسانند و کسانی که این مسئولیت خطیر را بر عهده دارند باید: در درجه اول: مطالب اسلامی را مورد مطالعه دقیق قرار داده و به مرحله درک آن مطالب رسیده باشند.

در مرتبه دوم: مطالعاتی در مورد مکتبهای جدید و قدیم داشته باشند.

در درجه سوم: به علتهای برتری قانونهای اسلام نسبت به قانونهای غیراسلامی پی برده و نسبت به آنها شناخت کافی داشته باشند.

همچنین از اقتصاد اسلامی و چگونگی اقتصاد سوسیالیسم و کاپیتالیسم اطلاعات کافی داشته و برتری اقتصاد اسلامی را با مطالعه‌های فراوان درک کرده، بتواند کتابهای تحقیقی نیز در این زمینه تألیف نمایند.

عقیده ما مسلمانها این است که برای هدایت افرادی که بر کفر و انکار خود باقی مانده و هنوز نتوانسته‌اند به حقیقت اسلام پی ببرند و همچنین گسترش صلح جهانی، یکی از بهترین راهها نشر دین مقدس اسلام است.

شاید نخستین گامی که باید برداشته شود، تألیف کتابها و جزوه‌های سودمندی پیرامون اسلام و دیگر آیین‌ها و مکتبهای جهان باشد، کتابهایی نیز پیرامون برتری احکام اسلام باید تألیف و سپس در دسترس همگان قرار بگیرد.

کتاب حاضر نیز پاسخ مختصری است به سؤلهایی مانند یهود کیست؟ و یهود چه می‌کند؟

کتاب حاضر چهارمین کتاب از سلسله کتابهای مقایسه بین اسلام و ادیان و مبادی می‌باشد که تاکنون به زیور طبع آراسته گردیده.

۱- ماذا فی کتب النصارى^۱

۲- موقوف الاسلام من الاحزاب

۳- بین الاسلام و دارون

شاید تفکر برخی اینچنین باشد که دنیای کنونی ما به اندازه‌ای گرفتار کفر و مادی‌گری شده است که دیگر کار از کار گذشته و به هیچ وجهی نمی‌توان حرکات غیرانسانی و وحشیانه آنها را جواب داد و فعالیت‌های مسلمانان دیگر ثمربخش نخواهد بود.

ولی برخلاف تفکر اینگونه افراد، ما می‌بینیم جهان از حل مشکلات خویش در ناتوانی به سر می‌برد و یأس و ناامیدی، افسردگی و نگرانی دنیا را تحت فشار قرار

۱- ترجمه فارسی این کتاب به نام خرافه در کتب مسیحیان به چاپ رسیده است.

داده است و تنها آیینی که می‌تواند تمامی این مشکلات را به بهترین وجه حل نماید مکتب اسلام است.

آنچه در این زمینه لازم است کوشش و جدیت هر چه بیشتر مسلمانان برای معرفی صحیح اسلام به جهانیان است تا جهان به مواد مخدوری که در دست گرفته، پی برده و به سوی اسلام توجه نماید، همان گونه که مردم زمان جاهلیت پس از آنکه به جهل خود پی بردند دسته دسته به سوی اسلام ایمان آوردند.

﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾^۱

و در آن روز مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند (و تو را به رسالت تصدیق می‌کنند).

جهان کنونی تجربه‌های تلخی از مذهبهای مسیحی، یهودی، بودایی و هندو، همچنین کمونیسم، امپریالیسم و دیکتاتوری کسب نموده است و در نهایت فریاد می‌زند:

به وسیله همه داروها مداوایم کردید ولی مرا از این درد نجاتی نیست! اکنون آیا نجات دهنده‌ای وجود دارد؟

در این مرحله نوبت اسلام است که نقش خویش را ایفا کند و این سؤال دردمندانه را پاسخی شفافبخش دهد. من برعکس بسیاری از مسلمانان بر این اعتقاد هستم که دنیای کنونی به اسلام روی می‌آورد، آن هم چه روی آوردنی! اکنون کشورهای اسلامی باید از خواب غفلت بیدار شده، سایه بیگانگان را از سر خود کوتاه و غبار استعمار را از سر و صورت مسلمانان پاک نمایند همان گونه که در سالهای گذشته شاهد اتحاد دو کشور بزرگ اسلامی یعنی اندونزی و پاکستان بودیم که در نتیجه دو بیست میلیون مسلمان دست در دست یکدیگر داده، اخوت اسلامی را به صحنه نمایش گذاردند.

کشورهای اروپایی نیز در این رابطه آغوش باز کرده، از اسلام استقبال شایانی می‌نمایند و همان گونه که همه روزه در مجله‌ها و روزنامه‌های دینی مشاهده می‌شود، روز به روز مسجدی جدید در یکی از شهرهای اروپایی بنا می‌شود و دهها نفر مسیحی، یهودی، مادی و کمونیسم هدایت شده، به اسلام روی می‌آورند.

آیا این موارد، دلیل پیشرفت روز افزون اسلام و نشانه‌هایی از بیداری مردم جهان نسبت به این مکتب انسان‌ساز نیست؟

همان گونه که قبلاً ذکر شد این کتاب به سؤالهای یهودی کیست و چه می‌کند؟ پاسخ می‌دهد، با توجه به اینکه منظور ما در این کتاب، احتیاج به روش جدیدی در مبارزه دارد، چه بسا افرادی باشند که این روش از مبارزه را قبول نداشته یا مسخره کنند ولی ما نباید از این حقیقت که یهود یکی از کوچک‌ترین ملت‌های جهان است غافل شویم و طبق عقیده یهودیها یهودیت فقط مخصوص بنی اسرائیل است.

اگر کسی بخواهد وارد دین یهود شود از جانب یهودیها با مشکل روبرو می‌شود و خلاصه یهود بر خلاف تمام آیین‌های زنده جهان، (به جهت خودخواهی که در وجود آنها می‌باشد) هیچ راه پیشرفت و تقدم مذهبی ندارند.

بنابراین گذشته از مبارزات منفی باید مبارزه‌ای مثبت نیز داشته باشیم، یعنی باید گروه یا جمعیتی برای هدایت نمودن یهودیها تشکیل شود، شاید روی آوردن بزرگان و ثروتمندان یهود به دین اسلام بسیار مشکل بلکه غیر ممکن به نظر برسد ولی باید به فکر توده یهودیت بود که ممکن است هدایت شوند. این فکر و اندیشه روش جدیدی از مبارزه مسلمانان به شمار می‌رود و به خصوص در شهرهای اروپایی که از آزادی بیشتری بهره می‌برند باید هرچه بیشتر تقویت شود.

بدون شک، هدایت شدن یک یهودی بیش از هر عمل منفی و مبارزه‌ای مفید خواهد بود زیرا با هدایت و مسلمان شدن یک یهودی می‌توان گفت که ملت یا

کشوری از نابودی و هلاکت نجات یافته است زیرا فردی هدایت شده است که ممکن بود ملّتی را نابود یا کشوری را به خاک و خون بکشد!

توجه به این نکته لازم است که گرچه در حال حاضر یهود نیرو و توان فراوانی از خود نشان می‌دهند ولی این قدرت و نشاط آنها از روی استقلال نیست بلکه وابسته به پشتیبانی و کمکهای دولتهای خارجی است^۱ که مسلماً چنین کمکهایی پایدار و دائمی نخواهد بود و روزی به پایان می‌رسد و دوباره جهانیان شاهد دوران ذلّت بار یهود خواهند بود! و این زمانی است که هدایت شدگان یهودی دست به کار شده و در راه هدایت ملّت خود به راه صحیح کوشش خواهند کرد. من نمی‌گویم در راه ریشه کن نمودن یهود از سرزمینهای اسلامی مانند فلسطین از هیچ گونه سلاحی استفاده نشود زیرا طبق فرمایش قرآن کریم باید در مقابل دشمن تا جایی که می‌شود قدرت و توان خود را زیاد نمود:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ..﴾^۲

با وجود همه این مسائل باید مؤسسه‌ای نیز برای تبلیغ دین اسلام و هدایت یهود تأسیس شود تا مبارزه‌ای که مسلمانان صدر اسلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پیش گرفته بودند باز هم انجام شود تا این ماده فساد که پیوسته باعث هلاکت و بدبختیهای بشر بوده است به ملّتی کاملاً مفید و سربلند تبدیل شود.

محمد شیرازی - کربلای مقدس

۱- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحِجَلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبِأَوْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ...﴾ آنها محکوم به ذلّت و خواری هستند و به هر جا متوسّل شوند مگر به دین خدا و عهد مسلمانان و آنان پیوسته اسیر بدبختی و ذلّت شدند...، سوره آل عمران: آیه ۱۱۲.

۲- و شما (ای مومنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا سازید و تا اندازه ای که می‌توانید از آذوقه، ابزار جنگی و اسبان سواری برای مقابله و تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آورید ...، سوره انفال: آیه ۶۰.

معرفی یهود

۱- حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام مانند حضرت نوح علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از پیامبران بزرگوار الهی و اولوالعزم می باشد که برای هدایت اهل زمین مبعوث شده است.

۲- حضرت ابراهیم علیه السلام دو همسر به نامهای هاجر و ساره داشتند که اسحاق فرزند ساره و اسماعیل فرزند هاجر است.

حضرت اسماعیل علیه السلام که خود از پیامبران الهی بوده، جد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشند.

حضرت اسحاق علیه السلام نیز از پیامبران الهی بوده که حضرت یعقوب فرزند ایشان می باشد، حضرت یعقوب دوازده فرزند داشت که چهارمین آنها یهوذا نام دارد.

۳- اسرائیل از دو کلمه اسرا به معنی عبد و ئیل به معنی الله یعنی بنده خدا تشکیل شده که منظور از این کلمه حضرت یعقوب علیه السلام است.

۴- حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که پیامبران ادیان سه گانه جهانی هستند از نسل حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام می باشند، گرچه حضرت عیسی علیه السلام پدر نداشت ولی از طرف مادر به حضرت ابراهیم علیه السلام می رسد.

۵- صهیون (Zion) نام کوهی است در اورشلیم که هیکل سلیمان، مسجد الاقصی و صخره بر آن بنا شده و نام این کوه در چند جای عهدین ذکر شده است.^۱

۶- یهودیهایی که اکنون در فلسطین یا اسرائیل سکونت دارند از جهت آنکه به یهوذا فرزند حضرت یعقوب علیه السلام می‌رسند، یهود نام گرفته‌اند و چون از فرزندان یعقوب علیه السلام هستند، بنی اسرائیل یعنی فرزندان اسرائیل نیز نامیده می‌شوند، گاهی نیز به آنها صهیونی گفته می‌شود به دلیل سکونت آنها در نزدیکی کوه صهیون.

فلسطین

فلسطین نام سرزمینی است در شرق ادنی^۲ که از شمال به لبنان، از شرق به سوریه و اردن هاشمی، از غرب به دریای مدیترانه و از طرف جنوب به مصر می‌رسد.

به دلیل اینکه در این سرزمین آثار باستانی و مذهبی بسیاری از یهود، مسیحیان و مسلمانان وجود دارد، همیشه در طول تاریخ بر سر آن جنگ و جدال بوده است. فلسطین تا سال ۱۳۶۳ هجری قمری به دست مسلمانان بود پس از این زمان یهود به پشتیبانی استعمار انگلیس قسمتی از آن را غصب و در آن دولتی به نام اسرائیل تشکیل دادند، قسمت دیگر آن هنوز در دست مسلمانان است که پاره‌ای از اردن هاشمی را تشکیل می‌دهد.

۱- مزامیر ۱۲۲ و صموئیل دوم: فصل پنجم.

۲- نزدیک .

استعمار پس از جنگ جهانی دوم دولت وسیع و دامنه‌دار سوریه را که جزو کشورهای اسلامی عثمانی بود، چهار قسمت نمود:

۱- فلسطین در دست یهود.

۲- لبنان در دست مسیحیان.

۳- اردن هاشمی در دست مسلمانان عرب باقی ماند.

۴- اسکندرونه هم به مسلمانان ترک داده شد.

و بدین ترتیب استعمار توانست بر مسلمانان پیروز شود.

مطلب جالب توجه اینکه لبنان قبلاً جزو کشورهای اسلامی بوده و اکنون بیشتر جمعیت آن نیز مسلمانان هستند، با وجود این کسی اعتراضی نمی‌کند که چرا دولت لبنان باید مسیحی باشد؟!

استعمار نقش مهمی در فلسطین بازی کرد و تلاش فراوانی نمود تا بالاخره موفق شد صدای اسلام را در این سرزمین خاموش سازد! ولی مدتی نگذشت که ناسیونالیسم عربی به پاخواست و با استعمار به مبارزه شدیدی پرداخت، این مطلب نیز ضربه دیگری بود بر پیکر مسلمانان فلسطین! ولی عربها دیر به فکر افتادند زیرا اگر در همان روزهای اولیه همه مسلمانان به پا می‌خواستند گرفتن فلسطین مشکل به نظر نمی‌رسید!

ولی استعمار طبق وعده بلفور^۱ فلسطین را به یهود سپرد و غاصبین را با سر و صداهای بیجا و بی‌مورد، استوار ساخت.

۱- وزیر امور خارجه پیشین انگلستان.

تورات و عهد عتیق

تورات یعنی تعلیم و بشارت، کتابی آسمانی است که بر پیامبر بزرگوار الهی حضرت موسی علیه السلام نازل شده است.

ولی یهود این کتاب را تحریف کرده، خرافات و افسانه‌های زیادی در آن جای دادند به گونه‌ای که اکنون که به صورت یک کتاب خنده‌دار و عجیب در آمده است.

نویسندگان تورات تحریف شده، اشخاص ناشناس و گمنامی هستند که قرآن در مورد آنها می‌فرماید:

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤَا بِهٍ تَمَنَّا قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾^۱

پس وای بر کسانی که از جانب خود چیزی نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک (و متاع ناچیز دنیا) بفروشند، پس وای بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن بدست آرند.

الف) خداوند در نظر یهود

خداوند در کتاب مقدس یهودیها شکل و شمایل عجیب و غریبی دارد. به عنوان مثال در این کتاب آمده است که خداوند مانند انسان است^۲، دارای گیسو و

۱- سوره بقره: آیه ۷۹.

۲- سفر پیدایش: اصحاح اول، آیه ۳۶.

لباس^۱ و دو پا^۲ که مانند انسان نیز راه می‌رود^۳، از آسمان به زمین فرود آمده هر کجا که بخواهد می‌رود، مکانی را برای سکونت و زندگی خویش قرار می‌دهد^۴، این خدا آنقدر نادان است که بدون نشانه نمی‌تواند خانه مؤمنان را از خانه کفار تشخیص دهد^۵ و نسبت به بسیاری از امور بی‌اطلاع است^۶، پیمان خود را می‌شکند^۷، از عمل خویش پشیمان می‌شود^۸، گاهی نیز بر کاری که انجام داده اندوهگین می‌شود^۹، با انسان کُشتی می‌گیرد^{۱۰}، در همان زمانی که سه تا است، یکی است، یعنی هم یگانه است و هم سه گانه^{۱۱}، مار از او راستگوتر است یعنی مار صحیح و خدا دروغ می‌گوید^{۱۲}، از آسمانها به زمین آمده بین کلام مردم تفرقه می‌اندازد^{۱۳} چون از وحدت کلام بنده‌ها می‌ترسد^{۱۴}، کلامی می‌گوید و سپس تغییر می‌دهد^{۱۵}، این صفات خداوندی است که یهود در کتاب مقدس تورات! به آن عقیده دارد.

۱- سفر دانیال: اصحاح هفتم.

۲- سفر خروج: اصحاح بیست و چهارم.

۳- سفر پیدایش: اصحاح سوم.

۴- سفر خروج: اصحاح ۱۹ - مزمور ۱۳۲، آیه ۱۳.

۵- سفر خروج: اصحاح دوازدهم، آیه ۱۲.

۶- سفر پیدایش: اصحاح سوم

۷- سموئیل اول: اصحاح دوم، آیه ۳۰.

۸- سموئیل اول، اصحاح ششم، آیه ۶.

۹- سفر پیدایش: باب ششم.

۱۰- سفر پیدایش: باب ۳۴.

۱۱- سفر پیدایش: اصحاح ۱۸، آیه اول - اصحاح ۱۹، آیه اول.

۱۲- سفر پیدایش: اصحاح سوم، آیه ۳۰.

۱۳- مانند شعار (تفرقه بیانداز و حکومت کن) که استعمار پیشه خود کرده است.

۱۴- سفر پیدایش: باب ۱۱، آیه ۱۱.

۱۵- سفر پیدایش: اصحاح شهاب ۱۱، آیه ۱۱.

ولی خداوند جهان از همه این خرافات پاک و دور است، نه جسم است و نه عوارض جسمی بر او عارض می شود، همیشه راست می گوید و هیچ وقت پیمان شکنی نمی کند، تمام اعمالش از روی دانایی، خرد و حکمت است، هیچ گاه اندوهگین و محزون نمی شود، یگانه است و شریک ندارد و پیوسته خیرخواه مخلوقات است.

ب) پیامبران در نظر یهود

پیامبران الهی در این (کتاب مقدس تحریف شده) دست کم از خدایان آن ندارند، به عنوان مثال:

۱- همان گونه که به حضرت داوود علیه السلام نسبت داده اند، آنها مرتکب زنا می شوند.^۱

۲- همان گونه که به حضرت لوط علیه السلام نسبت داده اند، آنها با دختران خود نیز مرتکب زنا می شوند.^۲

۳- همان گونه که به حضرت داوود علیه السلام نسبت داده اند آنها مردم را فریب داده، به کشتن می دهند و زنانشان را به ازدواج خود در می آورند.^۳

۴- با خداوند گُشتی می گیرند و نبوت و پیامبری را به زور از خداوند می گیرند. این نسبت ناروا را به حضرت یعقوب علیه السلام داده اند.^۴

۱- سموئیل دوم: اصحاح ۱۱، آیات متفرقه.

۲- سفر پیدایش: اصحاح ۲۹.

۳- سموئیل دوم: اصحاح ۱۱.

۴- سفر پیدایش: اصحاح ۲۹ و ۳۲.

- ۵- کارهایی که خداوند نهی کرده انجام می‌دهند، قلبهایشان به بتها میل دارد و برای پرستش بتها بتکده می‌سازند. این اعمال را به حضرت سلیمان علیه السلام نسبت داده اند.^۱
- ۶- خداوند می‌خواهد آنها را بگشود زیرا آنها ستمکار هستند و به کشتن کودکان، افتادگان و گاو و گوسفندان فرمان می‌دهند، همچنین با خداوند درشتی و خشونت می‌کنند که این موارد را به حضرت موسی علیه السلام نسبت داده‌اند.^۲
- ۷- سالهای زیادی میان مردم بدون لباس و با پای برهنه راه می‌روند، این عمل را به حضرت اشعیا^۳ علیه السلام نسبت داده‌اند.^۴
- ۸- به گردنهای خویش بند و یوغ می‌بندند که این عمل را به حضرت ارمیا علیه السلام نسبت داده‌اند.^۵
- ۹- خداوند به آنها دستور می‌دهد نانی که به نجاسات انسانی آلوده شده است را بخورند و موهای سر و صورت خود را بتراشند که این اعمال را به حضرت حزقیال علیه السلام نسبت داده‌اند.^۶
- ۱۰- خداوند به آنها دستور می‌دهد زن زنازاده‌ای را به ازدواج خود درآورند همان گونه که حضرت هوشع علیه السلام به این دستور خداوند عمل نمود.^۷

- ۱- اول پادشاهان: اصحاح ۱۱ - اول پادشاهان: اصحاح ۱۱ آیه ۱ - اول پادشاهان: باب ۱۱.
- ۲- سفر خروج: اصحاح چهارم، آیات متفرقه - اعداد اصحاح ۳۱، آیات متفرقه - سفر خروج: اصحاح ۳۲، آیه ۳۱.
- ۳- اشعیا نام یکی از پیامبران بنی اسرائیل است.
- ۴- سفر اشعیا: باب ۲۰، آیه ۲.
- ۵- سفر ارمیا: باب ۲۷، آیه ۱.
- ۶- سفر حزقیال: اصحاح ۴ و ۵، آیات ۱۲ و ۱.
- ۷- سفر هوشع: اصحاح اول.

۱۱- مردم را به پرستش بت تشویق نموده و خودشان نیز بت می سازند، همان

گونه که حضرت هارون علیه السلام این عمل را انجام داد.^۱

۱۲- از راه زنا متولد شده‌اند چنانچه به حضرت یفتاح علیه السلام این نسبت

ناروا را داده‌اند.^۲

۱۳- همان گونه که حضرت نوح علیه السلام اینگونه بود، شراب می نوشند،

مستی می کنند و دروغ می گویند.^۳

این است صفات و ویژگیهای پیامبران الهی از دیدگاه عهد عتیق!

آری، یهود این صفات زشت را به پیامبران الهی: نسبت می دهند تا بدین وسیله

میدان گناه برای خود آنها باز باشد و دامن خود را از هر گونه گناه و آلودگی

پاک نمایند، یعنی اگر مرتکب زنا شدند، شراب نوشیدند، دروغ گفتند یا عهد و

پیمان شکستند کسی حق اعتراض به آنها نداشته باشد و نتواند آنها را سرزنش کند

زیرا در کتاب آسمانی آنها پیامبران الهی تمام این اعمال زشت را انجام داده‌اند و

اگر کسی به آنها اعتراض کرد، می گویند: مگر پیامبران خدا چنین نمی کردند؟! ما

هم این اعمال را از آنها آموخته و انجام می دهیم!

ولی انبیاء اولوالعزم: از نظر عقل و منطق از تمامی این دروغها و افسانه‌ها پاک و

دور می باشند زیرا آنها معصوم بوده و مرتکب هیچ عمل زشتی نمی شوند.

در اینجا لازم است برای معرفی هرچه بهتر یهود به گوشه‌هایی از کتاب عهد

عتیق توجه فرمایید:

۱- سفر خروج: باب ۳۲.

۲- سفر داوران: باب ۱۱، آیه ۱.

۳- سفر پیدایش: اصحاح ۹ - اول پادشاهان: اصحاح ۱۳، آیه ۱۱.

الف) پستی و بی‌عفتی یهود

ابرام^۱ به طرف جنوب کوچ کرد، به مصر رسید در حالی که تمام آن سرزمین را قحطی فرا گرفته بود، چون ابرام و همسرش سارا به نزدیکی مصر رسیدند، به همسرش گفت: نزد مردم مصر خود را خواهر من معرفی کن تا از این جهت اتفاق بدی برای من رخ ندهد و من در امنیت کامل باشم زیرا تو بسیار زیبا و خوش‌منظر هستی، به همین دلیل آنها مرا به قتل رسانده و تو را زنده نگاه می‌دارند. وقتی ابرام وارد مصر شد امرای فرعون و مردم مصر آن زن را در کمال زیبایی دیدند، آنها او را در حضور فرعون ستودند و به خانه فرعون بُردند، به ابرام نیز احسان نمودند و به او هدایایی مانند میش، گاو، گوسفند، کنیز و شتران دادند، در این هنگام خداوند فرعون و اهل خانه‌اش را به سبب سارا (همسر ابرام) به بلای سختی مبتلا نمود. فرعون ابرام را به حضور طلبید و گفت: این چه عملی است که نسبت به من روا داشتی؟ چرا مرا خبر ندادی که او زوجه تو است؟ چرا گفتی او خواهر من است که او را به زنا گرفته‌ام؟ اکنون زوجه خود را برداشته و برو. آنگاه فرعون به اطرافیان خود دستور داد ابرام را با همسرش و تمام اموال و دارایی که به او داده بودند رها کنند.^۲

هنگامی که انسان اینگونه مطالب را در (تورات) این کتاب مقدس یهود مشاهده می‌کند متوجه می‌شود که دولت اسرائیل زنا را یک عمل قانونی و شرافتمندانه به حساب می‌آورد! چرا که پیامبر بزرگوار آنها (ابرام) برای چند رأس گاو و گوسفند همسر خود را تقدیم فرعون کرده است!؟

۱- حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام.

۲- سفر پیدایش: آیه ۹.

ب) طمع یهود

خداوند ما یهوه، ما را در حوریب مورد خطاب قرار داد و گفت: توقف شما در این کوه کافی است. ما نیز به فرمان او کوچ کرده و به سوی کوهستان اموریان و جمیع حوالی آن از عربه، هامون، جنوب و کناره دریا یعنی زمین کنعانیان، لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد رفتیم، خداوند نیز اجازه ورود داد و گفت: اکنون زمین را پیش روی شما گذاشتم، وظیفه شما این است که وارد این سرزمین شوید.

این مکان همان زمینی است که خداوند در اختیار پدران شما (ابرام، اسحاق و یعقوب) قرار داد و قسم یاد نمود که آن را به تصرف فرزندان و نسل آینده شما درآورد.^۱

ج) بی رحمی و سنگدلی یهود

آنگاه قوم صدا زدند و گُرناها را نواختند، هنگامی که مردم آواز گُرنا را شنیدند به آواز بلند فریاد زدند حصارهای شهر فرو ریخته است، هر کس توانست به شهر اریحا آمد تا اینکه مرد و زن، پیر و جوان حتی حیوانات را از دم شمشیر گذراندند، شهر را به آتش کشیده، طلا و نقره و تمامی اسباب و اثاثیه و ظروف قیمتی را به خزانه خانه خدا بردند.^۲

۱- سفر تثئیه: باب اول، آیه ۶.

۲- صحیفه یوشع: باب ششم، آیه ۲۰.

هنگامی که به نزدیک‌ترین شهر رسیدی ابتدا با صلح و صفا رفتار کن، در صورتی که مردم با روی باز به استقبال تو آمدند و دروازه شهر را به روی تو و یارانت گشودند و مالیات و جزیه پرداختند با آنها رابطه‌ای براساس صلح و صفا برقرار کن ولی اگر به تندی با تو رفتار نمودند و از دستورات تو سرپیچی کردند آن شهر را به فرمان خدایت یهوه محاصره کن، زنان و مردان و اطفال را به قتل برسان و اموال آنها را به تاراج ببر، خدایت یهوه اجازه می‌دهد با مردم تمام شهرهایی که از تو دورند و از این امتهای نیستند چنین رفتاری داشته باشی، در ادامه میان امتهایی که خدایت یهوه به مالکیت تو درآورده است هیچ جانداری را زنده نگذار، بلکه ایشان را یعنی حتیان، اموریان، کنعانیان، فرزینان، حویان و یئوسیان را چنانکه خدایت یهوه به تو دستور داد هلاک ساز^۱. بسیار استوار و محکم باش و در هر شهری که با تو جنگ می‌کنند سنگری بنا کن تا آن شهر به کلی نابود شود^۲.

خداوند باعث فرار کردن ایشان از اسرائیل شد و بسیاری از آنها را در جبعون به قتل رسانید، عده‌ای را نیز دنبال نمود تا فرار کردند ولی تا عزیمت و مقیده به دنبال آنها رفت تا آنها را به قتل رسانید.

در آن روز بود که یسوع مقیده را محاصره نمود و همه مردم شهر را نابود کرد تا اینکه دیگر جانداری در آن شهر باقی نماند، همان گونه که یسوع و همه بنی اسرائیل از مقیده به لبنه رفتند و با مردم لبنه جنگ کردند، خداوند لبنه را نیز با پادشاهش تسلیم اسرائیل نمود، پس آن و همه کسانی که در لبنه بودند را قتل‌عام نمود و کسی را زنده نگذاشت و همان گونه که با پادشاه اریحا رفتار نمود با پادشاه لبنه نیز رفتار کرد، یسوع با همه بنی اسرائیل از لبنه حرکت کردند و به

۱- سفر تثنیه: اصحاح بیستم، آیه ۱۰.

۲- همان مدرک: آیه ۲۰.

الخیش رسیدند، در مقابل آن اردو زده و با ساکنان آن جنگ کردند و خداوند الخیش را نیز تسلیم بنی اسرائیل نمود و آن را در روز دوم تسخیر نمود، همه کسانی هم که در آن بودند، به قتل رسانید همان گونه که با افراد لینه رفتار کرده بود. در آن وقت بود که هورام پادشاه جاذر برای کمک کردن به الخیش آمد، یسوع نیز او و قومش را شکست داد به اندازه‌ای که کسی را زنده نگذاشت، یسوع با همه بنی اسرائیل از الخیش به عجلون رفتند و در مقابل آن اردو زدند، سپس با ساکنان آن جنگ کردند و در روز اول آن را گرفته و همه مردم را به قتل رساندند همان گونه که با ساکنین الخیش رفتار کرده بودند.

یسوع با همه بنی اسرائیل از عجلون به حبرون رفت و با ساکنان آن جنگ کرد و آن را با پادشاه و همه شهرها و ساکنین آنها به قتل رساند، همان گونه که با ساکنین عجلون رفتار کرده بود، یسوع با همه بنی اسرائیل به دبیر برگشت و با ساکنین آن جنگ کرد آن را با پادشاه و همه شهرهایش گرفت و ایشان را به قتل رسانید، همان گونه که با ساکنین حبرون رفتار کرده بود پس یسوع همه آن زمین، یعنی کوهستان و جنوب و هامون و جمیع پادشاهان آنها را به قتل رسانید و هر جاننداری را هلاک کرده، همان گونه که یهوه خدای اسرائیل به او دستور داده بود!

تلمود

خاخامهای یهودی تا به حال شرحها و تفسیرهای گوناگونی بر تورات

نوشته‌اند که همه آنها را خاخام یوخاس در سال ۱۵۰۰ میلادی جمع‌آوری نمود و با چند کتاب دیگر که در سالهای ۲۳۰ و ۵۰۰ میلادی نوشته شده بود به نام تلمود^۱ تألیف و چاپ نمود.

این کتاب نزد یهود بسیار مقدس و هم‌ردیف تورات و عهدعتیق قرار دارد.^۲ برای اینکه بیشتر به خودپرستی و آرمانهای ضد انسانی یهود پی ببریم توجه خوانندگان محترم را به برخی از عبارات این کتاب (تلمود) جلب می‌کنیم:^۳

الف) هر روز دوازده ساعت است:

که در سه ساعت اول روز خداوند شریعت را مطالعه می‌کند.
در سه ساعت دوم روز احکام صادر می‌نماید.
در سه ساعت سوم روز رزق و روزی مردم را می‌دهد.
در سه ساعت آخر روز هم با حوت دریا که پادشاه ماهیها است بازی می‌کند.
زمانی که خداوند دستور داد هیکل را خراب کنند مرتکب اشتباه شد، سپس به اشتباه خود اعتراف نموده، گریه کرد و گفت: وای بر من که دستور دادم خانه‌ام را خراب کنند، هیکل را بسوزانند و فرزندانم را تاراج نمایند.
خداوند چون یهود را به این حالت رها کرده سخت پشیمان است، به اندازه‌ای که هر روز به صورت خود لطمه می‌زند و زار زار گریه می‌کند گاهی نیز از چشمانش دو قطره اشک به دریا می‌چکد و چنان صدایی می‌کند که همه اهل

۱- تلمود به معنای تعلیم دیانت و آداب یهود می‌باشد.

۲- بلکه از تورات هم با ارزش‌تر است زیرا گرافت می‌گوید: بدانید که گفتار خاخام از گفتار پیامبر نیز بالاتر است.

۳- مطالبی که در این فصل ذکر می‌شود برگرفته از کتاب خطرالیهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه تألیف عبدالله التل می‌باشد، که او نیز از کتاب الكنز المرصود فی قواعد التلمود تألیف دکتر روهلبخ ترجمه یوسف نصرالله، چاپ بغداد ۱۸۹۹ میلادی نقل نموده است.

جهان صدای گریه او را می شنوند و در اثر آن آبهای دریا به تلاطم و زمین به لرزه درمی آید.

هرگز خداوند از کارهای ابلهانه، خشم و دروغ بر کنار نیست.

ب) برخی از شیطانها فرزند آدم هستند زیرا آدم همسری داشت از شیاطین به نام لیلیث که ۱۳۰ سال همسر وی بود در نتیجه برخی از شیاطین از نسل او متولد شدند!!

حواء در این ۱۳۰ سال هرچه فرزند به دنیا آورد از شیاطین بودند زیرا او همسر یکی از شیاطین شده بود.

انسان می تواند شیطان را به قتل برساند، به شرط اینکه خمیر نان عید را نیکو به عمل آورد.

پ) روح یهودیها از روح دیگران افضل است زیرا ارواح یهود جزو خداوند می باشند همان گونه که فرزند جزو پدرش می باشد. روحهای یهود نزد خدا عزیزتر است زیرا ارواح دیگران شیطانی و مانند ارواح حیوانات می باشند. نطفه غیر یهودی مثل نطفه حیوانات است!

ت) بهشت مخصوص یهود است و هیچ کس به غیر آنها داخل آن نمی شود ولی جهنم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است و غیر از گریه و زاری چیزی نصیب آنها نمی شود زیرا زمینش از گل و بسیار تاریک و بدبو است.

پیامبری به نام مسیح نیامده است و تا حکم اشرار (غیر یهود) نابود نشود، ظهور نخواهد کرد. زمانی که او بیاید زمین خمیر نان و لباس پشمی می رویاند، در این هنگام است که سلطه و پادشاهی یهود بازگشته و همه ملتها در خدمت مسیح درمی آیند!

در آن زمان است که هر یهودی دو هزار و هشتصد برده و غلام در اختیار خواهد داشت.

ج) بر هر یهودی لازم است که ملکهای دیگران را خریداری کند تا آنها صاحب ملکی نباشند و همیشه سلطه اقتصادی با یهود باشد.

اگر زمانی غیریهودی بر یهود تسلط پیدا کند یهود باید به حال خود گریه کند و بگوید: وای بر ما این چه ننگی است که ما زیر دست و جیره خوار دیگران شده ایم.

قبل از آنکه یهود نفوذ و سلطه کامل خود را به دست آورد، لازم است جنگ جهانی برپا شود و ۲۳ بشر نابود شوند سپس یهود طی هفت سال اسلحه های جنگ را می سوزاند و دندانهای دشمنان بنی اسرائیل به مقدار بیست و دو ذرع^۱ از دهانشان بیرون خواهد آمد.

زمانی که مسیح حقیقی پا به عرصه وجود گذارد یهود به اندازه ای ثروت خواهد داشت که کلید صندوقهایشان را بر کمتر از سیصد الاغ نمی توان حمل کرد!

کشتن مسیحی از واجبات مذهبی یهود است و پیمان بستن با چنین شخصی ما را ملتزم به اداء نمی کند.

رؤسای مذهب مسیح و تمامی دشمنان یهود باید روزانه سه مرتبه لعن شوند.

یسوع ناصری که ادعای پیامبری نمود و مسیحیان فریب او را خوردند، با مادرش مریم که وی را از مردی به نام باندار به زنا متولد نموده بود، در آتش جهنم خواهند سوخت.

کلیساهای مسیحیان که در آن سگهای آدم نما به صدا درمی آیند همچون زباله خانه می مانند.

۱- حدود هزار و سیصد و بیست برابر دندانهای عادی!

د) یک فرد اسرائیلی نزد خداوند بیش از ملائکه قدر و منزلت دارد. اگر غیر یهودی یک یهودی را بزند چنان است که به عزت الهیه جسارت کرده و جزای او غیر از مرگ چیز دیگری نیست و باید او را به قتل رسانید.

اگر یهود نبود برکت از روی زمین برداشته، آفتاب ظاهر نمی شد و هرگز باران نمی بارید.

همان گونه که انسان بر حیوانات فضیلت دارد یهود نیز بر ملت‌های دیگر فضیلت دارد.

نطفه غیر یهودی همچون نطفه اسب است.

بیگانگان مانند سگ هستند و برای آنها عیدی نیست زیرا عید برای اجنبی و سگ به وجود نیامده است.

سگ از غیر یهودی برتر است زیرا در روزهای عید باید به سگ نان و گوشت داد ولی نان دادن به بیگانگان حرام است.

هیچ نزدیکی و خویشاوندی میان بیگانگان نیست همان گونه که در نسل و خاندان الاغ خویشاوندی نیست.

خانه‌های غیر یهودی همچون طویله است.

بیگانگان دشمن خدا هستند و مانند خوک قتلشان مباح است.

بیگانگان برای خدمت به یهود به صورت انسان آفریده شده‌اند.

یسوع مسیح کافر است زیرا مرتد شد و به عبادت بت پرداخت، هر مسیحی که یهودی نشود بت پرست و دشمن خدا خواهد بود و از عدالت نیز خارج است. اگر انسانی به غیر یهودی کوچک‌ترین ترحمی روا دارد عادل نیست.

غش و فریب دادن غیر یهودی منع نشده است.

سلام کردن به کفار (کسانی که یهودی نیستند) اشکال ندارد به شرط آنکه در باطن، او را مسخره کرده باشد.

ح) یهود با عزت الهیه مساوی هستند بنابراین تمام دنیا و هر چه در آن است ملک آنها می‌باشد و این حق یهود است که بر آن تسلط کامل یابد. دزدیدن اموال یهودی حرام است ولی در مورد غیر یهودی جایز می‌باشد زیرا اموال دیگران مانند زمینهای بیابان است که هر کس زودتر بر آن دست گذاشت مالک آن می‌شود. یهود مانند زن شوهردار هستند، همان گونه که زن در منزل به استراحت می‌پردازد و شوهر بدون آنکه زن در خارج از منزل کاری انجام دهد، خرجی او را می‌دهد، یهود هم به استراحت پرداخته و باید از حاصل دسترنج دیگران روزی بخورد.

ط) اگر یک یهودی و یک بیگانه شکایتی داشته باشند باید حق را به یهودی داد اگر چه بر باطل باشد.

فریب دادن مأمورین گمرک و قسم دروغ یاد کردن نزد آنها برای شما جایز است زیرا الگوی ما خاخام صموئیل است، از او بیاموزید که چگونه کاسه‌ای از طلا به قیمت چهار درهم از یک بیگانه خریداری نمود، در حالی که فروشنده نمی‌دانست آن کاسه طلا است در چنین شرایطی یک درهمش را نیز دزدید! ربودن اموال دیگران به وسیله ربا مانعی ندارد زیرا خداوند شما را به ربا گرفتن از غیر یهودی امر می‌فرماید.

به غیر یهودی قرض ندهید مگر آنکه در برابر آن قرض نزول بگیرید، در غیر این صورت قرض دادن به غیر یهودی جایز نیست زیرا ما مأموریم به آنها ضرر برسانیم.

حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است چه رسد به اموال آنها! هر گاه غیر یهودی به پول احتیاج داشته باشد به اندازه‌ای باید از او ربا و نزول گرفت که تمام دارایی خود را از دست بدهد.

ی) غیر یهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد، باید به قتل برسد.

نجات دادن غیر یهودی حرام است حتی اگر هم دیدید در چاهی افتاده است باید فوراً سنگی بر در آن چاه بگذارید!

کشتن یک بیگانه مانند قربانی کردن در راه خداوند است.

کمک نمودن یهودی به غیر یهودی گناهی نابخشودنی به حساب می آید.

اگر بیگانه‌ای در دریا در حال غرق شدن باشد، نباید او را نجات داد زیرا همه آن هفت ملّتی که در زمین کنعان بودند و قرار بود یهود آنها را به قتل برساند نابود نشدند بنابراین ممکن است شخصی که در حال غرق شدن است یکی از آنها باشد.

هر چه غیر یهودی دیدید به اندازه‌ای که در توان شماست به قتل برسانید، اگر چنین امری در توان یک یهودی باشد و انجام ندهد مرتکب خلاف شده است. به قتل رساندن مسیحی ثواب دارد حال اگر کسی نمی‌تواند او را بکشد حداقل مقدمات قتل او را فراهم نماید.

اگر یکی از یهود مرتد شود بیگانه به حساب می آید و اعدامش واجب است مگر آنکه برای فریب دیگران مرتد شده باشد.

ك) تجاوز به ناموس غیر یهودی مانعی ندارد زیرا غیر یهود کافر و کفار مانند حیوانات هستند و میان حیوانات زناشویی نیست.

این حق یهود است که زنهای غیر مؤمنه را به زور برباید، زنا و لواط نیز با غیر یهودی عقاب و کیفری ندارد.

اگر کسی در خواب ببیند با مادرش زنا می‌کند حکیم و خردمند خواهد شد و اگر دید با خواهر خود هم‌بستر شده است خداوند نور عقل را نصیب او خواهد کرد.

تسلیم میل نفسانی و شهوات شدن برای یهود مانعی ندارد.

هرگاه یهودی نزد زن خود با زن دیگری زنا کند زن او حق ندارد مانع او شده یا بر علیه او شکایت کند.

لواط با زن جایز است زیرا زن مانند گوشتی است که آن را از بازار خریداری کرده و هر طور که بخواهید آن را تناول می‌نمایید.
 ل) قسم خوردن خصوصاً در معامله با غیر یهود جایز است.
 اصولاً قسم خوردن برای برطرف نمودن نزاع تشریح شده است، اما نه برای بیگانگان زیرا آنها انسان نیستند.

شهادت زور دادن جایز است، همچنین اگر لازم شد می‌توانید بیست قسم دروغ بخورید ولی برادر یهودی خویش را در معرض خطر قرار ندهید.
 بر یهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان را لعن کرده و دعا کنند خداوند آنها را نابود سازد.

بر ما لازم است که با مسیحی مانند حیوان معامله کنیم.
 کلیساهای مسیحیان خانه گمراهان و خراب نمودن آنها واجب است.
 م) ملت برگزیده خداوند ما هستیم، به همین دلیل خداوند برای ما حیواناتی به صورت انسان آفریده است زیرا خداوند می‌دانست که یهود به دو نوع حیوان نیاز دارد، یکی حیوانات بی‌شعور مانند چهار پایان و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان، مسلمانان و بوداییان! برای آنکه بتوانیم از همه آنها به اصطلاح سواری بگیریم خداوند ما را در جهان متفرق ساخته است، به همین دلیل ما باید دخترهای زیبا و خوشکل خود را به ازدواج پادشاهان و وزرا و شخصیت‌های برجسته یهود درآوریم تا به وسیله آنها بر حکومت‌های جهان تسلط داشته باشیم!
 فکر نکنم آنچه نقل کردیم احتیاج به توضیح و تعلیقی داشته باشد زیرا همین مطالب بهترین معرف برای یهود است. همان گونه که مشخص شد یهود حزب

خطرناکی است که برای فریب دادن مردم به صورت مذهب و آیین درآمده است.^۱

ماسونيسم^۲

ماسونيسم^۳ حزبی است مخفی که فقط برای از بین بردن و ریشه کن نمودن ادیان، اخلاق و دولتها از جانب يهود تأسيس شده است. الف) تعريف حزب ماسونيسم^۴:

ماسونيسم حزبی مخفی است که تا به حال کسی از مقررات و قوانين آن اطلاعاتی به دست نياورده و در هيچ کتابی در مورد اين حزب مطلبی نوشته نشده است.^۵

رموز و اشارات ما به لغت مصري فرعونی است که توسط بنی اسرائیل به ما ارث رسیده است.^۶

ب) هدف حزب ماسونيسم:

۱- تمام این تعلیمات در تجاوز اخير يهود در سال ۱۹۶۷ میلادی بر مردم مسلمان عملی گردید و جهانیان شاهد فجایع آن بوده و هستند!

۲- دائرة المعارف بریتانیا

Encyclopaedia Britannica ۱۹۱۱ Masonism

۳- ماسون به معنای بناء می باشد. اصل الماسونیه، تألیف عوض الخوری، صفحه ۳۵.

The origin of Masonism

۴- مطالب این بخش، از کتاب اسرار الماسونیه تألیف ژنرال جواد رفعت ایلخان انتخاب شده است.

۵- الخطب الاربع: محفل السلامه الماسونی.

۶- همان مدرک.

حزب ماسونی نباید به یک یا دو دولت اکتفا نماید بلکه تمام دولتهای جهان را باید تحت سیطره خود درآورد و برای رسیدن به این هدف ابتدا باید دین و علمای دین را که یگانه دشمن ما هستند نابود نماییم.^۱

برادران عزیز، علمای دین می‌خواهند بر امورات دنیوی ما نیز چیره شوند و این وظیفه ما است که تز آزادی مذهب را در اذهان مردم بگنجانیم و آنها را از اطراف علما پراکنده سازیم.

دین که یگانه دشمن بشریت است باید نابود شود زیرا دین باعث جنگها، جدالها، کشتارها و همه کشمکشهای ملتها می‌باشد.

برادران عزیز، تا می‌توانید (قانون) جعل نمایید تا فرصتی برای دستورات و قوانین دینی باقی نماند زیرا آن حاکمیت و بزرگواری که علمای دین داشتند رو به زوال، بلکه در حال حاضر از بین رفته است و در نظر داشته باشید که یگانه هدف ما یکسره نمودن کار دین است.^۲

حزب ماسونی در چند سال اخیر نقشهای مهمی در سیاست اروپا ایفا کرده است.^۳

افراد این حزب نباید به دین خاصی معتقد باشند.^۴
یک ماسونی ممکن است وطن پرست نیز باشد ولی به شرط آنکه قبل از هر چیز به مقررات حزب ماسونی پای بند باشد.

افراد این حزب می‌توانند کارمند دولت، وکیل مجلس یا رئیس جمهور باشند، به شرط آنکه بدون مشورت با مجلس ماسونی کاری انجام ندهند و از هدف این

۱- کنفرانس شرق اعظم: سال ۱۹۲۳ میلادی.

۲- نشریه محفل ماسونی فرانسوی بزرگ: سال ۱۹۲۲ میلادی.

۳- مجله الشرق الكبير.

۴- مذاکرات کنفرانس ماسونی فرانسوی در سال ۱۸۹۷ میلادی.

حزب دور نشوند!^۱

اگر يك ماسونيسم حاكم مملكتى شد ديگر افراد حزب را نيز بايد به مقامات عاليه برساند.^۲

ماسونيسم حزبى مخفى است كه هدفش نشر افكار و عقايد خود و تسلط بر جهانيان است، بنا بر اين اگر گروهى افكار ما را قبول كنند مقدمات راحتى ما را فراهم آورده اند.^۳

ماسونيسم يگانه حزبى است كه با اديان، عقايد و مقدسات دينى به شدت مبارزه مى كند.^۴

هدف ما تاسيس دولتهايى بر پايه انكار خدا است.^۵

يكى ديگر از اهداف ما برپايى نظام جمهورى لامذهب جهانى در دنياست.^۶ براى آنكه بتوانيم تشكيلات خانواده را از بين ببريم ابتدا بايد به اصول اخلاقى لگدى زده، سپس نسلى كاملاً بى دين، بى ناموس و بدون اخلاق تربيت كنيم. البته اين كار مشكل به نظر مى رسد ولى چون ميل به شهوت و لابلالى گرى فطرى و طبيعى است از اين رو شايد چندان هم مشكل نباشد.

اينگونه افراد را بايد با مقامهاى بالايى در حزب فريب داده و با ناهمواريهاى زندگى آشنا سازيم تا از زير بار حزب شانه خالى نكنند.

بر شما لازم است كه آنها را از تشكيل خانواده باز داريد زيرا در غير اين صورت همه سياستها و تدابير ما نقش بر آب خواهد شد.

۱- البناء الماسونى: سال ۱۸۸۹ ميلادى.

۲- كنفرانس محافل ماسونى: سال ۱۸۸۴ ميلادى.

۳- كنفرانس شرق اعظم فرانسوى: سال ۱۹۲۳ ميلادى.

۴- مجله آكاسيا: ايتاليا، سال ۱۹۰۴ ميلادى.

۵- كنفرانسى كه به يادبود اعلاميه حقوق بشر در سال ۱۸۸۹ ميلادى تشكيل شد.

۶- كنفرانس ماسونيسم جهانى: سال ۱۹۰۰ ميلادى.

طبیعت انسان میل زیادی به محرّمات و شهوترانی دارد و این وظیفه ما است که درجه حرارت شهوت را در جامعه بالا ببریم تا یک مرتبه آتش گرفته و به تمام مقدسات خود کافر گردد.

تنها از این راه می توان افراد را جذب نمود و برای ورود در حزب آماده کرد!^۱
انسان باید بر خدای خود چیره شده و علیه او اعلام جنگ کند و آسمانها را مانند ورق کاغذ پاره پاره نماید.^۲

الحاد و شرک به خداوند یکی از مفاخر این حزب است.
زنده باد مردان و زنان دلیری که در صفهای نخستین به اصلاح دنیای خویش پرداختند و منتظر آخرت نشدند.^۳

به زودی دینداران را اعدام خواهیم کرد و بدین وسیله بر عقاید باطل آنها پیروز خواهیم شد.^۴

فراموش نکنید ما از دشمنان حقیقی ادیان هستیم.^۵
یکی از ذخیره های پرارزش بشر این است که پای بند هیچ عقیده ای نمی گردد.
آنچه مردم به آن عقیده دارند از ترشحات فکر و اندیشه های انسان است، مغز انسان است که حقیقت را می تراشد و به خورد دیگران می دهد، ما نیز باید از این حقیقت منتهای استفاده را بنماییم. جمال و زیبایی الحاد در همین است و این خود اساس و ریشه الحاد است.^۶

۱- از سخنرانی ماسونی بزرگ آقای بیکزتو در سال ۱۹۲۱ میلادی.

۲- از سخنرانی لیفرج در سال ۱۹۶۵ میلادی.

۳- انه بانزنت: صفحه ۲، لندن سال ۱۸۸۲ میلادی.

۴- محفل ماسونی بزرگ: سال ۱۹۲۲ میلادی.

۵- مظاهر کنفرانسی ماسونی: سال ۱۹۱۱ میلادی.

۶- جین جیرس: سال ۱۸۹۵ میلادی.

هدف تنها این نیست که بر دینداران غالب شویم بلکه هدف ما نابودی آنها است.^۱

نتیجه جنگی که بر ضد دین آغاز کرده‌ایم، جدایی دین از سیاست خواهد بود.^۲ تمام قوانین سیاسی و اجتماعی را کنفرانسهای ماسونی وضع می‌کنند.^۳ به زودی ماسونیسیم جای ادیان را گرفته و مساجد و معابد تبدیل به محفلهای ماسونی خواهد شد.

وقتی البرت بایک فوت کرد و به جای او آقای لمی به ریاست حزب انتخاب شد، عکس مسیح را بر سر در قصر ماسونیسیم نصب کرد و زیر آن عکس چنین نوشت:

پیش از آنکه این مکان را ترک گوئید بر صورت این شیطان خائن آب دهان بیندازید.^۴

مقدمات انقلاب مارکس مهیا شده است، فقط باید با کارگران هم‌صدا شده، اعلام انقلاب کنیم که حتماً چنین انقلابی پیروز خواهد شد زیرا ما قوه متفکره و کارگران قوه مادی اجتماع می‌باشند، زمانی که این دو قوه با یکدیگر جمع شوند اضطراب و انقلاب بزرگی به وجود خواهد آمد.^۵

افراد حزب ماسونی بیشترین افراد دستگاه حاکمه فرانسه را تشکیل می‌دهند.^۶ آزادی پدران به اصطلاح مقدس مصالح ما را تهدید می‌کند.^۷

۱- مذاکرات کنفرانس ماسونی جهانی: سال ۱۹۰۰ میلادی.

۲- مجله آکاسیا: سال ۱۹۰۳ میلادی.

۳- نشریه دانشگاه فرانسوی نانسی: سال ۱۹۰۳ میلادی.

۴- مشرق ماسونی اعظم.

۵- مجله آکاسیا: سال ۱۹۰۳ میلادی.

۶- کودو وزیر پیشین فرانسوی در کنفرانس ۱۹۶۴ میلادی.

۷- نشریه مشرق اعظم: سال ۱۹۰۳ میلادی.

بزرگان و سالخوردگان را کنار گذاريد و نسل جوان را درياييد، سعی کنید کودکان و نوجوانان را به مجالس خود جلب کنید تا تعاليم حزب را در کودکی بياموزند.^۱

آموخته‌های دوران کودکی هرگز فراموش نمی‌شود و باید افکار خود را در چنین سنی به افراد منتقل نماييم و آنها را دور از دين و مقدسات تربيت کنیم.^۲

پروتکلها^۳

یکی از حیرت انگیزترین، عجیب‌ترین و خطرناک‌ترین کتابهای سیاسی که تاکنون انتشار یافته، کتاب پروتکل‌های حکمای يهود^۴ می‌باشد.

شما با مطالعه این کتاب حتماً متوجه خواهید شد که همین يهود که آنها را مردم سالم و بی‌آزاري فرض کرده بودید، چه تشکیلات خطرناک و زیان‌بخشی دارند.

بنده این کتاب را چندین مرتبه مطالعه کرده‌ام و هر بار که آن را مطالعه نمودم تعجبم افزون‌تر شده است. این کتاب مجموعه‌ای از سخنانیهای یک شخصیت

۱- از تعاليم ماسونيسهای آزاد (Freemasonry).

۲- از تعاليم فيلنی ماسونی.

۳- Protocols of Learned Learned Lidersonofzion.

۴- پروتکل در لغت به معنای صورت مجلس مذاکرات سیاسی، متمم قراردادها و عهدنامه‌های رسمی و مقاله‌نامه‌ها می‌باشد.

برجسته یهودی است که برای چند نفر از ثروتمندان و افراد با نفوذ یهود ایراد کرده است.^۱

پنجه‌های خونین یهود از پشت صفحه‌های کتاب به وضوح آشکار است، صدق گفتار اوسکار لیفی یهودی نیز از این کتاب مشخص می‌شود، او می‌گوید: پادشاه اخلا لگران، فتنه‌انگیزان و جلادان جهان ما هستیم.^۲

اکنون توجه خوانندگان عزیز را به چند پروتکل جلب می‌نمایم، تا چهره واقعی این افعیهای پرنفوذ (که یگانه شعار آنها همان کلامی است که دی اسرائیلی نخست‌وزیر پیشین انگلستان گفته است:

نیرنگ، دروغ و خیانت در راه پیروزی گناه نیست)^۳ برای خوانندگان محترم آشکار شود و از سیاستی که دو جنگ جهانی را برپا نموده و میلیونها انسان را به کشتن داد اطلاعات تازه‌ای به دست آورید.

۱- این کتاب در تاریخ ۱۹۰۱ میلادی به دست سرگی نویسنده روسی رسید، او در سال ۱۹۰۲ میلادی این کتاب را منتشر کرد و نقشه‌های یهود که تا آن زمان پشت پرده مانده بود، با تمام جزئیاتش آشکار شد، مردم کم‌کم حالت بیداری و هوشیاری نسبت به کارهای یهود پیدا کرده و شروع به تظاهراتی ضد آنها نمودند، به اندازه‌ای که در یکی از تظاهرات نزدیک ۱۰،۰۰۰ یهودی را در یک کانال انداختند!

این کتاب چهار مرتبه در شوروی سابق به چاپ رسید، آخرین چاپ این کتاب در سال ۱۹۱۷ میلادی بود که پس از آن دولت وقت دستور جمع‌آوری کتاب و منع چاپ و نشر آن را صادر نمود.

همان سال آقای فکتورمارسدن خبرنگار روزنامه Njpost Mornl آن را به انگلیسی ترجمه نمود و آخرین چاپ آن در غرب به سال ۱۹۲۱ میلادی انجام شد. از آن به بعد هیچ مؤسسه و ناشری جرأت چاپ آن را نداشت زیرا هرکس آن را چاپ یا ترجمه می‌نمود سرانجام توسط یهود کشته می‌شد، این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه شده و چندین مرتبه به چاپ رسیده است. کتاب پروتکل‌های حکمای یهود صفحه ۵۱ چاپ دارالعروبه.

۲- اولین صفحه از پروتکلها.

۳- همان مدرک: صفحه ۵۹.

پروتکل شماره ۱

تَزِ آزادی سیاسی را ما وضع کردیم ولی بر ما لازم نیست که آن را تطبیق نماییم، اما اگر ضرورتی به وجود آمد تمسک به آزادی سیاسی برای جلب مردم مانعی ندارد.

تفاوتی ندارد که کشمکشهای داخلی دولت را نابود سازد یا جنگهای خارجی آن را تسلیم دشمن نماید، در هر صورت دولت و کشور سقوط کرده، به دست ما خواهد افتاد.

اخلاق و سیاست با یکدیگر جمع نمی‌شوند، در نتیجه حاکمی که خویش را پای‌بند به دستورات اخلاقی می‌داند در حقیقت مغز سیاسی ندارد و هرگز حکومتش پایدار نمی‌ماند.

حقوق ما در پشت قدرت مخفی است، در حقیقت حق یعنی: آنچه در دست داری به من بده تا ثابت کنم من قدرتمندتر از تو هستم.

هدف واسطه را توجیه می‌کند، در نتیجه هر عملی در راه رسیدن به هدف انجام دهیم صحیح است.

ما نباید خود را به جمله‌هایی مانند: این بهتر است - این اخلاقی است و... پای‌بند سازیم.

باید جوانان مسیحی را به مواد مخدر معتاد کرده، به گونه‌ای کلاسیک آنها را منحرف سازیم.

حیا، عفت و ناموس را توسط قهرمانان، آموزگاران و در مجموع آموزش و پرورشمان از مغزها بیرون آورده به طوری که دیگر این مطالب در اجتماع مفهومی نداشته باشند.

دروغ، سرنیزه و نیرنگ یگانه شعار ما است.

به عقیده ما قدرت، عَنف و زور یگانه عامل ایجاد عدالت اجتماعی است. ما نخستین کسانی بودیم که جمله‌های آزادی، مساوات و اخوت را در ذهن مردم انداختیم، مردم بیچاره هم آنها را طوطی‌وار تکرار کردند در صورتی که هیچ یک از آنها تا به حال تحقق نیافته است، در نتیجه هم آزادی فردی را از دست داده و هم از حقوق اجتماعی خویش محروم شدند. این کلمات مانند کرم، سعادت مسیحیان را آهسته آهسته نابود می‌کند با وجود این، آنها پرچم ما را بر فراز کشورهای خویش نصب کرده و دولتهای خود را یکی پس از دیگری در اختیار ما قرار می‌دهند.

پروتکل شماره ۲

افراد کوتاه‌فکر و بی‌رأی را از میان مردم انتخاب خواهیم کرد تا دستورات ما را بدون چون و چرا اجرا نمایند.

فکر نکنید که این تصریحات، پوچ و بی‌اساس است زیرا این ما بودیم که زمینه را برای داروین^۱، مارکس^۲ و نیچه^۳ مهیا نمودیم و به اصطلاح به آنها سر و سامان دادیم.

روزنامه یکی از بهترین و مهم‌ترین وسیله نشر افکار ما است. روزنامه‌نگاری یکی از منابع سرشار فرهنگ است ولی چون دولتها نتوانستند از آن به طور شایسته‌ای استفاده کنند سرانجام به دست ما افتاد و ما توسط آن

۱- Darwin .

۲- Marx .

۳- Nietschche .

توانستیم افکار خود را در ذهن مردم بگنجانیم و صدها کروار طلا و نقره جمع آوری نماییم.

پروتکل شماره ۳

زامداری مملکت یکی از اهداف احزاب سیاسی ما است که توسط آن میدانهایی را برای زد و خورد به وجود می آوریم در نتیجه اضطراب و ناامنی همه را بیچاره کرده، فقر و بدبختی بر تمام کشورها حکمفرما می شود.

با جمله حقوق کارگران فقرا و بینوایان را دچار بحران نمودیم زیرا فشار زندگی آنها را از رسیدن به این حقوق ساختگی بازداشته، در نتیجه هم از حقوق روزانه خود محروم شده و هم در اثر اعتماد به کابینه های کارگران و تظاهرات بی مورد، فقیرتر و بیچاره تر گشتند.

مردم در سایه پرچم ما، اشراف را که در واقع به نفع آنها بود از بین برده و خود را در ذهن استعمارگران و ثروتمندان نوظهور انداختند.

ما پیوسته می کوشیم تا خود را مخلص و مدافع کارگران قرار داده و بدین وسیله آنها را تحت سلطه خود درآورده، از طرفداران کمونیسم قرار دهیم.

چنان از مبادی کمونیسم دفاع خواهیم کرد تا مردم گمان کنند مخلص آنها هستیم و این همان روشی است که حزب ماسونی در برنامه خود دارد.

ملت یهود برای آنکه رفقای خود را به شکل قهرمان نشان دهد آنها را جزو قهرمانان درجه یک معرفی می کند.

به اندازه ای فقر و بیچارگی را میان مردم رواج دادیم تا مردم همچنان برده و ذلیل اراده ما باشند.

از راه تقویت حس حسد و کینه توزی عواطف و احساسات مردم را به خدمت گرفته و می گیریم.

ملت‌های غیر یهودی بدون کمک‌های فکری ما نمی‌توانند کاری انجام دهند، حتی در کوچک‌ترین مسائل زندگی خود هم به ما نیاز دارند. انقلاب فرانسه که از آن به انقلاب کبیر یاد می‌شود توسط ما انجام شد، اعلامیه حقوق بشر نیز از تراوشات ذهنی یهود است، اسرار این اعلامیه برای ما بسیار روشن است زیرا ما آن را تنظیم کرده و توسط آن مردم را بدبخت و بیچاره نمودیم.

پروتکل شماره ۴

اجتماع زمانی سعادت‌مند خواهد بود که دیندار باشد و به رهبری روحانیت گام بردارد ولی هرچه مردم از دین دور شده و به اصطلاح متمدن‌تر شوند به سود ما خواهد بود، به همین دلیل ما باید عقده خداپرستی را از ذهن مردم بیرون کرده و آنها را به سوی مادیت سوق دهیم. برای آنکه ملت‌های غیر یهودی به سیاست پشت پرده ما پی نبرند، باید آنها را به کارهای صنعتی و تجاری مشغول کنیم تا متوجه دشمن مشترک خود نشوند. نتیجه این کار این است که ثروت ملت‌های غیر یهودی که همچنان در بانکها بیکار مانده است، توسط معامله‌های ربوی وارد خزانه‌های ما می‌شود.

پروتکل شماره ۵

باید بذر دشمنی، کینه‌توزی و حسد را در خانه‌های غیر یهودی بکاریم و در این زمینه از تعصبات مذهبی، قبیله‌ای و... استفاده می‌نماییم.

در مملکتی که یهود زندگی می‌کند هیچ وقت از جانب همسایگان برضد آن مملکت اعلام جنگ نخواهد شد زیرا سیاست یهود به گونه‌ای است که هر دولتی صلاح خود را در کناره‌گیری از ستیزه‌جویی با یهود می‌داند! خداوند ما را نابغه‌های جهان خلق کرده، تا به خوبی از عهده حکومت بر جهانیان برآییم.

علم اقتصاد حقیقت شگرفی را کشف کرد و آن این است که ارزش ثروت بیش از تخت و تاج است.

بی‌سلاح بودن یک ملت بیش از روانه کردن آن به سوی جنگ اهمیت دارد، ما باید به جای خاموش کردن عواطف و احساسات مردم از این عواطف و احساسات در راه رسیدن به هدف خویش استفاده کنیم.

برای مجبور نمودن اجتماع در پیروی از سیاست یهود باید به اندازه‌ای در قوانین دولتی تغییر و تحول ایجاد نماییم تا همیشه اجتماع متحیر بوده، نتواند حرف اشتباه و صحیح را از یکدیگر تشخیص دهد، در نتیجه از هر رأی مجهولی پیروی خواهد کرد.

همچنین باید عقاید و نظرات مختلف و متضادی را در اجتماع شایع سازیم تا کسی نتواند حق و باطل را تشخیص دهد و خلاصه دریچه فهم بر مردم بسته شود.

پروتکل شماره ۶

جنگهایی که به پا خواهیم کرد احتیاج به ثروت سرشاری دارد که این هزینه هنگفت توسط احتکارهای بزرگ تأمین خواهد شد، در نتیجه هم دولتها را بیچاره نموده و هم هزینه جنگ تأمین شده است.

اشراف ملت‌های غیر یهودی نابود شده و دیگر خطری از جانب آنان ما را تهدید نمی‌کند ولی این مطلب که هنوز ملت‌ها مالک زمین‌های خود هستند مصالح ما را به خطر انداخته و فکر ما را مشغول نموده است. رتبه‌ها و کارهای درجه یک در دست یهود است تا دیگران محتاج ما بوده و برای لقمه‌ای نان در مقابل ما به سجده در آیند.

پروتکل شماره ۷

تقویت ارتش و پلیس برای لباس حقیقت پوشاندن به این نقشه‌ها ضروری و لازم است.

در آسیا و اروپا باید جنگ، فتنه و آشوب به پا نمود تا به دو هدف بزرگ دست یابیم، یکی نابودی آنها و دیگری تسلط کامل ما بر آنها. پیروزی در مورد کارهایی به دست می‌آید که مخفیانه انجام شده باشد، به همین دلیل هرگز لازم نیست که یک دیپلمات یا سیاستمدار طبق حرفی که زده عمل نماید.

برای رسیدن به هدف نهایی باید فکر و ایده خود را توسط روزنامه‌ها در ذهن همه مردم تزریق نماییم، تا اگر دولتی بخواهد با ما مبارزه کند آن را با عصای مخالفت توسط افکار عمومی تأدیب کنیم.

پروتکل شماره ۸

سعی خواهیم کرد تا رژیم ما به وسیله سپاه کاملی از متخصصین علم اقتصاد اداره شود، به همین خاطر است که یهودیها اقتصاد را موضوع اصلی فعالیت خود

می‌دانند و برای آن حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند تا بدین وسیله هزاران بانک و مرکز اقتصادی و هزاران فرد سرمایه‌دار اطراف رژیم ما جمع خواهند شد.

پروتکل شماره ۹

زمانی که دولت ما تشکیل می‌شود جزئیات مربوط به زندگی یعنی: آزادی، مساوات و اخوت را تکذیب نموده و فقط همین کلمات را روی افکار خود قبول می‌نماییم و نام آنها را حق آزادی، وظیفه مساوات و فکر برادری می‌گذاریم یعنی شاخه‌های کار را به دست خود می‌گیریم.

اینگونه است که گاو را از شاخه‌هایش گرفته، تمام نیروهای مخالفین را سرکوب خواهیم کرد.

من با کمال جرأت می‌توانم اعلام کنم که وضع کنندگان قانون، اجرا کنندگان آن و خلاصه فرشته سعادت و عفریت بدبختی ما هستیم. سرمنشأ هر ترس و نگرانی ما هستیم.

برای اجرای تصویب‌نامه‌های خویش از کمونیستها، سوسیالیستها و امپریالیستها استفاده می‌نماییم، یعنی به اندازه‌ای که امکان دارد آنها را تقویت می‌کنیم زیرا بالاخره هر حزبی (به سهم خود) دیواری از بناهای بزرگ قدیم را خراب کرده و به اصطلاح سرنخی به ما خواهد داد.

فقط یک چیز ممکن است از شوکت و قدرت ما بکاهد و آن همکاری دولت و ملت است ولی ما مقدمات کار را در این زمینه انجام داده‌ایم، به عنوان مثال به اندازه‌ای میان ملتها و دولتها جدایی انداخته‌ایم که هر ملتی از دستگاه حاکمه خود ترس دارد. با این حال چگونه ممکن است ملتی تحت نفوذ ما نباشد؟

بالاخره آموزش و پرورش ما توانست توسط نشر افکار و آرای باطل نسل جوان ملتها را فاسد و متعفن نماید.

هنگامي که پاي‌تخت كشوري توسعه پيدا كند مجبور مي‌شوند، خطّ
زيرزميني بکشند و اين مطلب به سود ما است زيرا از همان تونلهای زيرزميني
كارهای تخریبي ما شروع خواهد شد.

پروتکل شماره ۱۰

همیشه دولتها و مردم از دريچه زرق و برق به سياست مي‌نگرند.
مگر ممكن است آنها حقيقت را درك نمايند، در حالی که وکلای آنها غرق
در شهوات و عشرت هستند!

اگر خواستيم اعلام انقلاب كنيم به مردم اينگونه خواهيم گفت:
شما در آخرين درجه ناراحتی و بدبختی زندگي مي‌كنيد ما اين مطلب را به
خوبی درك کرده، مي‌خواهيم علت اين بدبختی را رفع كنيم، ما مي‌خواهيم
آسايش و رفاه عمومي ايجاد نماييم هر چند شما ما را متهم مي‌دانيد ولي آيا ممكن
است قبل از آنکه دولت ما را مشاهده كنيد حكم قاطعی در بدی ما بدهيد؟
برای به دست آوردن رأی اكثريت، بايد به همه حق رأی داد زيرا تفرقه و
جدایی بين طبقات مانع از به دست آمدن آن مي‌شود.

فاسد نمودن تمام دستگاه حاكمه لازم نيست، بلكه تنها فاسد كردن يك قسمت
كافی است دولت را به دست ما بيندازد.

هر زمانی که سوزن آزادی را در جسم ملّتی فرو بریم در حقيقت آن را به
ويروس وبا آلوده نموده و مقدمات هلاکتش را فراهم آورده‌ايم.

قانون به غير از مدرسه فتنه و فساد چیزی نيست، به عبارت ساده‌تر تنها عامل
ايجاد ضعف و فروپاشی ملّتها همان قانون است.

خطابه مانند روزنامه پادشاهان و رؤسا را در اجتماع ضعيف و زائد مي‌نمايد، به
همين دليل بيشتر آنها بركنار شدند. بدین وسيله مقدمات رژيم جمهوري مهيا و به

جای پادشاه، هیئتی به ریاست یکی از بردگان جنایتکار و سوء سابقه دار یهود تشکیل می دهیم.

اختیارات یک حاکم جنایتکار برای ما بسیار سودمند است زیرا همیشه از علنی شدن سوء سابقه خود در وحشت است، به همین دلیل آنچه دستورش دهیم اجرا خواهد کرد.

به همین دلیل به رئیس، صلاحیت اعلام حکم عرفی خواهیم داد و در صورت اعتراض، به مردم چنین خواهیم گفت:

چون رئیس جمهوری، رئیس کل ارتش است باید صلاحیت حمایت دستور را داشته باشد زیرا او نماینده و مسئول قانون می باشد. پس از آنکه هیئت حاکمه فاسد شد مردم به ستوه آمده فریاد خواهند زد: ما را از دست این رؤسا نجات دهید و رئیسی برای ما انتخاب کنید که علت این اختلافات را از بین برده و تعصبات دینی و اخلاقی را نابود کند، رئیسی که بتواند امنیت را حکمفرما سازد.

پروتکل شماره ۱۱

یکی از نعمتهایی که خداوند به یهود عطا فرموده پراکندگی یهود در چهار گوشه جهان است، گرچه دیگران آن را سبب ضعف و بدبختی ما می دانند ولی همین پراکندگی است که سبب به دست آوردن زمام حکومت جهان شده است.

پروتکل شماره ۱۲

تفسیرهای متعددی برای کلمه آزادی بیان شده است ولی بهترین تفسیر این است که بگوییم: آزادی یعنی مواردی که قانون رخصت می‌دهد زیرا این معنی با هدفهای ما بهتر سازش دارد و تعیین آن موارد به دست ما است و این ما هستیم که قانون را جعل می‌کنیم.

دیگر کسی نمی‌تواند به سیاست ما کوچک‌ترین اعتراضی نماید، ما هر نشریه‌ای که قصد حمله یا جبهه‌گیری در مقابل ما داشته باشد فوراً آن را به بهانه تحریک احساسات عمومی توقیف خواهیم کرد.

البته در روزنامه‌های خودمان به نقطه‌هایی از سیاست یهود که مایلیم در آنها تغییری به وجود آوریم پرخاش خواهیم نمود.

هر خبری قبل از آنکه به گوش کسی برسد به اطلاع ما می‌رسد، یعنی کنترل اخبار جهان به دست ما است، تنها خبرهایی به اطلاع عموم مردم می‌رسد که به سود ما باشد.

کتابهایی با سبکی شیوا، جذاب و ارزان تألیف و چاپ می‌نماییم تا بدین وسیله بتوانیم افکار مسموم خود را در ذهن مردم تزریق کنیم.

به زودی، سال روز کتاب دست ما خواهد بود و از این راه از نشر افکار مغشوش و مخالف یهود جلوگیری می‌کنیم.

در مرحله اول از روزنامه‌های رسمی برای دفاع از حقوق یهود استفاده خواهیم کرد، در مرحله دوم روزنامه‌های شبه رسمی را وسیله نشر افکار خود قرار داده و در مرحله سوم از روزنامه‌های معارض استفاده می‌نماییم زیرا مخالفین را فقط توسط این روزنامه‌ها می‌توان شناخت.

مطلب اینجاست که روزنامه‌ها به نقطه‌ای که ما مایل هستیم هجوم خواهند برد و مخالفت ظاهری ما در نقشه سوم است و روزنامه‌ای که با ما مخالفت کند در اصل با فکر ما مخالفت کرده، در نتیجه دشمنان ما از نظر ظاهری با آن روبرو خواهند شد و ما از هر نوع روزنامه‌ای خواهیم داشت: ارستوکرات، جمهوری پرست، انقلابی و حتی آنارشیست فقط بدون شبهه، تا این تشکیلات باقی است روزنامه‌های ما هم مانند خدای هندی (فنشو) از هر تنگنایی خارج خواهند بود و در مقابل دستهایی که اداره روزنامه به آنها سپرده شده هم در تغییر جمعیت و هم در مهیا نمودن افکار عمومی برای سودرسانی به ما بی‌اثر نمی‌باشد، مردمی هم که دارای عصبانیت زیادی باشند از عقیده تابعیت خود گذشته و در نتیجه به سود ما سخن خواهند گفت.

وقتی رژیم را عوض کردیم روزنامه‌ها نباید از آن انتقاد کنند تا مردم به حکومت جدید بدبین نشوند.

پروتکل شماره ۱۳

برای مشغول نمودن مردم، هر روز مشکلات جدیدی برای آنها به وجود می‌آوریم تا آنها اصلاً فرصتی برای مذاکره در مورد مسائل سیاسی نداشته باشند. همه روزه صفحه‌های روزنامه و مجله‌ها را از مسابقات فوتبال، بسکتبال، کشتی آزاد و... پر خواهیم کرد تا بدین وسیله ذهن ملت را فقط در تفکر و نظردهی در مورد این مسابقات مشغول سازیم.

شاید کسی نداند در پشت کلمه‌هایی مانند: تقدم و پیشرفت چه دروغها و فریبهایی خوابیده است زیرا یقیناً اینگونه کلمه‌ها به غیر از پیشرویهای علمی، هیچ‌گونه معنی مفیدی ندارند.

پروتکل شماره ۱۴

ما عقايد ديني را در تمام كشورهاي بزرگ ريشه كن نموده و در مقابل مطالب مسموم خود را توسط نويسندگان عالي مقام همان كشورها به مردم منتقل مي نماييم.

پروتکل شماره ۱۵

كلييه پليسه‌هاي مخفي بين الملل عضو احزاب ما خواهند شد. براي آنكه لو كومتيو بزرگ خود را به حركت در آوريم، بايد جمعيتي تشكيل شده از افراد بي باك، جنائتكار و طرد شده اجتماع به وجود آوريم، تا توسط زور آنها و زر ما به هدف و عقیده‌هاي خود جامه عمل بپوشانيم. و كيلهاي مجلس سنا و همه شخصيتهاي بزرگ اجتماع كور كورانه از سياست ما پيروي مي كنند.

چگونگي تسلط ما در يك جمله خلاصه مي شود:
تمام ملت‌هاي جهان كودك و يهود مادر آنها است.

پروتکل شماره ۱۶

پيروي از علما را ارتجاع و كهنه پرستي جلوه مي دهيم تا مردم اطراف آنها جمع نشوند و بدین وسيله از يگانه دشمني كه ممكن است مقابل ما ايستادگي كند آسوده خواهيم شد.

تا یهود هست علما بدبخت، فقیر و بیچاره زندگی خواهند نمود.

پروتکل شماره ۱۷

برای آنکه از شوکت و عظمت رؤسای غیر یهودی کاسته باشیم، هر مدت یک مرتبه یکی از شخصیت‌های برجسته کشور را توسط ترور فردی، به قتل می‌رسانیم.

پروتکل شماره ۱۸

قاتل سیاسی، نبرد در راه آزادی و جهاد برای سعادت انسان جملاتی است که توسط آنها مردم را متمرّد، سرکش و بی‌باک تربیت می‌نماییم که تاکنون در این راه بیشتر مردم فریب ما را خورده‌اند.

پروتکل شماره ۱۹

مالیات‌های کمرشکنی بر ملکها، سرمایه‌ها و حقوقها قرار خواهیم داد تا بودجه دولت تأمین گردد.
ما بحرانهای اقتصادی را به وسیله از کار انداختن پولها در کشورهای غیر یهودی به وجود آوردیم.

رؤسای غیر یهودی به واسطه بی‌فکری یا از روی عمد دولتهای خویش را مجبور کردند به اندازه‌ای از ما پول قرض کنند تا از پرداخت آن عاجز بمانند، آیا می‌دانید با چه زحمتی این کارها را انجام دادیم؟! این بود جملاتی از پروتکل‌های کتابی که دهها نفر به جرم ترجمه یا نشر آن از زندگی محروم شده و به قتل رسیده‌اند.

مطلب تعجب‌آور اینکه بیشتر این گفته‌ها و پروتکل‌ها در جهان اسلام و غرب جامه عمل پوشیده است.

عجیب‌تر آنکه دنیا در حرکتی سریع و کورکورانه تا اندازه‌ای به سوی تحقق بخشیدن به اهداف یهود پیش می‌رود که احتمال داده می‌شود به زودی ظلم، تجاوز، نگرانی و بدبختی جهان را نابود کند.

امید است نویسندگان توانا بازوی کوشش خویش را به کار انداخته، برای رسوا نمودن این ماده فساد جدید بیشتری از خود نشان دهند.

صاحبان مقامهای بالا نیز باید چشم‌هایشان را بیشتر باز کنند تا در تارهایی که یهود در هر گوشه و کناری تنیده‌اند واقع نشوند.

نفوذ و سیطره یهود

در مطالبی که تاکنون از نظر خوانندگان محترم گذشت به این نتیجه رسیدیم که یهود پیوسته می‌کوشد تا جهان را به زیر سلطه خود درآورد.

اکنون باید ببینیم آنها تا چه اندازه‌ای در این زمینه موفق بوده‌اند.

قبل از هر چیز باید گفت:

ما به این مطلب یقین داریم که گرچه ملت‌های جهان هنوز در پنجه یهود هستند ولی زمانی خواهد آمد که از این پنجه‌های خونین رها شوند و ضربه‌ای سنگین بر پیکر یهود وارد آورند و سرزمین‌های اسلامی را از وجود آنها پاک نمایند.

هدف ما این است که مسلمانان را از سیطره‌ای که یهود در لحظات حساس بر جهان دارد آگاه ساخته، قدرت آنها را نیز با نیروی خود بسنجیم تا دست خالی و بیهوده وارد عمل نشویم.

۱- سازمان ملل متحد یا (کنفرانس بین‌المللی یهود!)

الف) شعبه دبیر کلی سازمان

شخصیت‌های یهودی که در این شعبه و در پست‌های حساس و مهم مشغول فعالیت هستند:^۱

۱- دکتر اچ - اس - بلوک رئیس شعبه اسلحه!

۲- آنتونی کولات رئیس امور اقتصادی!

۳- انس کارروز نبرگ مشاور پایه یک امور اقتصادی!

۴- داوید ونتراب رئیس شعبه حسابداری!

۵- کارل - لاجمن رئیس شعبه خزانه و واردات!

۶- هانری لانکیر معاون دبیر کل در امور اجتماعی!

۱- نقل از کتاب اسرار الماسونیه: تألیف ژنرال جواد رفعت ایلخان، بغداد، دارالبصری، صفحه ۲۲۱.

- ۷- دکتر لیون استیننگ رئیس شعبه مواد متبادله!
- ۸- دکتر اشکول رئیس شعبه حقوق بشر!
- ۹- اچ - ای - دیکوف رئیس شعبه اداره کشورهای غیر مستقل!
- ۱۰- بنیامین کوهین معاون دبیر کل شعبه اطلاعات!
- ۱۱- جی - بنیوت لینی رئیس شعبه فیلمها!
- ۱۲- ابراهام - اچ - فیلولو رئیس شعبه قانون!
- ۱۳- دکتر ایفان کرنو معاون رئیس شعبه قانون!
- ۱۴- جی ساندبرک مشاور شعبه قانون بین الملل!
- ۱۵- دافید - زایلو دویسکی رئیس شعبه مطبوعات!
- ۱۶- جرجو رانیوفیج رئیس شعبه مترجمین!
- ۱۷- ماکس ابیراموفیج رئیس شعبه تصمیم!
- ۱۸- مارک سولبر رئیس شعبه ساتو!
- ۱۹- بی - سی - جی - کین رئیس شعبه محاسبات!
- ۲۰- مرسیدس برکمن مدیر استقلال!
- ۲۱- دکتر ای - سنجر رئیس شعبه مراجعات!
- ۲۲- باول - رادزیاتکو رئیس پزشکان بهداشت جهانی!

ب) شعبه اطلاعات سازمان ملل متحد

شخصیتهای یهودی که در این شعبه و در پستهای حساس و مهم مشغول فعالیت

هستند:

- ۱- جردی شیرو رئیس شعبه خبرگزاریها - مرکز ژنو!

۱- طلب وابستگی به سازمان ملل متحد، از طرف مدیر بخش استقلال قبول یا رد می‌شود.

- ۲- بی - تیکفر رئیس شعبه خبر گزاریه‌ها، مرکز هند!
- ۳- هنری - فاست رئیس شعبه خبر گزاریه‌ها، مرکز چین!
- ۴- دکتر جولوبس - ستارلیکی رئیس شعبه خبر گزاریه‌های م - وارشو!

ج) شعبه امور داخلی سازمان ملل متحد

شخصیت‌های یهودی که در این شعبه و در پست‌های حساس و مهم مشغول فعالیت هستند:

- ۱- دایفید - ای - موریس^۱ رئیس امورات، داخلی جهانی!^۲
- ۲- فی - کبریل کارسن رئیس شعبه‌های داخلی منطقه استوا!
- ۳- جان روزنر خبر گزار لهستانی در شعبه‌های داخلی!
- د) مؤسسه تغذیه و کشاورزی سازمان ملل متحد

شخصیت‌های یهودی که در این مؤسسه و در پست‌های حساس و مهم مشغول فعالیت هستند:

- ۱- اندری مایر رئیس مؤسسه تغذیه و کشاورزی!
- ۲- ای - بی - جاکویسن نماینده دانمارک در این مؤسسه!
- ۳- ای - فریس (نماینده هلند در این مؤسسه!
- ۴- ام - ام - لیمین رئیس شعبه مسکن و آبادانی!

-
- ۱- البته نام حقیقی وی (موسکوفیچ) می‌باشد.
- ۲- شخصیت‌هایی که در این قسمت فعالیت می‌کنند عبارتند از:
- ۱ - (آلتمن) یهودی بلونی.
- ۲ - (دافید - زلباخ) یهودی آمریکایی.
- ۳ - (فینت) یهودی بلژیکی.

- ۵- کيروا کاردوس رئيس شعبه همزيستی جهانی!
- ۶- بی کاردوس رئيس شعبه متفرقات!
- ۷- ام - ازاکل حسقیل رئيس شعبه اقتصاد تحلیلی!
- ۸- ام - ای - هایرمن رئيس شعبه حفظ جنگلها!
- ۹- جی - بی - کاکان مشاور فنی شعبه حفظ جنگلها!
- ۱۰- جی - مایر رئيس بخش تغذیه!
- ۱۱- اف - ویسل رئيس بخش اداره!

۲- مؤسسه آموزش و فرهنگ و هنر سازمان یونسکو

بدون تردید یونسکو نیز مانند دیگر مراکز با اهمیت جهان به دست اخلا لگر یهود اداره می شود با این تفاوت که این مؤسسه تنها توسط دو شخصیت یهودی اداره می شود.

- ۱- آلف سومر - فیلد رئيس هیئت مبادلات خارجی!
- ۲- جی - ایزنهاور رئيس هیئت تنظیم فرهنگ جهانی!
دیگر شخصیت های یهودی این مؤسسه عبارتند از:
- ۱- ام - لافن رئيس شعبه فرهنگ جهانی!
- ۲- اچ - کابلن رئيس کل شعبه استعلامات!
- ۳- سی - اچ ویتز رئيس شعبه حسابداری!
- ۴- اس - سامون - سیلیکی رئيس شعبه استقلال!
- ۵- بی - ابرامیسکی رئيس شعبه پناهندگان و سیاحت!
- ۶- بی - ویرمل رئيس شعبه سازمان و تعیین!
- ۷- دکتر آی - ویلسکی رئيس شعبه فنی مصالح صحراهای آسیا!

۳- بانک عمران بين الملل

شخصيتهای يهودی که در اين بانک مشغول فعاليت هستند:

- ۱- لئونارد بی است مدير اقتصادي بانک!
- ۲- آی یولاک عضو مجلس شورای اداره!
- ۳- ام - ام - مندلس منشی بانک عمران جهانی!
- ۴- ای - ام - جونک نماینده هلند در مجلس شورای اداره!
- ۵- بی - مندیس نماینده فرانسه در مجلس شورای اداره!
- ۶- جی - ام - برنلیس نماینده بیروفي در مجلس شورای اداره!
- ۷- لیوبولد جیمله نماینده چکسلواکی در مجلس شورای اداره!
- ۸- وی - ابراموویچ نماینده یوگسلاوی در مجلس شورای اداره!

۴- صندوق نقد بين الملل

در واقع اين صندوق جهانی ستون اصلی سازمان ملل را تشکیل می دهد.

شخصيتهای يهودی که در اين صندوق مشغول فعاليت هستند:

- ۱- کمیل کات مدير کل مؤسسه!
- ۲- لویس آلمتن معاون مدير کل!
- ۳- لویس رامین سکی مدير اداره شعبه کانادا!
- ۴- ای - ام - برنستن مدير شعبه تحقيق و بررسی!
- ۵- W کاستر مدير اداره شعبه هلند!
- ۶- جوزیف کولدمن نماینده چکسلواکی در هیئت اداره!
- ۷- بی - مندیس نماینده فرانسه در هیئت اداره!

۸- ليو - ليفانفال و جوزيف كولد مشاوران پيشين مؤسسه!

۵- مؤسسه پناهندگان بين الملل

دو شخصيت يهودي كه در اين مؤسسه مشغول فعاليت هستند:

- ۱- ماير كوهين مدير كل شعبه بهداشت جهاني!
- ۲- پيپر جاك ويسن مدير كل برگرداندن و اعطاي مسكن به پناهندگان!

۶- مؤسسه بهداشت جهاني!

شخصيتهاي يهودي كه در اين مؤسسه مشغول فعاليت هستند:

- ۱- ذت - دوستجمن رئيس شعبه فني!
- ۲- جی - ماير رئيس بخش پزشكي!
- ۳- دكتر ام - كودمز رئيس اداره بخش پزشكي و مالي!
- ۴- ای - زارب رئيس بخشي از مؤسسه!

۷- مؤسسه تجارت جهاني

دو شخصيت يهودي كه در اين مؤسسه مشغول فعاليت هستند:

- ۱- ماكس - لوتنز رئيس هيئت مربوط به امور داخلي!

۲- اف - سی - وُلْف رئیس شعبه اطلاعات جهانی!^۱

البته مطالبی که ذکر شد گوشه‌ای از تسلط یهود بر جهان می‌باشد، آیا پس از خواندن این مطالب نیز می‌توان گفت دنیای غرب به دست غیر یهود اداره می‌شود؟

اکنون توجه خوانندگان محترم را به آمار تکان دهنده‌ای از سال ۱۹۵۰ میلادی در مورد فعالیت و نفوذ یهود در آمریکا که صلاح دسوقی در کتاب آمریکا مستعمره صهیونیسم نقل می‌کند، جلب می‌نماییم:^۲

وکلای دادگستری	۷۰٪ یهودی	۳۰٪ آمریکایی
پزشکان	۶۹٪ یهودی	۳۱٪ آمریکایی
تجارت کنندگان	۷۷٪ یهودی	۲۳٪ آمریکایی
پیشه‌وران	۴۳٪ یهودی	۵۷٪ آمریکایی
کارمندان دولت	۳۸٪ یهودی	۶۲٪ آمریکایی
کارگران فنی	۲٪ یهودی	۹۸٪ آمریکایی
کشاورزان	۱٪ یهودی	۹۹٪ آمریکایی
کارگران غیر فنی و افتادگان	۰٪ یهودی	۱۰۰٪ آمریکایی

مطلب جالب توجه اینجاست که یهود فقط ۴٪ ملت آمریکا را تشکیل می‌دهند با این حال تمام مراکز مهم و حساس این کشور توسط یهودیها اداره می‌شود!

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب خطرالمحیط بالاسلام: صفحه ۳۲۳ مراجعه شود.

۲- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه: صفحه ۲۰۵.

نفوذ یهود در امور مختلف در چند سال اخیر به اندازه‌ای توسعه یافته که با مقدسات مسیحیان نیز بازی می‌کند. همان گونه که چندی پیش صدها کشیش و کاردینال در واتیکان جمع شدند و یهود را از خون مسیح تبرئه نمودند! گرچه به عقیده ما مسلمانان حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَّبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ...﴾^۱

(... نکشتند او را و نه بدار آویختند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد...)

ولی این تبرئه که مخالف صریح کتاب مقدس انجیل و صدها کتاب و دلیل دیگر مسیحیان است خود بزرگ‌ترین سند بر نفوذ عجیب و روزافزون یهود در جهان مسیحیت است.

توطئه‌ها

تاریخ یهود یکی از عجیب‌ترین و پرحادثه‌ترین تاریخهای جهان به شمار می‌رود.

این ملت نسبتاً کوچک به قدری نیرنگ و توطئه از خود نشان داده که از حد و اندازه خارج است.

در همان روزهای نخست پیدایش به اندازه‌ای با پیامبر خود کجروی و بدرفتاری نمودند که چندین مرتبه مستحق عذاب الهی شدند.

یهودیه‌ها خواستند حضرت عیسی علیه السلام را به قتل رسانده و در دین مقدس ایشان تحریف به وجود آورند، سرکشی آنان در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و

۱- سوره نساء: آیه ۱۵۷.

آله و سلم به اندازه‌ای زیاد شد که ایشان امر فرمودند یهود را از جزیره العرب بیرون کنند!

در مقابل، یهود این ملت اخلاک‌گر برای نجات از خطر اسلام و مسیحیت دست به توطئه‌های ناجوانمردانه و خونینی زد.

آخرین توطئه ایشان بر ضد مسلمانان به سقوط دولت عثمانی منجر شد. آخرین توطئه بر ضد مسیحیان نیز به سقوط روسیه تزاری زیر پرچم مارکس کشیده شد.

هر چند پس از آن زمان توطئه‌های دیگری نیز بر ضد مسلمانان در فلسطین و بر ضد مسیحیان در تبریئه از مسیح از خود نشان دادند ولی این توطئه‌ها نتیجه طبیعی آن دو توطئه بزرگ بود.

حیرت‌آور است که با وجود همه این توطئه‌ها همچنان مسلمانان با آنها سیاست مسالمت و سازش را در پیش گرفته و بدون توجه به آیه شریفه قرآن که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ...﴾^۱

ای اهل ایمان، یهود و نصاری را (که دشمن اسلام هستند) به دوستی نگیرید، بعضی آنها دوست بعض دیگرند و هر کس از شما با آنها دوستی کند، او هم از آنها است....

دوباره روابط دوستانه‌ای با یهود برقرار می‌نمایند.

چگونگی سقوط دولت عثمانی

هفتاد سال از فعالیت دست غارتگر یهود در راه تشکیل دولت مستقل اسرائیل می‌گذرد.

در زمان سلطان عبدالحمید که یهودیها در مقابل پرداخت ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره طلا به عنوان هدیه^۱ خواهش کردند سلطان عبدالحمید به آنها اجازه ورود به فلسطین را بدهد.

عبدالحمید از قبول این به اصطلاح هدیه به شدت خودداری نمود، در نتیجه تبلیغات شدیدی بر ضد او آغاز شد، این تبلیغات کینه‌توزانه و هدفدار شامل جملات ذیل بود:

در دولت عثمانی آزادی وجود ندارد، در این دولت استبداد و دیکتاتوری بر مردم سایه افکنده است، عبدالحمید روشنفکران را در دریا می‌اندازد، مردم را از بیچارگی نجات دهید، اروپا قصد دارد دولت عثمانی را تقسیم کند این تبلیغات به اندازه‌ای قوی و فریبنده بود که بیشتر مردم تحت تأثیر آن قرار گرفته و انقلابی بر ضد دولت ایجاد شد، به گونه‌ای که کم‌کم کوههای مکدونیه پناهگاه و پایگاه شورشیان شد، یهود از این فرصت استفاده کرده یکی از ژنرالهای ماسونی به نام آقای قرصو که انقلاب اتحادی سال ۱۹۰۸ میلادی توسط وی انجام شده بود را روانه پایتخت کردند تا در آنجا فعالیتی بر ضد سلطان آغاز نماید.^۲

۱- به اضافه ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ جَنیه طلا به عنوان قرض بدون بهره، صد ساله. مجله التریبه الاسلامیه: چاپ بغداد. جَنیه واحد پول کشور مصر است.

۲- قره صو، شخصیتی است که خود متن استعفا نامه از تخت و تاج را به عبدالحمید رسانید و سپس در مجلس شورای ملی پست نیابت سلانیک را به دست گرفت.

قرصو، پس از گذشت چند ماه توانست موفقیت‌های زیادی کسب نماید و افراد برجسته کشور را مانند طلعت پاشا که بعداً به ریاست مشرق اعظم عثمانی انتخاب شد به دام حزب ماسونی بیندازد.

طلعت پاشا مرد نیک‌سرشت و مخلصی بود ولی فقط داشتن این دو صفت برای اداره کشور کافی نیست زیرا اداره دولت، سیاست کامل و فرهنگ و تجربه فراوانی نیاز دارد.

در حقیقت همان جمعیت اتحاد و ترقی که سلطان را برکنار نمود بنای استبداد و دیکتاتوری را گذارد، به طوری که مردم ظلمها و تجاوزهای ۳۲ ساله عبدالحمید را فراموش کردند. در این زمان بود که مردان آزادیخواه و میهن‌پرست، آخرین لحظه‌های زندگی خود را بر سر چوبه‌های دار سپری نمودند.

اتفاق فجیع‌تر اینکه اداره آن دولت عظیم اسلامی به دست حزب ماسونی افتاد تا بتواند مسلمانان را برای همیشه بدبخت نماید.

یهود عبدالحمید را برکنار کردند و به جای وی طلعت پاشا را آوردند، پس از مدتی هم که طلعت پاشا خواسته‌های حزب را انجام نداد او را در یکی از جزیره‌های دوردست به قتل رساندند^۱.

در حقیقت اگر دولت عثمانی به روش اسلام عمل می‌نمود هرگز یهود نمی‌توانست با چنین حرکت ناجوانمردانه‌ای این دولت را از پای در آورد.

قابل توجه است که عوامل ضعف این دولت از دو ناحیه سرچشمه می‌گرفت: الف) از ناحیه سلاح زیرا به جای آنکه سلطان عبدالحمید در مقابل توپ و تانک دشمن، توپ و تانکی به میدان بیاورد، دست به قبضه شمشیر زده و با شعار

(الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ) ^۱ خود را تسلّی می‌داد، غافل از آنکه قرآن

می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾ ^۲

و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا سازید و تا اندازه‌ای که می‌توانید از آذوقه، ابزار جنگی و اسبان سواری برای مقابله و تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید...

ب) از ناحیه تعصبات مذهبی، همان گونه که شیعیان در نهایت فقر و سختی زندگی می‌کردند. به عنوان مثال خرید و فروش کتابهای شیعه در عراق به طور کلی ممنوع بود و مخالفین به بدترین صورت ممکن کیفر می‌شدند.

تبعیضات نژادی هم دست کمی از تعصبات مذهبی نداشت، به عنوان مثال نژاد ترکی نزد دستگاه حاکمه از هر نژاد و عنصری مقرب‌تر بود و این مطلب همه مردم را به ستوه آورد، در صورتی که قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ...﴾ ^۳

ای مردم! ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه‌های بسیار و فرقه‌های گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید (و به واسطه نسب به یکدیگر فخر نکنید که نسب مایه افتخار نیست) به درستی که گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پرهیزکارترین شما است...

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

۱- اسلام برتر است و چیزی بر آن مسلط نمی‌شود، المناقب: جلد ۳، صفحه ۲۴۱.

۲- سوره انفال: آیه ۶۰.

۳- سوره حجرات: آیه ۱۳.

(النَّاسُ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ سِوَاءٌ)^۱

سستی و ضعف از جانب دولت و قدرتی که یهود به واسطه اتحاد با مسیحیت به دست آورده بودند دست به دست هم داده، دولت عثمانی را با آن عظمت و جلالی که داشت از پای درآوردند.

اگر دولت عثمانی مقاومت می کرد هرگز یک یهودی ماسونی مانند آتاتورک^۲ بر سر کار نمی آمد و نمی توانست دین و لغت عربی را در ترکیه لغو نماید! مسلمانان در این توطئه نه تنها ترکیه را از دست دادند بلکه با سقوط ترکیه تمام دولتهای اسلامی رو به سقوط گذاشت زیرا یهود این کشور را مکان اجتماعات و کابینه تبلیغات خود قرار دادند و از آنجا بود که کارهای ضد اسلامی آنها شروع شد.

چگونگی سقوط روسیه

محفل ماسونی آمریکایی که تمام نقشه های حزب ماسونی توسط این محفل طرح ریزی می شود، کنفرانسی با همکاری ثروتمندترین یهودی در آمریکا تشکیل داده و در آن چنین مقرر شد که با هزینه کردن یک میلیارد دلار و قربانی نمودن یک میلیون یهودی در روسیه قیصری کودتا نمایند. اهدا کنندگان آن یک میلیارد دلار نیز آقایان: اسحاق موتیمر، سیستر، لیفی، روف و شیف بودند که این مبلغ را در تبلیغات ضد دولتی مصرف نمودند.^۳

۱- مردم مانند دانه های شانه با یکدیگر مساوی هستند. من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۳۷۹.

۲- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسیحیه: صفحه ۲۳۳.

۳- اسرار الماسونیه: صفحه ۲۳۰، نقل از کتاب المؤامره اليهودیه.

پس از انقلاب مارکس زمام حکومت به دست يهود افتاد، جدول ذيل که از کتاب خطر اليهوديه العالميه على الاسلام و المسيحيه صفحه ۱۹۴ اقتباس شده گفتار ما را تأييد می نماید:

در دفتر سياسی

	لينين
همسر او يهودی است.	استالين
يهودی است.	تروتسکی
يهودی است.	کامينيف
يهودی است.	سوکولنکوف
يهودی است.	زينوفيف
روسی است.	يابزوفی

در وزارت جنگ^۱

يهودی است.	Trotsky	تروتسکی
يهودی است.	Joffe	ژوف
؟	Lenin	لينين
قفقازی است.	Bokii	بوکیج
روسی است.	Podowoiski	پودوسکی
همسر او يهودی است.	Molotov	مولوتوف
روسی است.	Newski	نیوسکی

انتچلخت	Uritski	يهودی است.
سويردلوف	Antonov	يهودی است.
يورتسکی	Uritski	يهودی است.
انتونوف	Antonov	روسی است.
میکونسین	Medchonoscin	روسی است.
ژوسیف	Gussev	يهودی است.
ارمیجیف	Ermejev	روسی است.
جیرجنسکی	Dierjinski	پولندی است.
دینکو	Dybenko	اوکراینی است.
راسکولنکوف	Raskolnikou	روسی است.

آمار ذیل نیز نفوذ يهود را در اداره‌های شوروی سابق، پس از انقلاب بلشوی به خوبی نشان می‌دهد!

۱- خطر اليهوديه العالميه على الاسلام و المسيحيه: صفحه ۱۹۵ نقل از:

نام اداره	مجموع کارمندان	کارمندان يهودی
نخستين حکومت پس از جنگ	۲۲ نفر	۱۷ نفر
کميته اداره جنگ	۴۳ نفر	۳۴ نفر
کميته امور داخلی	۶۴ نفر	۴۵ نفر
کميته امور خارجی	۱۷ نفر	۱۳ نفر
کميته امور مالی	۳۰ نفر	۲۶ نفر
کميته امور قضایی	۱۹ نفر	۱۸ نفر
کميته امور بهداشتی	۵ نفر	۴ نفر
کميته ارشاد عمومی	۵۳ نفر	۴۴ نفر
کميته بناء و تعمیر	۲ نفر	۲ نفر
صليب سرخ روسی	۸ نفر	۸ نفر
اداره ایالات	۲۳ نفر	۲۱ نفر
امور روزنامه نگاری	۴۲ نفر	۴۱ نفر
کميته رسیدگی به امور کارمندان	۷ نفر	۵ نفر
کميته تحقیق در مورد کشته شدن قيصر	۱۰ نفر	۷ نفر
مجلس اعلاى اقتصادى	۵۶ نفر	۴۵ نفر
دفتر کارگران و ارتش در مسکو	۲۳ نفر	۱۹ نفر
کميته مرکزی ۴ کنفرانس شوروی سابق	۳۴ نفر	۳۳ نفر
کميته مرکزی ۵ کنفرانس شوروی سابق	۶۲ نفر	۳۴ نفر
کميته مرکزی حزب اشتراکی	۱۲ نفر	۹ نفر
در مجموع	۵۳۲ نفر	۴۲۵ نفر

جنایتها

تا زمانی که یهود خود را ملت برگزیده خداوند و دیگران را حیوانات انسان‌نما می‌دانند از مرتکب شدن هیچ جرم و جنایتی هراس نداشته و به هر عمل ناشایست و خطرناکی دست می‌زنند، بنابراین اگر شنیدیم که یهودیها دو عید مقدس دارند که این عیدها بدون آشامیدن خون تمام نمی‌شود، نباید تعجب کنیم:

الف) عید بوریم در ماه مارس Purim.

ب) عید فصح در ماه آوریل Passover.^۱

همه ساله افراد زیادی قربانی این دو عید مقدس!! می‌شوند، برای نمونه به این رویداد توجه فرمایید:

روزی کشیش ایتالیایی آقای (اپ - فرانسوا - انطون توما) به اتفاق خدمتکار خود ابرام از خانه بیرون آمده، ناپدید شدند.

پس از تحقیق و جستجوی فراوان که از طرف ملت و دولت انجام گرفت معلوم شد که کشیش بیچاره توسط یهودیها به قتل رسیده است.

سلیمان سرتراش که یکی از متهمین این پرونده بود در اعترافات خویش چنین گفت:

نیم ساعت از مغرب گذشته بود که خدمتکار داوود هراری وارد مغازه من شد و درخواست کرد فوراً خود را به خانه داوود برسانم، من نیز چنین کردم، در آنجا

۱- (سر ریچارد بورتون یهودی) در کتاب خود یهود... نور... اسلام در سال ۱۸۹۸، صفحه

۸۱ می‌نویسد:

تلمود می‌گوید: ما را دو مناسبت خونین است که در آنها خداوند از ما راضی می‌شود، یکی عید خمیر مخلوط به خون و دیگری مراسم ختنه کردن فرزندانمان.

هارون هراری، اسحاق هراری، یوسف هراری، یوسف لینیوده، خاخام موسی ابوالعافیه، خاخام موسی بخور یودامسلونکی و داوود هراری که صاحب‌خانه بود جمع بودند، من وارد اتاق شده و کشیش توما را دست و پا بسته دیدم، با مشاهده اوضاع متوجه شدم که مرا نیز برای چه احضار نموده‌اند!

پس از ورود من دربهای منزل را بستند و طشت بزرگی حاضر نموده، از من خواهش کردند کشیش را به قتل برسانم ولی من خودداری نمودم. داوود گفت: پس تو با دیگران سرش را بر لبه طشت نگه دارید تا ما کارش را یکسره کنیم.

در این هنگام کشیش را جلو آوردند، او را محکم بر زمین زده و بدون آنکه قطره‌ای از خون بدنش بر زمین بریزد، سرش را از بدن جدا نمودند.

سپس جسد بی‌جان او را به انبار برده، با هیزم آتش زدیم و باقیمانده جسد او را قطعه قطعه کردیم و در کیسه‌های بزرگی جای داده و در صرافی واقع در اول خیابان یهودیها دفن نمودیم.

این مأموریت که تمام شد به ابرام خادم کشیش وعده دادند اگر این راز را برای کسی بازگو نکنند، بدون اینکه هزینه‌ای از او بگیرند او را داماد خواهند کرد.

باز پرس سؤال کرد: استخوانهایش را چه کردید؟

سلیمان: با دسته هاونگک! خورد کردیم!

باز پرس: سرش را چه کردید؟

سلیمان: با دسته هاونگک! خورد کردیم!

باز پرس: روده‌هایش را چه کردید؟

سلیمان: آنها را قطعه قطعه نموده و در یکی از صرافیهای نزدیک دفن نمودیم!

آنگاه باز پرس رو به اسحاق هراری کرد و سؤال نمود: آیا به اعترافات سلیمان

اعتراضی داری؟

اسحاق: آنچه سلیمان گفت صحیح است ولی شما نمی‌توانید این عمل را جرم به حساب آورید!! زیرا یکی از مراسم مذهبی ما در این عید، استفاده از خون انسان است.

بازپرس: خونهای کشیش را چه کردید؟

اسحاق: در شیشه کرده، به خاخام موسی ابوالعافیه دادیم.

بازپرس: شیشه سفید بود یا سیاه؟

اسحاق: سفید بود.

بازپرس: چه کسی شیشه را به خاخام داد؟

اسحاق: خاخام موسی سلونکی.

بازپرس: در مراسم مذهبی شما در چه چیزی از خون استفاده می‌شود؟

اسحاق: در خمیر نان عید.

بازپرس: آیا همه یهودیها باید از این نان استفاده کنند؟

اسحاق: خیر، ولی چنین نانی حتماً باید نزد خاخام بزرگ موجود باشد!

در سال ۱۸۲۳ میلادی روز عید فصح در شهر Valisob واقع در شوروی سابق کودک دو ساله‌ای ناپدید شد و پس از یک هفته جستجو جسد بیجان او را در یکی از لجنزارهای خارج شهر پیدا کردند. آثار فرو بردن میخ و سوزن بر روی جسد نمایان بود ولی قطره‌ای خون بر لباسهای آن کودک وجود نداشت زیرا پس از تحقیقات معلوم شد جسد را پس از قتل شسته بودند!

خانمی که تازه یهودی شده بود و یکی از متهمین این جنایت بود در اعترافات خود چنین گفت:

۱- خطر اليهودیه العالمیه علی الاسلام و المسيحیه: نقل از کتاب الكنز المرصود فی قواعد التلمود: چاپ بغداد ۱۸۹۹ میلادی - در ضمن این رویداد در همه روزنامه‌های روز چهارشنبه سال ۱۸۴۰ میلادی به چاپ رسید.

ما از طرف یهود مأمور شدیم که این کودک مسیحی را ربوده و در ساعت معینی در منزل یکی از آنها حاضر کنیم. هنگامی که ما با این کودک وارد منزل شدیم دیدیم همه دور میزی نشسته و منتظر ما هستند.

کودک را روی میز گذاشتند و با شکلات و بیسکویت و شیرینی او را سرگرم نمودند وقتی کودک بیچاره مشغول خوردن شد یکی از آنها میخ تیز و درازی در ران پای او فرو برد.

صدای دلخراش کودک بلند شد و هراسان به یکی از آنها پناه برد او نیز نامردی نکرد و با سوزن درازی که در دست داشت کمرش را مجروح کرد، کودک دوباره فریادی زد و به سومی پناه برد او هم سینه‌اش را سوراخ نمود و خلاصه به اندازه‌ای میخ و سوزن در بدن او فرو کردند که روی همان میز جان سپرد.

سپس خونهایش را در شیشه کرده و به خاخام بزرگ دادند!

در کتاب من اثر النکبه: تألیف نمرالطیب آمده است:

در یکی از روزهای گرم تابستان سربازهای یهودی به یکی از خانه‌های مسلمانان در فلسطین حمله کردند که دختر بزرگ آن خانواده چنین می گوید: وقتی سربازان یهودی وارد منزل ما شدند چنان وحشت زده شده بودم که می‌خواستم جان بدهم، از طرفی خواهر کوچکم به گوشه‌ای فرار کرد و از طرف دیگر پدر و مادرم فریاد می‌زدند ولی کسی نبود به کمک ما بیاید.

مردان وحشی، حیوان صفت و سنگدل یهودی مادرم را گرفته در موضع مخصوصش چند گلوله شلیک کردند! سپس پدرم را با مشت و لگد و ته تفنگ به قتل رساندند، من و خواهر کوچکم را نیز با دست و پای بسته کشان کشان از خانه بیرون آوردند.

من نمی دانم چه بر سر خواهرم آمد ولی مرا با عده‌ای از مردان خشن یهودی به پشت کامیون سوار کردند و به مکان مجهولی بردند.

در میان راه خواستند با من عمل منافی عفت انجام دهند که با مقاومت من روبرو شدند ولی مرا بیهوش کرده و زمانی که به هوش آمدم متوجه شدم که آبرویی برای من باقی نمانده است.

اکنون نیز مرا به عنوان همخواب در یکی از هتلهای استخدام کرده‌اند! خداوند گواه است که این حکایت کوچک به اندازه‌ای مرا تحت تأثیر قرار داد که وقتی آن را خواندم اشک از دیده‌هایم جاری شد و هر وقت آن را به نظر می‌آورم اشکم جاری می‌شود به طوری که وقتی خواستم این حکایت را برای یکی از دوستان نقل کنم، بغض آنچنان گلویم را فشرد که از شنونده معذرت خواستم و گفتم: من آنقدر شجاع نیستم که بتوانم این حکایت را به آخر برسانم! حتی اکنون که مشغول نوشتن این کلمات می‌باشم اشک در چشمانم حلقه زده است.

ای وای! کار مسلمانان به کجا رسیده که یهودیها دختر و ناموس آنها را بر باد دهند؟!

مسلماً، مسلمانان مرگ را هزار مرتبه سزاوارتر از چنین فاجعه‌ای می‌دانند. زمانی که سپاهیان معاویه به شهر انبار حمله کردند زینت زنان مسلمان و ذمی را ربودند، وقتی این خبر به حضرت علی علیه السلام رسید، حضرت بالای منبر رفته، فرمودند:

به خدا قسم اگر کسی با شنیدن این فاجعه جان دهد، من ملامتش نخواهم کرد! من نمی دانم اگر حضرت علی علیه السلام امروز بودند و این حکایت را می‌شنیدند چه می‌گفتند یا چه می‌کردند!؟

یکی دیگر از جنایات یهود کشتار بی رحمانه‌ای بود که در دهکده دیر یاسین در سرزمین اسرائیل انجام دادند.

روز نهم آوریل سال ۱۹۴۸ میلادی نزدیک ظهر بود که سربازان یهودی به این دهکده بی سلاح و از همه جا بی خبر حمله کردند و ساکنان را از زن و مرد و بزرگ و کوچک، همه و همه را به صف کشیده و هدف گلوله‌های ننگین خود قرار دادند!

پس از آن جسد‌ها را قطعه قطعه نمودند، حتی شکم زنهای حامله را پاره کرده و بچه‌هایی که هنوز دیده به جهان نگشوده بودند سر بریده و در میان چاه به اصطلاح گابی انداختند.

هنگامی که نماینده صلیب سرخ آقای دکتر لیر برای تحقیق به این روستا رفت و ۲۵۰ جسد بی جان را با آن وضع وحشتناک دید، بیهوش شده و فوراً آن روستا را ترک کرد!^۱

ولی اینگونه حادثه‌ها در دیر یاسین به پایان نرسید! دقیقاً در همان روز پس از تمام شدن این کشتار به روستای ناصرالدین نزدیک طبریا و روستای بلدالشیخ، سکریر و همچنین علیوط و شهر حیفا طبریا حمله کردند و همان کشتار بی رحمانه را در آن روستاها نیز تکرار کردند.^۲

۱- این جریان در رادیو، روزنامه و مجله‌های آن زمان منتشر شد.

۲- تذکره عوده: تألیف ناصرالدین نشاشیبی، صفحه ۲۵.

یهود چه می‌کند؟

نزدیک صد سال است که استعمار یهودی بر کشورهای غربی سایه افکننده است به طوری که همین آمریکایی که ثروتمندترین و متمدن‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود، اکنون به صورت یک کشور یهودی درآمدی است، به عنوان مثال وقتی نویسنده عالیقدر یهودی آقای آلفرد لیلنتال^۱ کتاب خود اسرائیل ذلک الدولار الزائف^۲ را تمام نمود، نتوانست آن را چاپ کند و به طور کلی تمام مؤسسات انتشاراتی اروپا و آمریکا از چاپ آن خودداری نمودند تا بالاخره مجبور شد قبل از چاپ اصل کتاب ترجمه آن را به عربی چاپ نماید.

سیاست یهود هر جا که باشد یکی است و یهودی قبل از هر چیز یهودی است، خاخام یهوذا در اعلامیه‌ای که در سال ۱۹۶۱ میلادی منتشر نمود گفت:
من در درجه اول یهودی و سپس آمریکایی هستم.^۳

آقای استیفن سی واین می‌گوید: از ۶۴ درصد زندگانیم تنها در ۶۳ درصد آن آمریکایی بوده‌ام زیرا مدت چهار هزار سال است که یهودی هستم.^۴
یهودیه‌ها با چنین تعصبی توانستند بر کشورهای اروپایی سلطه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را حاصل نمایند و سیاست دولتهای غربی را نیز به سود خود تغییر دادند، به طوری که دولت انگلستان حاضر نمی‌شود تجاوز یهود را بر کشورهای مسلمان‌نشین که مستعمره آن هستند جواب دهد.

۱- Litjenthal - Alfred

۲- The other side of the coin

۳- اسرائیل ذلک الدولار الزائف: تألیف الفرد لیلنتال، ترجمه عمرالذیراوی، دارالعلم للملایین، بیروت، صفحه ۱۲۱.

۴- یادداشتهای آنتونی ایدن: قسمت دوم، صفحه ۳۵۴.

آنتونی ایدن در یادداشتهای خود می نویسد:

ما نمی توانستیم مقابل ظلمهای اسرائیل به عربها کوچک ترین کمکی نماییم، به عنوان مثال وقتی چند سال پیش یکی از هواپیماهای جنگی اسرائیلی از مرزهای اردن تجاوز کرد و چند روستا را بمباران نمود، دستگاه حاکمه اردن از ما درخواست کمک کرد ولی همین که هواپیماهای ما آماده شدند تلگرافی دریافت داشتیم مبنی بر اینکه حتی یک هواپیما هم نباید از فرودگاه حرکت کند!

بنابراین اکنون نه تنها یهودیها در مقابل مسلمانان قرار گرفته اند بلکه کشورهای اروپایی و قسمتی از کشورهای شرقی که در مقابل سیاست آنها سکوت کرده اند نیز با آنان دست داده و با مسلمانان نبرد می کنند.

برای پی بردن بیشتر به قدرت یهود قسمتی از کتاب کُنتُ فی اسرائیل تألیف روزنامه نگار مشهور مصری آقای ابراهیم عزت را برای خوانندگان محترم نقل می نمایم.

ناگفته پیداست که هدف از نشان دادن مشت این است که نشانه خروار باشد، در غیر این صورت اگر بخواهیم تمام موارد قدرت و نفوذ یهود را بنویسیم، طبق ضرب المثل مشهور مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

الف) بازی... بر چند بند؟

ناحوم گولدمان رئیس سازمانهای صهیونیسم جهانی می گوید:
ما قبل از هر چیز یهودی هستیم، برای ما عضو کمونیسم بودن یا از پیروان امپریالیسم بودن تفاوتی ندارد زیرا ما قبل از هر چیز یهودی هستیم و اینگونه احزاب هرگز نمی توانند در یهودی بودن ما کوچک ترین تأثیری بگذارند.

اگر آمریکا بر ضد شوروی اعلام جنگ نماید یهودیهای آمریکایی اولین کسانی هستند که به میدان جنگ می روند و اگر شوروی آمریکا را مورد هجوم

قرار دهد، یهودیهای ساکن شوروی نخستین کسانی هستند که شوروی را تأیید می‌نمایند زیرا ما همیشه به دنبال حفظ موقعیت خویش در جهان هستیم.

ب) به امید سلطه صنعتی بر شرق!

همه کارخانه‌ها را فقط برای رسیدن به یک هدف تأسیس کرده‌اند و آن سلطه اقتصادی بر خاورمیانه است.

در حقیقت ما نمی‌توانیم همه این کارخانه‌ها را اسرائیلی بدانیم زیرا بیشتر سرمایه‌دارها و صاحبان این کارخانه‌ها آمریکایی هستند، من هر کارخانه‌ای که دیده‌ام، هدیه یکی از هیئت‌ها و جمعیت‌های آمریکا بود.

اسرائیل به واسطه کمک‌های دولتهای خارجی زندگی می‌کند، حتی دبستانها، دبیرستانها و دانشگاههای خود را نیز توسط دیگران تأمین می‌کند!

ج) کارهای گروهی

نخستین روز ماه مایو که بزرگ‌ترین عید اسرائیلی‌ها است طبق دستور دولت، تمام طبقات از شهر خارج شده، نزدیک مرزهای مصر و اسرائیل مشغول کردن خندق و زراعت می‌شوند.

در میان این جمعیت، گروهی از وزیران، وکلای مجلس، وکلای دادگستری و شخصیت‌های بزرگ مملکتی را نیز می‌بینیم!

د) اسرائیل... مادر مهربان کمونیسم

مؤسسه هستورت یا اتحادیه کارگران اسرائیل که یکی از بزرگ‌ترین سازمانهای اسرائیلی است، بر همه شئون مملکتی سلطه دارد و مبادی کمونیسم را تطبیق می‌نماید!

این سازمان حق دارد کارگر را بدون دادن مزدی استخدام کند. در همه مکانهایی که پیرو هستورت هستند و به نام بوت‌تر نامیده می‌شوند، یک عکس از استالین و تروتسکی بر دیوار نصب شده است. در این مؤسسه بیش از ۵۵۰ کارگر فعالیت می‌کنند و در حقیقت ۹۰٪ ملت اسرائیل را اعضای این مؤسسه تشکیل می‌دهند.

ه) وسایل بیکاری

در شهر ناصره صدها عرب روزهای خود را به بیکاری و نشستن در قهوه‌خانه‌ها می‌گذرانند. معمولاً افتتاح قهوه‌خانه در شهرهای عرب‌نشین رواج داشته و بی‌مانع است ولی در شهرهای یهودی ممنوع می‌باشد.

و) فساد اخلاق

در اسرائیل فساد اخلاقی به بالاترین درجه خود رسیده است، به عبارت دیگر برای ازدواج و طلاق مفهومی باقی نمانده است.

دخترها معمولاً با دامنهایی تا بالای زانو یا شورت بیرون می آیند و دختران و پسران عصرها در خیابانها به راه افتاده، بدون کوچکترین توجهی به عابرین، مشغول عشق بازی می شوند.

در هتل دان همیشه چند دوشیزه یهودی چشم به راه مشتری هستند، فقط کافی است دست یکی را گرفته، به هر جایی که می خواهد، ببرد.

روزنامه ها عوالم ضمن تحقیقی می نویسند:

زنا در اسرائیل اصلاً ممنوع نیست، حتی قانون هم نمی تواند از آن جلوگیری نماید.

مدتی قبل یکی از نمایندگان یهودی لایحه ای مبنی بر منع زنا تقدیم مجلس نمود ولی کنیسه های یهودی با تصویب این لایحه به شدت مبارزه کردند.

ز) اختلافهای شدید ملت و دولت

زمانی که در اسرائیل سکونت داشتیم، روزنامه حیروت مقاله ای نوشته بود که ترجمه آن از نظر تان می گذرد:

لیفی اشکول وزیر دارایی پس از آن همه اختلاسها و دزدیها باید برکنار شود، ملت اسرائیل می گوید:

وزرا باید به ترتیب حروف ابجد یکی پس از دیگری برکنار شوند، یعنی اگر از حرف الف شروع کنیم اشکول اولین کسی است که باید برکنار شود، سپس نوبت به بن گریون^۱ می رسد و بعد هم گولدا مایرسون و... و تا زمانی که ملت از این دستگاه آسوده نشود ساکت نخواهد شد.

۱- رئیس جمهوری پیشین اسرائیل.

ح) ۲۵۰۰ سازمان

هر امری در اسرائیل سازمانی دارد. تعداد چنین سازمانهایی از ۲۵۰۰ تجاوز می کند و ۴۶ صفحه از راهنمای تلفن اسرائیل فقط به سازمانهای آن اختصاص دارد.

در یکی از شهرهای مهم اسرائیل یعنی تل آویو آپارتمان بسیار با شکوهی برای کنفرانسهای ساکنین یافا، تل آویو اختصاص داده شده که همه روزه ساکنین این دو شهر در این عمارت که پارلمان نام دارد کنفرانسی تشکیل می دهند و در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی و... بحث و گفتگو می کنند، گاهی نیز بازار مناقشه به اندازه ای گرم می شود که به زد و خورد کشیده و بالاخره پلیس آنها را جدا می نماید، در فصل تابستان پارلمان را به باغهای لندن که خوش آب و هوا تر است منتقل می کنند. قبلاً باغهای لندن و میدان هربرت سموئیل و هتل دان ملک یک جوان عرب به نام عیسی دهمش بود ولی در نتیجه یک قمار آنها را به یک یهودی باخت و اکنون در اسرائیل زندگی می کند و همسری اسرائیلی نیز دارد.

ط) شبهای شنبه

معمولاً یهودیها در شبهای شنبه مراسم مذهبی انجام می دهند و این مراسم را ارواحات للشابات یعنی غذای روحی شب شنبه می نامند.

در یکی از این شبهای شنبه در اسرائیل برای تناول شام به منزل یکی از شخصیتهای یهودی دعوت شدم، مشغول تناول شام بودیم که وکیل وزارت امور

دینی^۱ ایستاد و یک سخنرانی به لغت ییدیه^۲ ایراد کرد و حاضرین را نصیحت و ارشاد نمود سپس نوبت به موسیقی مذهبی رسید و پس از آن هر کسی کلاه مخصوصی بر سر گذاشت و مشغول صرف شام شد.

ی) اهمیت تعطیلی‌های مذهبی

معمولاً تعطیلی‌های دینی اسرائیل از شب شنبه شروع و شب یکشنبه به پایان می‌رسد. به اندازه‌ای که در این مدت همه بانکها، وزارتخانه‌ها، بازارها و حتی تاکسی‌ها و اتوبوسها تعطیل می‌باشند، خلاصه در این بیست و چهار ساعت تمام وسایل زندگی از کار می‌افتد.

ک) اثر تهدیدهای ما

یکی از مسئولین بلندپایه اسرائیل شخصاً به من گفت:
ما یقین داریم که همه تهدیدهای مسلمانان پوچ و بی‌اساس است ولی ما از آنها برای تبلیغ برضد عربها استفاده می‌نماییم.

۱- امور دینی در اسرائیل وزارت خاصی دارد.

۲- ییدیه لغت یهودیهای ساکن اروپا است.

ل) مسجد و مقبره‌های مسلمانان چه وضعی دارد؟!

هیچ مسلمانی نمی‌تواند بدون اجازه دولت از شهر یا روستای خود خارج شود، به عنوان مثال مدتی قبل یک جوان عرب به جرم اینکه برای عیادت دخترش بدون اجازه از روستا خارج شده بود اعدام شد.

مسجد بزرگ یافا را خراب کردند و مسجد عمقا و سماویه را به زباله‌دانی تبدیل نمودند و مساجد دیگری را نیز به سالن تئاتر تبدیل نمودند. مقبره‌های مسلمانان و مسیحیان عرب در اختیار دولت است و هر مدت یک مرتبه به اسم کشیدن خیابان این مکانها را خراب کرده، استخوانهای مرده‌ها را نیز آتش می‌زنند!!

م) وای بر ما!!

دولت اسرائیل ساکنین روستای أم الفحم را به جرم مسلمان بودن تحت فشارهای غیرانسانی قرار می‌داد، این مسلمانان نیز در تلگرافی از پاپ مسیحیان تقاضا کردند که به آنها اجازه دهد به دین مسیحیت وارد شوند.

این بود قسمتی از کتاب کُنْتُ فِي اسْرَائِيل و اتّفاقات شهری که هنوز صدای آوارگانش به گوشها می‌رسد.

ما روابط مسلمانان و یهود را نوشتیم و به گوشها رسانیدیم تا مسلمانان این اخلال‌گران ثروتمند که دنیایی را بازیچه خود گرفته‌اند بهتر بشناسند.

وظیفه ما در مقابل این جنایتها

اکنون که یهود با کمک استعمار صلیبی، فلسطین را غصب نموده‌اند، وظیفه مسلمانان چیست؟

تنها دو راه در پیش رو داریم:

اول: مسلمانان دست روی دست گذاشته و از این قطعه زمین (فلسطین) صرف نظر کنند.

دوم: همه مسلمانان جهان که بیش از یک میلیارد نفر هستند برای مقابله با یهود اشغالگر و رسوا نمودن آنان با تمام نیرو وارد جنگ و کارزار همه جانبه شوند. بدون شک این بهترین و تنها راهی است که به وسیله آن ممکن است فلسطین آزاد شود زیرا اگر نیروی معنوی مسلمانان با قوه مادی آنها همراه شود مانند طوفان رعد آسا ریشه یهود را کنده و در نتیجه کشورهای اسلامی را نجات خواهند داد.

امید است مسلمانان به پا خواسته، یکپارچه و متحد یهود را در هم شکنند.

محمد شیرازی - کربلای مقدس